



وزارت آموزش پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

# آموزشی آب‌داری

۳

رشد

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره‌ی بیست و پنجم | آذر ۱۴۰۰ | شماره‌ی بی‌دری ۲۰۰ | صفحه ۴۸  
www.roshdmag.ir | ۵۳۰۰۰۰ ریال



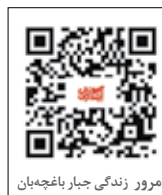
## دو صد بار زندگی

- آب زیند راه را
- کلاسی بدون دیوار

ISSN : 1606-9102



ابتکارات من که در آن روزگار بی‌سابقه بود، سبب شد عملیات من مانند یک شعبده‌باز تحسین همه را جلب کند... وجدان خود را شاهد می‌گیرم که «لذت و احساس رضایت» منظور اصلی من در خدمتگزاری نبوده است و خدا را شکر می‌کنم که هرگز تاکنون غرور و خودخواهی نتوانسته است مرا از راه حقیقت منحرف کند... هر مبلغی که بابت نام‌نویسی از شاگردان بی‌بضاعت دریافت می‌کردیم، در بانکی به حساب او می‌گذاشتیم و مبلغی برابر آن نیز به آن اضافه می‌کردیم و این مبالغ پس از هفت هشت سال که کودک از دبستان می‌رفت، به اضافه‌ی سود و بهره و ... به او یکجا پرداخت می‌شد. ... از همان نه تومان حقوق که حتی نمی‌توانستم کرسی خانه‌ی خود را گرم کنم، مداد و دفترچه‌ی شطرنجی می‌خریدم و به شاگردان می‌دادم... به این ترتیب در آن‌ها چنان شوق و علاقه‌ای به وجود آورده بودم که سابقه نداشت. بزرگ‌ترین موفقیت من اعتمادی است که مردم به صداقت من پیدا کرده‌اند.



مرور زندگی جبار باغچه‌بان

# آموزشی ابتداری

رشد

۳

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای آموزگاران، دانش‌جو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره‌ی بیست و پنجم | آذر ۱۴۰۰ | شماره‌ی پی‌درپی ۲۰۰ | ۴۸ صفحه | ۵۳۰۰۰ ریال  
www.roshdmag.ir

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

## فهرست

- ۲ **دو صد بار زندگی** | محبت‌الله همتی؛ مرتضی مجدفر؛ اصغر ندبری؛ کبری محمودی
- ۸ **آب زیند راه را...** | ابراهیم اصلانی
- ۱۰ **اگر ما شویم** | زهرا نصیری
- ۱۲ **گروه یازی** | عاطفه فرهادی
- ۱۴ **کی فکرش را می‌کرد؟** | مرتضی مجدفر
- ۱۶ **مدیر معاون آموزگار دفتر دار خدمتگزار** | فاطمه تمری
- ۱۸ **کلاس بیمار** | نامدار اعتمادی؛ ویدا حسن‌پور سیاهکلی
- ۲۰ **یازی درمانی تضمینی در ده جلسه!** | اصغرا حسینی
- ۲۱ **دقیقه شماری** | حسن غلامعلی تبار
- ۲۲ **شیرینی آثار ترش** | محمدعلی بابائی فرد
- ۲۳ **چشم‌ها باز، دست‌ها دراز** | الهه دیمی
- ۲۴ **قابلمه‌ی چوبی** | کبری محمودی
- ۲۶ **در ارتباط باشیم** | لیلا سلیقه‌دار
- ۲۹ **مشق سلامت** | فاطمه دولتی
- ۳۰ **اضافه‌بار** | مریم کبابی
- ۳۲ **کلاس بدون دیوار** | الهام فراستی
- ۳۴ **آقا معلم** | سالومه اسماعیلی
- ۳۷ **یادمان باشد** | زهرا نظام‌الدینی
- ۳۸ **کی، کجا، چرا؟** | سیدغلامرضا فلسفی
- ۴۰ **یازی در مدرسه‌ی خانگی** | تمنا رستگار
- ۴۲ **رمزینه** | مریم شهرآبادی
- ۴۴ **خاک شو تا گل پرویی رنگ‌رنگ** | فریبا مؤیدنیا
- ۴۶ **درس بده و فیلم بگیر** | محمد نیکافروز
- ۴۷ **کتاب آموزشی** | مریم شهرآبادی
- ۴۸ **تو بگو، من می‌شنوم** | اعظم لاریجانی



اللهم صل علی محمد و آل محمد



فرم اشتراک مجله



مدیر مسئول: محمد ابراهیم محمدی  
دبیر: کبری محمودی

شورای برنامه‌ریزی: مزگان آزیده، مهشید باستانی پورمقدم،  
محمدعلی قربانی، مرتضی مجدفر و اصغر ندبری

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: وحید حقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱ - ۸۸۸۶۷۲۰۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید:

- با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد.
- قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- در حد ۱۲۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی - آموزشی باشد.
- در قالب «ورد» و از طریق پیام‌نگار و راه‌های ارتباطی مجله فرستاده شود.
- روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.
- محل قرار گرفتن جدول، شکل و عکس در متن مشخص شود.
- چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود.
- اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد.
- لازم به ذکر است:
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است.
- مقاله‌ی دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.
- عکس‌های مدرسه‌ای‌تان را منتشر می‌کنیم.
- عکس‌های مدرسه‌هایی که در مجله می‌بینید، قبل از دوران شیوع کرونا گرفته شده‌اند.

# دو صد

# بار زندگی



کبری محمودی

سن که بالا می‌رود، تجربه‌ها بیشتر و مفیدتر می‌شوند. مجله‌ای که اکنون در دست شما خواننده‌ی گرامی قرار دارد، هرچند بیست و پنج بهار را پشت سر گذاشته، اما دویستمین شماره‌اش را تجربه می‌کند. این مجله هر سال هشت بار متولد می‌شود؛ از مهر تا اردیبهشت. هر شماره از مجله پر است از تجربه‌های بسیار شما آموزگاران که علاقه‌مند و دغدغه‌مند بوده‌اید. نگاهی گذرا به این دویست شماره کافی است تا دریافت، اهم مطالب آن تجربه‌های آموزگاران ایرانی‌اند و بس! به پهنای دویستمین شماره‌ی مجله، مروی می‌کنیم دویست بار تولد را؛ دویست بار شروع زندگی را.

## رشد آموزش ابتدایی در مرحله کودکی؛ تولد تا نه‌سالگی، به سردبیری محبت‌الله همتی



«اینک نخستین شماره‌ی رشد آموزش ابتدایی به‌لطف الهی در دست معلمان عزیز قرار گرفته است. خدای را به شکرانه‌ی این توفیق سپاس می‌گوییم و از او برای سپردن راهی که نخستین قدم را در آغاز آن برداشته‌ایم، مدد می‌طلبیم.»

آنچه خواندید، نخستین جمله‌های دکتر حدادعادل درباره‌ی انتشار اولین شماره‌ی ویژه‌نامه‌ی «آموزش ابتدایی» در رشد معلم بود؛ در سال تحصیلی ۱۳۶۷-۱۳۶۶.

مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی حدود ده سال (۱۳۶۶ تا ۱۳۷۶)، به‌صورت ضمیمه، بخشی از مجله‌ی رشد معلم بود و پس از آن، با تجربه‌ای موفق و در پی درک ضرورت و لزوم انتشار آن، مستقل شد. با این حساب، مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی از مهر سال تحصیلی ۱۳۷۷-۱۳۷۶ اولین شماره‌ی مستقل خود را تجربه کرده است؛ به سردبیری محبت‌الله همتی. از دوره‌ی نوزادی و نوپایی مجله که بگذریم، آقای همتی حدود ۶۹ شماره از این مجله را سردبیری کرد. در طول این سال‌ها مجله با موضوعات متنوعی منتشر شد و این‌چنین مجله‌ی رشد در مسیر رشد قرار گرفت. آموزش درس‌ها و همراهی با کتاب‌های درسی، روش‌های ابتکاری در آموزش، گزارش‌های مرتبط با دوره‌ی ابتدایی، تحقیقات تربیتی، بازی‌های کودکی، کتاب‌های معلمی و اخبار حوزه‌ی ابتدایی از جمله مطالب مجله بودند. اگر مایلید به فهرست آن سال‌های مجله نگاهی بیندازید، رمزینهی پاسخ‌سریع را اسکن کنید.

از آقای همتی خواستیم به‌مناسبت دویستمین شماره‌ی مجله یادداشتی بنویسد. یادداشت را با هم بخوانیم:

## تولد یک مجله

خانم محمودی، سردبیر رشد آموزش ابتدایی، پیامی برایم فرستاده بود که دویستمین شماره‌ی مجله در شرف انتشار است، جا دارد من به‌عنوان اولین سردبیر، یادداشتی بنویسم برای این شماره از مجله.

یادداشت را که خواندم، بلافاصله در ذهنم حساب و کتاب کردم، ۲۰۰ شماره! اگر هر سال هشت شماره منتشر شده باشد، یعنی سال تحصیلی جاری بیست‌وپنجمین دوره‌ی انتشار مجله است. ۲۵ سال از انتشار مستقل رشد آموزش ابتدایی گذشته است. در طول این مدت نزدیک به ۱۰ هزار صفحه مطلب تألیف، ترجمه، آماده‌سازی و صفحه‌آرایی شده است. شمارگان مجله از ۱۰ هزار نسخه تا ۸۰ هزار نسخه هم چاپ و توزیع شده و در کنار این‌ها، ویژه‌نامه‌هایی هم بنا به‌ضرورت در این سال‌ها به زیور طبع آراسته شده‌اند. این همه میسر نبوده، مگر با کار منسجم سازمانی و برنامه‌دار.

اما پیش‌تر از این، یعنی از سال تحصیلی ۱۳۶۷-۱۳۶۶، رشد آموزش ابتدایی طی ۱۰ سال داخل رشد معلم منتشر می‌شد که سردبیری چهار سال از آن را سیدرضا رضوی بر عهده داشت، چهار سال دیگر را مجتبی مصدقی نیک و دو سال را نگارنده.



اولین شماره‌ی رشد ابتدایی



## مجله‌ای برای ۳۹۵ هزار مخاطب

اولین بار ایده‌ی انتشار مستقل رشد آموزش ابتدایی را **اسید محسن گلدان‌ساز**، مدیرکل وقت دفتر انتشارات، مطرح کرد. اولین شماره‌ی مجله، مهرماه ۱۳۷۶ منتشر شد. در آن سال ۳۹۵ هزار نفر در دوره‌ی آموزش ابتدایی کشور کار می‌کردند؛ ۶ درصد آنان مدرک لیسانس یا بالاتر، کمی بیش از ۳۰ درصد فوق‌دیپلم و ۵۹ درصد دیپلم و حدود ۴ درصد کمتر از دیپلم داشتند. بیش از ۱۱ میلیون نفر دانش‌آموز در پایه‌هایی اول تا پنجم ابتدایی نیز تحصیل می‌کردند.

۴۶ درصد از معلمان در مناطق روستایی کار می‌کردند. در همان سال ۶۰۰ هزار نفر از دانش‌آموزان مردود شده بودند که بیشترین مردودی از آن کلاس اولی‌ها بود.

انتشار مستقل رشد آموزش ابتدایی در چنین شرایطی، به‌عنوان ابزاری مناسب، ارزان و کارا، می‌توانست نقش مهمی در آموزش مستمر معلمان ایفا کند. علاوه بر آن، به‌دلیل پراکندگی مناطق آموزشی و تعداد بسیار زیاد معلمان مناطق روستایی، نظام توزیع مجله‌های رشد در سراسر کشور بسیار مثرتر بود و به‌مثابه‌ی وسیله‌ای ارتباطی، از یک طرف بین معلمان و از طرف دیگر بین معلمان و حوزه‌ی برنامه‌ریزی نقش داشت.

برای انتشار چنین مجله‌ای نیازمند همکاری بخش‌های ستادی و برنامه‌ریزی دوره‌ی آموزش ابتدایی بودیم. در جلسه‌ای که با مدیرکل وقت دفتر آموزش ابتدایی داشتیم، مورد عتاب واقع شدیم که این مجله را ما باید منتشر کنیم نه شما! پاسخ دادم مشکلی نیست، اما شما سازوکار انتشار مجله را ندارید.

اولین قدم برای جلب همکاری به بن‌بست رسید. دومین مدعی، گروه ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی بودند که اعتقاد داشتند رشد آموزش ابتدایی را مانند مجله‌های تخصصی آن زمان، دفتر فوق باید منتشر کند.

اولین قدم تکمیل نیروهای انسانی مجله بود. در زمان شروع به کار مجله، علاوه بر سردبیر، هر مجله می‌توانست دو نیرو داشته باشد. اولین فرد موردنظرم **خانم کبری نیکوخوی منفرد** بود. ایشان را از زمان

سرگروه‌ی‌اش برای پایه‌ی پنجم دبستان در گروه‌های آموزشی آموزش و پرورش منطقه‌ی ۱۰ تهران می‌شناختم. کارشناس آموزش ابتدایی بود و بعدها، در دانش‌سرای تربیت‌معلم، همین رشته را سال‌ها تدریس کرد. خانم نیکوخوی پس از آن کارشناس واحد طرح و برنامه‌ی دفتر آموزش ابتدایی شد. شروع انتشار مجله، زمان ریاست مرحوم دکتر **روح‌الله عالمی** بود. همکار دوم هم خانم **بهناز پورمحمد** بود ایشان، هم کارشناسی آموزش ابتدایی داشت و هم سابقه‌ی معلمی.

**ترانه امیرابراهیمی**، ویراستار مجرب دفتر، **مهدی کریمخانی**، طراح گرافیک و مرحوم **مهدی محسنی آهویی**، عکاس مجله‌های رشد، تیم اولیه‌ی رشد آموزش ابتدایی را تشکیل می‌دادند.

اولین قدم با توجه به هدف‌های انتشار این مجله برداشته شده بود؛ تشکیل یک تیم کاری. دومین قدم تدوین برنامه‌ی سالانه‌ی انتشار مجله بود که با مشورت و کسب تجربه‌های کارشناسان تدوین شد.

مهم‌ترین سرفصل محتوایی مجله در طول سال‌ها، با توجه به رویکرد رشد آموزش ابتدایی، بخش آموزش بود که به زیربخش‌های آموزش علوم، آموزش ریاضی، آموزش جغرافیا، آموزش تاریخ، زبان‌آموزی و... تقسیم می‌شد. در بخش آموزش، همکاری کارشناسان گروه‌های درسی در اشاعه‌ی برنامه‌های درسی امری لازم و اجتناب‌ناپذیر بود و اگر نبود این فضای

همدلی، این بخش کارآیی نداشت. معلمان از این بخش مجله استقبال می‌کردند.

از طرف دیگر سعی کردیم نقش معلمان را پررنگ کنیم. اولین مطلب بعد از یادداشت سردبیر، تجربه‌های سبزی با موضوع گفت‌وگو با معلمان بود که زحمت آن را **محمدحسین دیزجی** می‌کشید. این گفت‌وگوها بیشتر در قالب مصاحبه با معلمان شهرها و روستاها صورت می‌گرفتند. گروهی از معلمان را سازمان‌دهی کرده بودیم که مجله‌ها را بعد از هر شماره نقد می‌کردند. در این جلسه‌ها ایده‌های زیادی برای شماره‌های بعدی شکل می‌گرفت.

در طول این سال‌ها تمام سعی گروه این بود که مجله‌ای خواندنی و مؤثر برای مخاطبان فراهم کنیم. ارتباط گسترده‌تری با استان‌ها و شهرها و روستاها داشته باشیم. از مدرسه‌ها گزارش تهیه کنیم و از نویسندگان بیشتری بهره ببریم. سعی کردیم بیشتر به سمت تأمین نیازهای معلمان برویم.

من هشت سال شیرین را در چنین فضای نفس‌کشیدم، آموختم، رشد کردم و با معلمان بسیاری در سراسر کشور آشنا شدم که تلاش دلسوزانه‌ی آن‌ها برایم آموزنده بود و مرا با موانع و مسائل آموزش و پرورش از نزدیک آشنا کرد.

بی‌شک، حضور نویسندگان زیادی که در طول هشت سال، افتخار همکاری مستمر با آن‌ها را داشتم، برایم فرصت مغتنمی در راستای هم‌آموزی و یادگیری ایجاد کرد. سعیشان مشکور باد.



**رشد آموزش ابتدایی در دوره ی نوجوانی؛ نه سالگی تا پایان شانزده سالگی، به سردبیری مرتضی مجدفر**

پس از گذشت هشت سال، در مهرماه ۱۳۸۴، مرتضی مجدفر سردبیری نهمین دوره ی این مجله را عهده دار شد. ایشان در دوره ی مدیرمسئولی علیرضا حاجیان زاده آغاز به کار کرد و از نه سالگی تا پایان شانزده سالگی، یعنی در دوره ی نوجوانی مجله، رشد ابتدایی را با همکاری امید نیایش و اصغر ندیری، به عنوان مدیران داخلی، سردبیری کرد. در کنار آنان کبری محمودی و پراستاری و مهسا قبایی طراحی گرافیک مجله را به عهده گرفتند. محتوای مجله در این دوره «تجربه های سبزی» را در بر می گرفت و همچنان بحث آموزش، تعلیم و تربیت، گزارش و گفت و گوهای مربوط به دوره ی ابتدایی و یادداشتهای معلمان از مطالب اصلی محسوب می شدند.

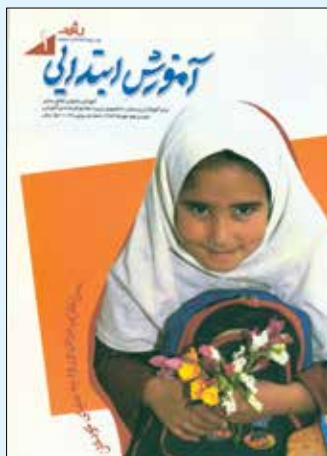
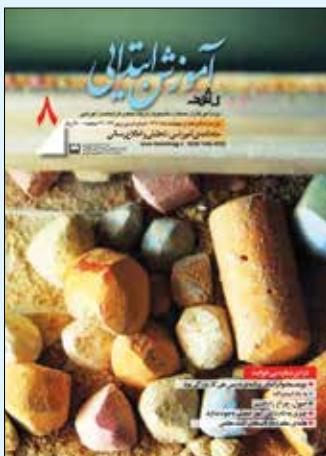
رشد به درستی در مسیر رشدش قرار داشت و این ارزشمند بود. در این سالها مجله به صدمین شماره نیز رسید و این اتفاق ارزشمند گرمی داشته شد. مجدفر، در تمام سالهای سردبیری و پس از آن، از همراهان اصلی مجله بوده است و این همراهی کماکان ادامه دارد. یادداشت ایشان را بخوانیم:

**بادبزن های حصیری**

اکنون رشد آموزش ابتدایی به دو یستمین شماره ی خود رسیده است که ۶۴ شماره ی آن دست پخت مستقیم من بوده است؛ یعنی افتخار داشته ام از مهر ۱۳۸۴ (شماره ی پیاپی ۷) تا اردیبهشت ۱۳۹۲ (شماره ی پیاپی ۱۳۳)، سردبیری مجله را عهده دار شوم و از طریق آن با آموزگاران کشور سخن بگویم. علاوه بر این ۶۴ شماره، سردبیری سه ویژه نامه در خصوص همسان سازی بین برنامه های درسی دوره ی ابتدایی با برنامه ی درسی ملی در سالهای آغاز به کار اجرای این سند ملی هم بر عهده ام بوده است. به غیر از این ۹ سال که تمام زندگی ام با رشد ابتدایی گذشت، قبل و بعد از آن هم با این مجله دمخور و هم نفس بودم. از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ که برای حضور و قبول مسئولیت معاونت مجلات رشد به دفتر انتشارات و فناوری آموزشی فراخوانده شدم، معاون آموزشی یکی از مناطق جنوبی تهران بودم و به فراخور سمت اداری ام، می بایست در جمع آموزگاران حاضر می شدم و درباره ی موضوعات مبتلابه ی علمی و اجرایی دوره ی ابتدایی برایشان سخن می گفتم. یکی از منابع من برای آماده کردن متن و محتوای این سخنرانی ها، مجلات رشد بود و در این میان، رشد ابتدایی زمانی که دوره ی جنینی خود را با صفحاتی مستقل در

درون رشد معلم طی می کرد و قبل از اینکه به مانند مجله های مستقل در مهر ۱۳۷۶ منتشر شود، یکی از اصلی ترین منابع مطالعاتی ام بود. در سالهایی هم که معاون مجلات رشد بودم (مهر ۱۳۸۰ تا مهر ۱۳۸۵)، به دلیل سمت اداری ام، مجبور بودم همه ی مجله ها را پیش از چاپ بخوانم. البته این در مورد رشد ابتدایی، توأم با اجبار اداری نبود و یکی از مفرح ترین زمانهای مجله خوانی اداری ام، زمانی بود که رشد ابتدایی می خواندم. در این سالها و تا مهر ۱۳۸۴ که دوست خوبم محبت الله همتی، به اقتضای تغییر و تحولات اداری و با تصمیم مسئولان وقت دفتر، سردبیری را به من واگذار کند، با همراهی و درخواست او، مطالب متعددی را در آموزش ابتدایی منتشر کردم؛ کاری که بعد از مهر ۱۳۹۲ و تحویل مجله به همراه همیشگی ام اصغر ندیری و سردبیری دوستان دیگر، همواره ادامه داشته است و همیشه مطالبی را در رشد ابتدایی منتشر کرده ام. به عبارت دیگر، در تمامی سی و چند سال گذشته، این مجله جزو دغدغه ها و بخشی از زندگی کاری و فعالیت های نوشتاری ام بوده است.

اکنون که به شماره ی دو یستم رسیده ایم، به پیشنهاد خانم محمودی، سردبیر مجله، که خود از سابقون رشد ابتدایی است و حتی قبل از سردبیری من، ویرایش مطالب را با دقت و وسواس





انجام می‌داد، با خاطری خوش و حسی زیبا، پذیرفتم که این یادداشت را بنویسم، ولی دوست دارم سخن خود را با ذکر خاطره‌های شیرین از سال‌ها پیش به سرانجام برسانم.

### با هم‌رمان

هم‌واره یکی از گله‌های خوانندگان این است که کمتر به بازی گرفته می‌شوند. در دوران سردبیری‌ام، به‌تأسی از آقای همتی، صفحات درخور توجهی را به تجربه‌های خوانندگان اختصاص دادم. با این همه، برخی از مخاطبان، دانسته و ندانسته گله می‌کردند که در مجله دیده نمی‌شوند.

آن سال‌ها که اسیر کرونا نشده بودیم، سفرهای استانی سردبیران و مسئولان مجله‌های رشد رونق گسترده‌ای داشت. در یکی از سفرها به استان یزد رفتیم. روز اول به جلسه با مسئولان استان، گروه‌های آموزشی و مدیران مدرسه‌های نواحی یزد گذشت. در روز دوم، سردبیران مجلات در گروه‌های دو یا سه‌نفره، عازم یکی از شهرها شدند. از من هم خواستند همراه با سردبیر وقت رشد دانش‌آموز، **بهروز رضایی**، به آن شهر بافق برویم. در مسیر، به این فکر می‌کردم که علاوه بر پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، راجع به چه چیزهایی صحبت کنم که یادم افتاد چندی پیش، از آموزگاری به اسم خانم **صلاحی**، از همین شهر، مطلبی چاپ کرده‌ایم. اسم کوچک نویسنده یادم رفته بود. به دفتر مجله زنگ زدم و با کمک آقای ندیری، اطلاعاتم تکمیل شد: فرخنده صلاحی، «کلبه‌ی علوم که قابلیت تبدیل شدن به کلبه‌ی ریاضی را هم دارد».

در سالن بزرگی، مدیران و آموزگاران جمع شده بودند. با آقای رضایی، قدری در مورد اهمیت، کارکردها و انواع مجله‌های رشد و اینکه چگونه می‌توان از آن‌ها در فرایندهای یاددهی‌یادگیری استفاده کرد، توضیح دادیم و نوبت به پرسش‌های حاضران رسید.

بعد از چند پرسش، خانم مدیری، با حالتی برافروخته، از اینکه مجله پر است از نوشته‌های تهران‌نشینان و به مناطق

دورافتاده توجهی نمی‌شود، ما را به باد انتقاد گرفت. پرسیدم رشد ابتدایی را می‌خوانید؟ پاسخش مثبت بود. پرسیدم مطلبی از همکاران شهرتان در مجله چاپ شده است؟ این بار پاسخش منفی بود. جمع حاضر را خطاب قرار دادم و پرسیدم خانم فرخنده صلاحی یا مدیر مدرسه‌ی محل تدریس ایشان، در سالن هستند؟

دستی از میان جمع بالا رفت و سکوتی سالن را فرا گرفت: «من صلاحی هستم. تجربه‌ی من با نام کلبه‌ی علوم، در رشد ابتدایی منتشر شد. مدیرم خیلی تشویقم کرد، ولی از طرف اداره، هیچ عکس‌العملی دریافت نکردم. چندی پیش از ناحیه‌ی ۳ مشهد با من تماس گرفتند. برایم بلیت رفت‌وبرگشت هواپیما گرفتند. دو روز اقامت در جوار حرم امام رضا(ع) را نصیب کردند و قرار شد در جلسه‌ی آموزگاران آن ناحیه، راجع به کلبه‌ی علوم و تبدیل آن به کلبه‌ی ریاضی سخنرانی کنم».

سکوت سالن از قبل بیشتر شده بود. گفتم قبول می‌کنید که نمی‌توانیم تجربه‌های معلمان همه‌ی شهرها و روستاها را منتشر کنیم. ما دوست داریم مطالب خواندنی‌تر، کاربردی و نوآورانه را منتشر کنیم. از این رو ممکن است از فردی که تجربه‌های خوبی دارد، در یک سال، چند مطلب منتشر شود. چند روزی بعد از بازگشت از یزد، نامه‌رسان رشد، بسته‌ی مقوایی بزرگی را که از آن‌شهر پست شده بود، روی میز گذاشت؛ بسته‌ای از طرف خانم صلاحی

با نامه‌ای که از طرف ایشان نوشته شده بود: «آقای مجدفر عزیز، عزت و احترامی که رشد ابتدایی برایم فراهم کرد، مثال‌نازدنی است. علاوه بر سفر به مشهد، اکنون توجه همه‌ی آموزش‌وپرورش شهرستان به نوشته و تجربه‌ی من جلب شده است. نمی‌دانم چگونه از شما و رشد تشکر کنم. یکی از صنایع دستی منطقه‌ی ما حصیربافی است که من هم در اوقات فراغت با آن مشغولم. چند هدیه را تقدیمتان می‌کنم. امیدوارم خوشتان بیاید».

داخل بسته، چهار بادبزن دستی حصیری سنتی بود که روی آن‌ها عبارت‌های «آقای مجدفر، فاطمه خانم، نگار خانم و بهار خانم» (اسامی همسر و فرزندانم) نوشته شده بود. همچنین حصیری به‌اندازه‌ی یک متر در بیست‌و پنج سانتی‌متر با عبارت «رشد آموزش ابتدایی»، از دیگر هدایای خانم صلاحی بود.

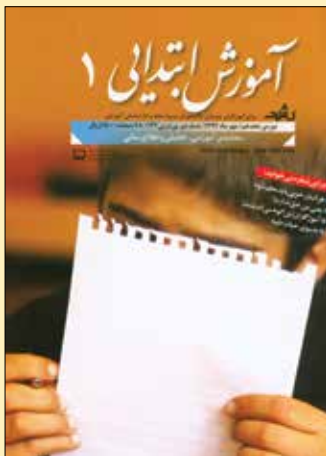
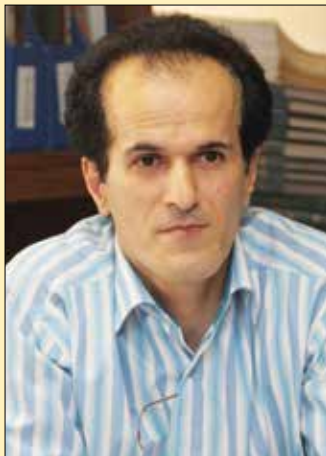
با وجود تعجب من، ماجرا برای آقای ندیری، خیلی توأم با شگفتی نبود. بعدها متوجه شدم خانم صلاحی، قبل از بافت بادبزن‌ها، با دفتر مجله تماس گرفته و با اطمینان از اینکه پاسخ‌گو من نیستم، اسامی را از آقای ندیری پرسیده است. دو تا از آن بادبزن‌ها هنوز سالم و دست‌نخورده‌اند و یادگاری است ماندگار از حضورم در رشد. بادبزنی که در تصویر می‌بینید، یکی از آن بادبزن‌هاست.



رشد آموزش ابتدایی مهر ۹۰

## ۲۲۰ ساله شوی مجله

من از دور شاهد جشن تولد شماره‌ی صدم این مجله و زحمات دوستانی مانند آقای دکتر مجدفر و دیگرانی که یادشان به خیر باد، بودم و آن گاه که ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست دادند تا اینجانب به سمت سترگ سردبیری مجله برسم، هر روز و هر شماره که می‌گذشت، در این اندیشه و خیال بودم که بهترین مطالب و جدیدترین مباحث و تحلیل‌های تعلیم و تربیت ابتدایی را در راینی با معلمان مجرب، به بهترین نحو و با سرعت و طبق برنامه‌ی زمان‌بندی به چاپ برسانم؛ تا شماره‌ی دویست برسد. اما از آن جا که از قدیم گفته‌اند چراغ پای خود را روشن نمی‌کند، اینجانب نیز بعد از چندسال خدمت، نتوانستم دوباره مستقیم در رشد و بالندگی مجله در دویستمین شماره عامل و شاهد باشم. در مجله دیدم، دنیا کوچک‌تر از آن است که من می‌پنداشتم؛ از طریق آموزگاری گیلانی، دوستی را، بعد از ۲۵ سال دوری، یافتیم. هنوز کام من از دید و بازدیدهای کاری و اداری اما صمیمی، شیرین است. سلامت باشد آموزگاری که از آبادان (اروسیه) آمده بود و می‌گفت همه آن را با (ارومیه) اشتباه می‌گیرند. هنوز وقتی نام آموزگار اهل نجف آباد را که در مجلات تعلیم و تربیتی قلم می‌زند، می‌بینم، خوش حال می‌شوم. هنوز یاد تواضع و هنر آموزگار مازنی در روستایی از اطراف شهرستان نور هستم که با نغمه‌ی «ل له‌وای» خوانی‌اش مرا از خود بیخود کرد. آموزگاران آذربایجان و کردستان، خراسان و بندر عباس، به ویژه منطقه‌ی سیریک و همه‌ی ایران، از یادم نخواهند رفت. دعا می‌کنم ۲۲۰ ساله شوی مجله!



رشد آموزش ابتدایی در دوره‌ی جوانی؛ هفده سالگی تا پایان بیست سالگی، به سردبیری آقای اصغر ندیری

مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی هفده ساله در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ به آقای اصغر ندیری سپرده می‌شود؛ در دوره‌ای که چند سالی است مدیرمسئول مجلات نیز آقای محمد ناصری است. ندیری دست این نوجوان هفده ساله را می‌گیرد و در دوره‌ی بلوغ همراهی‌اش می‌کند. فهیمه دهقان، شهلا فهیمی و مریم موسوی، مدیران داخلی، کبری محمودی، ویراستار، و پریرسا سندسی، طراح گرافیک، در این مسیر با او هستند. رشد همچنان در مسیر رشد است. محتوای این دوره‌ی مجله نیز مباحث مربوط به تعلیم و تربیت دوره‌ی ابتدایی، یادداشتهای و تجربه‌های معلمان، معرفی آموزگاران خلاق و توانمند و کتاب‌های خواندنی است. یادداشت آقای ندیری را بخوانیم:



مجله‌ی رشد ابتدایی مهر ۹۲



### رشد آموزش ابتدایی همچنان در دوره‌ی جوانی؛

آغاز بیست و پنج سالگی، به سردبیری خانم کبری محمودی

مسئولیت سنگینی است بتوان مجله‌ای را که ۲۰۰ شماره سابقه‌ی درخشان دارد، در مسیر رشد نگه داشت. اما این سنگینی شیرین است و شیرین تر می‌شود وقتی آموزگاری از شهرستانی دور با دفتر مجله تماس می‌گیرد و همکار خود را آموزگار موفق معرفی می‌کند و از مجله می‌خواهد روش‌های موفق او را به همکاران دیگر معرفی کنیم. شیرین تر می‌شود وقتی همکاران از تجربه‌های هم درس می‌گیرند و باز خورد می‌دهند، وقتی اولیا تماس می‌گیرند و می‌خواهند آموزگار فرزندشان را در مجله معرفی کنیم تا بدین تربیت قدر دانش بوده باشند.

و حلاوتی چون عسل دارد وقتی شما همچنان با مجله‌ی خودتان در ارتباط باشید و برایش بنویسید، درد دل کنید، تجربه‌گردانی کنید و در مسیر رشد دانش آموزان از آن بهره بگیرید. امسال مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، به منظور همراه شدن با شرایط آموزش مجازی، به سمت چند رسانه‌ای شدن قدم برداشته است و می‌کوشد همچنان با مخاطبان همراه باشد. مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی مانند همیشه در مسیر رشد خواهد ماند. به امید خدا.



### رشد آموزش ابتدایی در دوره‌ی جوانی؛

بیست و سه سالگی تا پایان بیست و چهار سالگی، به سردبیری آقای اصغر ندیری

در دوره‌ی بیست و سوم مجله دوباره به آقای ندیری سپرده شد. همکاران او خانم‌ها الهام فراستی و مریم شهرآبادی در این راه همراهی‌اش کردند و کوشیدند محتوایی علمی و متناسب با نیاز مخاطبان مجله تولید کنند. یکی از صفحه‌های پر مخاطب مجله‌ی این دوره، صفحه‌ی مسابقه بود. چه بسیار مخاطبانی که همچنان با دفتر مجله تماس می‌گیرند و از خاطرات خوب شرکتشان در مسابقه می‌گویند. مجله‌ی رشد همچنان در مسیر رشد قرار داشت.



### رشد آموزش ابتدایی در دوره‌ی جوانی؛

بیست و یک سالگی تا پایان بیست و سه سالگی، به سردبیری آقای علیرضا متولی

به سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ که می‌رسیم، یعنی از دوره‌ی بیست و یکم، آقای علیرضا متولی مجله‌ی بیست و یک ساله را سردبیری می‌کند. اکنون مجله به شماره‌ی ۱۶۶ رسیده است و محتوای اصلی آن، چنانکه باید باشد، عبارت است از: برنامه‌ی درسی، سلامت، مدرسه‌های چند پایه، گزارش، تجربه‌های آموزگاران و هر آنچه به فعالیت آموزگار دوره‌ی ابتدایی کیفیت و غنا می‌بخشد. رشد همچنان در مسیر رشد است. در این دوره‌ها آقای محمد ناصری مدیرمسئول مجلات است و الهام فراستی، مدیر داخلی، کبری محمودی، ویراستار، و ایمان اوجیان، طراح گرافیک، با مجله همکاری می‌کنند. رمزینهی زیر را که پی‌دی‌اف کامل یک شماره از مجله است، پویش (اسکن) و آن را مشاهده کنید.



مجله‌ی رشد ابتدایی دی ۹۵



# آب زیند راه را...

## استقبال از بازگشت دانش‌آموزان به مدرسه بعد از کرونا



ابراهیم اصلامی  
روان‌شناس تربیتی

بحث این قسمت هم انگیزشی است، اما سمت‌وسوی آن کروناپی است. قرار شده با در نظر گرفتن وضعیت احتمالی راه‌اندازی مدرسه‌ها بعد از ایام کرونا و موقعیت متفاوتی که معلمان و دانش‌آموزان در آن به سر می‌برند، نکات تربیتی لازم را به اولیا و مربیان یادآوری کنیم.

### تمرین ۱

به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

● تصور می‌کنید برای بازگشایی مدرسه‌ها مهم‌ترین تمهیدات و مقدمات چه مواردی هستند؟  
● در بازگشت دانش‌آموزان به مدرسه، چه حضوری باشد و چه غیر حضوری، برای کدام موضوع باید تدارک بیشتری دید: ارزیابی پیش‌نیازهای درسی؛ جبران کمبودهای آموزشی؛ انگیزش یا...؟

### بدون انگیزش هرگز!

در سازمانی برای حل مشکل قطعی برق، قرار شد در اتاق‌ها و فضاهای دیگر لامپ اضطراری نصب شود. با صرف کلی هزینه، سیم‌کشی و نصب لامپ‌ها انجام شد. بالاخره روزی برق‌ها رفت و خواستند لامپ‌های اضطراری را روشن کنند. تازه یادشان آمد چیزی را فراموش کرده‌اند؛ موتور برق اضطراری نخریده‌اند! بنابراین هر وقت برق می‌رفت، لامپ اضطراری بود، اما برق اضطراری نبود!

در روان‌شناسی «انگیزش» را موتور محرک هر فعالیت می‌دانند. گاهی فعالیت‌هایی که در مدرسه انجام می‌دهیم شبیه همین مثال بالاست؛ همه‌ی نکات لازم پیش‌بینی و تدارک دیده می‌شوند، اما محور و موتور اصلی مورد غفلت قرار

می‌گیرد، یعنی «انگیزش».

در جریان همه‌گیری کرونا، شاید از منظر فرهنگی و تربیتی، هیچ لطمه‌ای بزرگ‌تر از اخلال در روابط انسانی نبود. کرونا باعث شد انسان‌ها از هم فاصله بگیرند و روابطشان را محدود کنند. در فرایند تربیت، ایجاد و تقویت روابط انسانی و اجتماعی از اهداف عمده به‌شمار می‌آید و اصولاً یکی از اقدامات اساسی مدرسه باید این باشد که نخست زمینه را برای شکل‌گیری روابط مؤثر تسهیل کند و سپس این ارتباطات را در جهت جلب مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی قرار دهد. به نظر می‌رسد بعد از کرونا اتفاق‌های خوبی برای روابط اجتماعی بیفتد، از جمله اینکه افراد قدر همدیگر را بیشتر بدانند، از با هم بودن استقبال کنند و برای ارتباط مؤثر بهای بیشتری قائل شوند.

به این سؤال دوباره بپندشید. اگر روزی کرونا رفت و خواستیم خودمان را برای دوره‌ی بعد از کرونا آماده کنیم، چه کارهایی در مدرسه ضرورت خواهند داشت؟ باید به درس و مدرسه و انجام تمرین‌ها و تکالیف اولویت بدهیم، برای جبران کمبودها و پیش‌نیازهای درسی تدارک ببینیم، برای روش‌های آموزش در شرایط حضوری، غیر حضوری یا ترکیبی برنامه‌ریزی کنیم، به فکر تأمین امکانات احتمالی باشیم یا...؟ نکند سیم‌کشی و نصب لامپ‌ها انجام شود، اما از موتور برق خبری نباشد! شاید همه‌ی اقدامات گفته‌شده لازم باشند، اما بدون انگیزش هرگز! به نظر می‌رسد اولویت اساسی مدرسه در دوران بعد از کرونا باید انگیزش باشد، هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان و والدین.

### تمرین ۲

● خودتان را جای دانش‌آموزان بگذارید. تصور می‌کنید آن‌ها بعد از بازگشت دوباره به مدرسه انتظار دارند با چه رویدادهای و وضعیت‌هایی مواجه شوند؟

● آیا اولویت اصلی دانش‌آموزان درس و جبران ضعف‌های درسی خواهد بود؟ یک نگرانی بعد از کرونا این است که بعضی از مدرسه‌ها با دلیل‌ها و توجیهاتی به تفکر پادگانی روی آورند و در مدرسه وضعیتی ایجاد کنند که بچه‌ها زیر بار فشار درس و مشق بروند. این تفکر می‌تواند بسیار خطرناک و ضدتربیتی باشد. اگر عوامل مدرسه در تشخیص و تعیین اولویت‌ها اشتباه کنند و به جای انگیزش، برای درس و مشق میدان باز کنند، چه‌بسا به دانش‌آموزان شوک وارد شود و آنان برای پذیرش این وضعیت آمادگی نداشته باشند.

به مدیران و معلمان توصیه می‌شود روزها، هفته‌ها و حتی یکی دو ماه اول را با حوصله و مدارا بگذرانید، اما با برنامه‌ی مشخص و حساب‌شده‌ی انگیزشی. هدف این نیست که بچه‌ها کاری نکنند یا بدون برنامه‌ی مشخص فقط بیایند و بروند. از همان آغاز برای ساعت‌ها و روزها برنامه‌ی تدارک ببینید که مبنای آن انگیزش باشد، ضمن آنکه بچه‌ها به‌مرور با درس و مشق هم سازگار شوند. به این چند نکته توجه کنید:

### مدرسه را پادگان نکنید

نگاه پادگانی به مدرسه از دهه‌های دور همیشه کم‌وبیش طرفدارانی داشته است، کسانی که معتقدند برنامه‌های مدرسه باید جدی باشد و آموزش‌ها باید با نظمی محکم اجرا شوند. در چند دهه‌ی اخیر، قدرت این نوع نگرش در دوره‌ی ابتدایی کم شده است، ولی در دوره‌ی دبیرستان و به‌ویژه سال‌های نزدیک به کنکور همچنان مشرتی دارد. کم نیستند مدرسه‌هایی که اعتقاد دارند باید در یکی دو سال آخر به دانش‌آموزان سخت‌گرفت و خود آنان هم باید فشار این دوره را تحمل کنند تا بتوانند در کنکور نتیجه‌ی مطلوب بگیرند. دروغ چرا! واقعیت این است که چنین تفکری گاهی نتیجه هم می‌دهد و دانش‌آموزانی که زیر بار این فشار طاقت‌فرسا له نشده و دوام آورده‌اند، به موفقیت دلخواه می‌رسند.





صحت‌های منطقی کوتاه می‌تواند مؤثر باشد. بروز عواطف اشکالی ندارد، اما باید کسی توانایی کنترل موقعیت را داشته باشد و به اصطلاح بتواند وضعیت را جمع کند.

### والدین را تحویل بگیرید

نوع روابط مدرسه-خانه در ایام کرونا دچار دگرگونی‌هایی شد. نباید انتظار داشت این شرایط بلافاصله به وضعیت قبلی برگردد. در دوره‌ی بعد از کرونا ضرورت بسیار بیشتری برای تعامل مدرسه با والدین وجود دارد. تیم مدیریتی مدرسه باید برنامه‌های آموزش «خانواده‌ی فعال» را به صورت حساب‌شده و با محوریت مهارت‌های ارتباطی داشته باشد؛ ارتباط والدین با مدرسه، معلم، فرزندان و با خود والدین. ضمن توجه به نکات عاطفی والدین، نباید زیاد هم اجازه داد که جو خیلی احساسی شود. شاید گاهی ایجاد تعادل بین عواطف و عقلانیت دشوار باشد. با توجه به حضور فعال آموزشی والدین در دوره‌ی کرونا، آن‌ها در دوره‌ی بعد از کرونا برای توجیه درباره‌ی نقششان نیاز به راهنمایی دارند. یک نکته در این باره تفاوت دیدگاه‌هاست. عده‌ای اعتقاد دارند که والدین نقش معلم را ایفا کردند و کم‌وبیش این نقش باید پابرجا بماند. گروهی هم معتقدند که والدین باید کنار بکشند و همه‌چیز را به مدرسه و معلم واگذار کنند. مدرسه و معلم‌ها باید تکلیفشان در این باره معلوم و انتظارات از والدین مشخص شود.

### دانش‌آموزان را فراری ندهیم

خلاصه‌ی حرف این است که انتظار می‌رود بعد از کرونا مهربان‌تر باشیم، همدیگر را بهتر و بیشتر ببینیم، روی ارتباط مؤثر بیشتر کار کنیم و جاذبه‌مان را افزایش دهیم.

### معلم گرامی!

در شرایط کرونا، موقعیت‌هایی در نظام آموزشی کشور پیش آمد که یادگیری گریزی را افزایش داد. کاری کنیم که بچه‌ها بعد از بازگشت دوباره به مدرسه، مدرسه‌ی جدید و دلپذیری را کشف کنند، شوق بیشتری برای دانستن داشته باشند و از یادگیری لذت بیشتری ببرند.

### معلم‌های باحالی باشید!

بالطبع معلم‌ها هم با حال و هوای سابق به مدرسه باز نمی‌گردند. به تیم مدیریتی مدرسه توصیه می‌شود برای معلم‌ها هم فکرهای جدیدی بکنند، هم از نظر سرحالی انگیزشی خودشان و هم از نظر آماده‌سازی و توجیه آنان برای مواجهه با دانش‌آموزان، روی مسائل عاطفی دقت بیشتری بکنند و بکوشید معلم‌ها احساس کنند برای شادابی روحیه‌ی آنان اهمیت قائل بوده‌اید.

از معلم‌ها هم انتظار می‌رود با در نظر داشتن نکاتی که گفته شد، ضمن همکاری بیشتر با مجموعه‌ی مدیریتی مدرسه، اولویت را بر نکات انگیزشی و روان‌شناختی دانش‌آموزان قرار دهند. معلم‌هایی که کمی جدی‌تر هستند، یا معلم‌هایی که به‌طور کلی به سخت‌گیری اعتقاد دارند، ممکن است در دوره‌ی بعد از کرونا برای خودشان و دانش‌آموزان ایجاد مشکل کنند.

یک نکته‌ی دیگر، آمادگی برای رویدادهای عاطفی ویژه است. دیدار دوباره‌ی بچه‌ها با همدیگر ممکن است تا چند روز یا چند هفته، جو هیجانی شدیدی در کلاس یا مدرسه ایجاد کند. از طرفی احتمال دارد معلم‌ها یا دانش‌آموزانی در ایام کرونا عزیزانی را از دست داده باشند و در مدرسه نتوانند عواطف خود را کنترل کنند. اینجاست که عقلانیت باید وارد ماجرا شود.

● به بچه‌ها فرصت‌های بیشتری بدهید تا از باهم‌بودن لذت ببرند؛

● در ارائه‌ی محتوای درسی و تکالیف و امتحانات هماهنگی بیشتری بین معلمان ایجاد کنید؛

● روزها و هفته‌های اول را به ارزیابی پیش‌نیازها و ضعف‌ها اختصاص دهید. برای این کار فقط سراغ آزمون‌ها نروید و به نوآوری‌ها و ابزارهای دیگر هم بیندیشید؛

● در برنامه‌ی کلاس‌ها خیلی سخت‌گیر نباشید. اگر لازم بود ساعت کلاسی را اندکی کاهش دهید یا از معلم‌ها بخواهید در صورت لزوم بین کلاس به بچه‌ها کمی امکان استراحت و تفریح بدهند؛

● از مشارکت بچه‌ها در همه‌ی فعالیت‌های مدرسه بیشتر استفاده کنید، حتی در برنامه‌های آموزشی به دانش‌آموزان فرصت ابراز نظر و همکاری بدهید. از ظرفیت‌های بچه‌ها در اجرای برنامه‌های متنوع و شاد کردن فضا بهره ببرید؛

● در مواردی که لازم است، در قوانین و مقررات انضباطی مدرسه تجدیدنظر و این مقررات را به‌روز کنید. عادت‌های دانش‌آموزان در این مدت تغییر کرده‌اند و نمی‌توان انتظار داشت آن‌ها همه‌ی قواعد پیشین را رعایت کنند.

● روی آماده‌سازی و توجیه معلم‌ها حساب بیشتری باز کنید. فضای بعد از کرونا به محیط عاطفی مثبت نیاز دارد و در این مسیر معلم‌ها باید همراهان خوبی باشند.

تأکید دوباره لازم است که منظور از مدارا و ملایمت، بی‌برنامگی نیست. باید برنامه داشته باشید، اما برنامه‌ی نرم، متعادل، ملایم و بالنعطف. فراموش نکنید اولویت این ایام باید انگیزش، تقویت روابط مؤثر، صمیمیت و سرزندگی روحی باشد.



# اگر ما شویم

## در اهمیت کار گروهی



زهرا نصیری  
آموزگار ابتدایی

در سال‌های اول آموزگاری و زیستن در دنیای کودکانی که دانش آموزانم، موضوعی توجهم را جلب کرد: «رقابت فردی» و «مقایسه‌ی خود با دیگران» یکی از چالش‌های میان دانش آموزانم بود. به نظرم رسید ادامه‌ی این مسیر، خودبینی و منیت را در کودکان پایه‌گذاری می‌کند؛ حال آنکه دوی بسیاری از دردهای امروز ما، تلاش جمعی و کوشش برای نفع عمومی است. تصمیم گرفتم کاری کنم که دانش آموزانم کار گروهی شیرین و جذابی را تجربه کنند. به این منظور، با هماهنگی مدیر مدرسه، در کلاس فراروان شرکت در کارگاه «کودک خبرنگار» را دادم. این عنوان برای دانش آموزانم جذاب بود و از آن استقبال کردند. در ساعت‌های آزاد، این کارگاه برگزار و مفاهیمی ابتدایی از خیر، گزارش و مصاحبه آموزش داده شد. در ادامه، از دانش آموزان خواسته شد به گروه‌های پنج‌نفری تقسیم شوند و هر گروه یک سرگروه برای خود انتخاب کند. تمام فرایند گروه‌بندی و انتخاب سرگروه به‌عهده‌ی دانش آموزان بود. سپس هر گروه باید با همکاری هم و با توجه به آنچه آموخته بودند، یک روزنامه‌دیواری تهیه می‌کردند. به دانش آموزان گفته شد کار شما برنده ندارد و کار تمام گروه‌ها در دیوار سالن نصب خواهد شد تا همه‌ی دانش آموزان از مطالب و خلاقیت شما استفاده کنند؛ پس بکوشید کار همگی عالی باشد. گروه‌ها در کنار هم و در یک محیط، روزنامه‌دیواری‌ها را آماده می‌کردند و من هم در کنارشان بودم. در این کار شاهد بودم بچه‌ها چگونه کارها را تقسیم و مدیریت می‌کردند و حتی اعضای هر گروه به اعضای گروه‌های دیگر کمک فکری می‌دادند تا کار همه‌ی گروه‌ها بهترین باشد. در نهایت، وقتی روزنامه‌های دیواری آماده و نصب شدند، با مجموعه‌ای از خبرها، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها

و عکس‌هایی که همگی کار دانش آموزان بودند، یک شماره نشریه‌ی کودکانه متولد شد و این تجربه‌ای شیرین از کار گروهی برای دانش آموزانم بود. حالا آن دانش آموزان در آستانه‌ی کنکور هستند، ولی هنوز هم تعدادی از آن‌ها در تماس‌هایی که با من دارند، از آن کار دل‌نشین گروهی به نیکی یاد می‌کنند. جالب‌تر اینکه تعدادی از آن‌ها که استعداد و علاقه‌مندی خوبی برای نوشتن از خود نشان دادند، از همان موقع تاکنون توانسته‌اند با هدایت معلمان خود، مطالب و آثارشان را در نشریه‌های محلی استان به چاپ برسانند! در واقع، این تجربه هم تمرینی برای یک کار جمعی لذت‌بخش و مفید بود و هم زمینه‌ای برای استعدادیابی و هدایت استعدادها.

### به نفع جمعی

با وجود چنین تجربه‌هایی که کودک را با کار جمعی آشنا و از حصار «من» خارج می‌کند، گاهی با چالش‌هایی از سوی اولیا نیز مواجه می‌شویم. غالباً اولیای دانش آموزان گله دارند که فرزند ما در فلان درس ضعیف است، چرا او را در کارهای جانبی مثل انجام کارهای هنری و فرهنگی با عنوان کار گروهی درگیر می‌کنید؟ برای ما درس فرزندمان مهم‌تر از هر چیزی است. در چنین مواقعی، معلم باید توانایی تبیین ارزش کار گروهی و تربیت جمعی کودکان برای اولیا را داشته باشد. در دوره‌ی ابتدایی، اولویت با پرورش کودکان و آموزش مهارت‌های زندگی است. این مهم در قالب کارهای گروهی به‌خوبی و بسیار لذت‌بخش انجام می‌شود. آموزش مباحث درسی در اولویت بعدی قرار دارد که به اذعان معلمان باتجربه، آن هم در قالب فعالیت‌های گروهی، خروجی مناسب‌تری دارد. در فعالیت‌های جمعی، کودک می‌آموزد چگونه با دیگران تعامل داشته باشد، چگونه نظراتش را برای دیگران ارائه کند و به نظر دیگران اهمیت و احترام قائل باشد. در این فرایند، آنچه را خود نمی‌دانند، از هم‌گروهی‌هایش می‌آموزد و بر دانش و تجربه‌اش افزوده می‌شود. از حصار فکر به «من و نفع من» بیرون می‌آید و به «نفع جمعی» می‌اندیشد. اعتماد به نفسش بالا می‌رود و اظهار نظر در جمع را می‌آموزد. به توانایی‌هایش شناخت پیدا می‌کند و مسیر خود را می‌یابد و ...

اما امروز در این‌باره دو دغدغه وجود دارد؛



یکی برای روزهای کرونایی و آموزش مجازی، و دیگری برای روزهای پس از کرونا و آموزش حضوری مجدد.

اینکه معلمان چگونه در آموزش مجازی دانش آموزان خود را به کار گروهی هدایت کنند و از آن نتیجه بگیرند، یکی از موضوعات قابل تأمل است. تلاش و تجربه‌ی معلمانی که این موضوع برایشان مهم است، طی یک سال گذشته نشان داد، در آموزش غیرحضوری هم می‌توان دانش آموزان را به فعالیت‌های گروهی هدایت و تشویق کرد. کلاس‌های برخط و نیز برخی از فعالیت‌های غیربرخط، بستری مناسبی در این باره دارند.

### تربیت انسان متعالی

اما شاید با فروکش کردن جولان کرونا،



### آزاد پای سند برنامه‌ی درسی ملی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در هدف پنجم از هدف‌های کلان بر این موضوع تأکید کرده است: «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی، به ویژه خانواده، در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی‌عمومی.»

در سند برنامه‌ی درسی ملی، در حوزه‌ی تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده، در بخش جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا و آموزش حوزه چنین آمده است: «ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. تدارک فرصت‌هایی تربیتی که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت‌های واقعی زندگی (به صورت فردی و گروهی) دست یابند، جهت‌گیری اصلی در آموزش مهارت‌هاست.»

از برنامه‌ها و اهداف معلم فرزند خود مطلع باشند، می‌توانند در مسیر پرورش و آموزش، همراه خوبی برای فرزندشان و معلم او باشند. امروز هم که آموزش مجازی باعث شده است تعامل معلمان و اولیا بیش از گذشته باشد، این خود زمینه‌ی هم‌پاری بیش‌ازپیش آنان را در آموزش حضوری و نیمه‌حضوری فراهم می‌کند. شایسته است برای تبیین اهمیت فعالیت‌های گروهی در مدرسه و خانه و در میان دوستان و هم‌کلاسی‌ها و اعضای خانواده، برای اولیای دانش‌آموزان نیز کارگاه‌هایی آموزشی دایر شوند. نباید فراموش کنیم که امروز غلبه بر بیماری کرونا و شکستن پر و بال کرونا نیز تلاشی جمعی می‌طلبد.

آموزش نیمه‌حضوری یا حضوری از سر گرفته شود. قطعاً در این صورت نیز نباید تلاش برای جبران کمبودهای آموزشی باعث شود جنبه‌های پرورشی به فراموشی سپرده شوند. به این منظور، در وهله‌ی اول، خود معلمان باید بر این باور باشند که حتی در شرایط سخت و همراه با مضمیقه نیز پرورش بر آموزش درسی اولویت دارد. و در وهله‌ی بعد، توانمندسازی بیش‌ازپیش معلمان و در صورت نیاز، آموزش آنان برای مدیریت پرورش و آموزش دانش‌آموزان و نیز مجاب کردن اولیا باید در دستور کار سازمان آموزش و پرورش باشد؛ چراکه همیشه هدف اول آموزش و پرورش، تربیت انسان‌های متعالی است. تجربه نشان می‌دهد، وقتی اولیا به‌خوبی



# گروه‌بازی



درباره‌ی کار گروهی بیشتر بخوانیم

## گروه‌بندی کنید

در قدم اول برای انجام کار گروهی دانش‌آموزان را گروه‌بندی کنید. انتخاب اعضای هر گروه باید تصادفی باشد تا افراد با توانمندی‌های متفاوت در کنار هم قرار بگیرند. اسامی گروه‌ها و اعضای آن‌ها را تهیه کنید و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید. می‌توانید در کنار فهرست اسامی، جدولی را هم برای درج فعالیت‌ها و امتیازدهی به گروه‌ها تهیه کنید. به این ترتیب، هر هفته یا هر ماه نموداری از عملکرد گروه‌ها در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد تا بدانند که سطح کیفیت کارهایشان در چه حدی بوده است. با این روش، حس رقابت را نیز در آن‌ها افزایش می‌دهید.

## نقش هر یک از اعضا را در گروه تعیین کنید

یکی از مهم‌ترین کارهایی که لازم است برای شروع فعالیت‌های گروهی انجام دهید، تقسیم نقش‌هاست. گروه‌ها به سرپرست، سخنگو، نویسنده و تنظیم‌کننده‌ی اطلاعات احتیاج دارند. با در نظر گرفتن توانایی‌های دانش‌آموزان و با کمک خود آن‌ها نقش هر فرد را در گروه تعیین کنید.

## قوانین را تدوین کنید

برای اینکه تمام گروه‌های حاضر در کلاس فعالیت‌ها و وظایفشان را به‌درستی انجام دهند، قوانین ثابتی نیاز دارند؛ مثل قانون تقسیم کار مساوی، لزوم شرکت در جلسه‌های گروهی، وفادار بودن به زمان، ارائه‌ی گزارش منظم. باور کنید انجام تمام این کارها در کلاس به زمان زیادی احتیاج ندارد، ولی تأثیر آن بر دانش‌آموزان و روند فعالیتشان در گروه بسیار زیاد است!

## با اعضای گروه تدریس کنید

برای تدریس هر یک از مباحث کتاب، گروهی را انتخاب کنید. از آن‌ها بخواهید از قبل درباره‌ی آن درس مطالعه کنند و خودشان نحوه‌ی تدریس و مسئولیت هر یک از اعضا را در این برنامه تعیین کنند. حتی امکانات موجود در کلاس را در اختیارشان بگذارید و در آن‌ها برای انجام این کار انگیزه ایجاد کنید. یادتان باشد که تدریس توسط خود دانش‌آموزان، یادگیری را آسان‌تر و شیرین‌تر می‌کند و به آن‌ها اعتماد به نفس می‌دهد.

## تعیین هدف لازم است

فرض کنید درباره‌ی کلاس علوم صحبت می‌کنیم. به هر حال این درس پر از فعالیت‌هایی است که می‌توان گروهی انجام داد. خوب، باید اهداف مورد نظر برای گروه‌های حاضر در کلاس علوم مشخص شوند. قرار است در طی انجام آزمایش‌ها و مشاهده‌ها به چه نتایجی برسند؟ هدف از انجام آن آزمایش چیست؟ این موارد باید قبل از شروع فعالیت گروهی بررسی و تعیین شوند. وقتی اهداف مشخص باشند، گروه‌ها بدون سردرگمی کارشان را با نظارت معلم به‌بهرترین شکل انجام خواهند داد.

## عاطفه فرهادی کارشناس ارشد ادبیات



جهان امروز جهانی تعاملی و انسانی موجودی اجتماعی است که در ارتباط با دیگران به تکامل می‌رسد. انجام فعالیت‌های گروهی در هر بستری فایده‌های زیادی دارد و نتایج حاصل از آن هم مطلوب است. بنابراین، داشتن مهارت کافی برای انجام فعالیت‌های گروهی ضروری است. بی‌تردید دوران کودکی و نوجوانی زمان خوبی است برای اینکه بتوانیم انسان را آماده‌ی انجام فعالیت‌های گروهی در آینده کنیم، زیرا ذهن بچه‌ها در این سن برای پذیرش بسیاری از صفات و مهارت‌های فردی و اجتماعی، از هر زمان دیگری آماده‌تر است و بدون شک مدرسه یکی از مهم‌ترین مکان‌هایی است که می‌تواند در بارور کردن صفات و مهارت‌های فردی و اجتماعی در بچه‌ها نقش ویژه‌ای ایفا کند.

## کار گروهی را به کلاس بیاورید

اگر به کار گروهی و فایده‌های آن اعتقاد دارید، همواره سعی کنید در هر شرایطی فضای کلاس را برای انجام فعالیت‌های گروهی آماده کنید. برای شروع، برنامه‌ریزی کنید و در این مسیر از دانش‌آموزان هم کمک بگیرید. لازم است یادآوری کنیم که به‌خاطر محدود بودن وقت کلاس، برنامه‌ریزی‌ها برای فعالیت‌های گروهی باید در زمان مشخصی اتفاق بیفتد تا به برنامه‌ی تدریس آسیبی نرسد.



## کار گروهی در بستر فضای مجازی

تقویت مهارت کار گروهی در فضای مجازی مسئله‌ای دشوار اما قابل انجام است. در این بخش، ابزاری که فعالیت گروهی را پیش می‌برد، بسترهای کلاس‌های مجازی است. برخی از این بسترها امکان تشکیل گروه‌های کوچک را برای کاربران فراهم کرده‌اند. به این ترتیب می‌توان گروه‌های کوچک دانش‌آموزی را در زیر مجموعه‌ی گروه اصلی (که کل اعضای کلاس را در بر می‌گیرد) قرار داد. معلم دانش‌آموزان را گروه‌بندی و به این زیر مجموعه‌ها هدایت می‌کند. با توجه به عنوان درس و موضوعی که معلم در اختیار گروه‌ها قرار می‌دهد، دانش‌آموزان درون گروه‌های خودشان تبادل اطلاعات، و بحث و گفت‌وگو می‌کنند. تمام فعالیت‌های این گروه‌ها تحت نظارت معلم اتفاق می‌افتند. معلم برای ایجاد دسترسی‌های لازم (مثل امکان گفت‌وگو یا استفاده از تخته‌ی مجازی) در گروه‌ها، یک نفر را انتخاب می‌کند و از طریق او به سایر اعضای گروه دسترسی می‌دهد. بعد از اینکه بچه‌های گروه درباره‌ی موضوع مورد نظر به جمع‌بندی رسیدند، به جمع کلاس برمی‌گردند و یک نفر به نمایندگی از بقیه‌ی اعضا، نتایج کار را در قالب کنفرانس، با عکس یا نقاشی به هم کلاسی‌ها و معلم ارائه می‌کند. زمان انجام فعالیت‌های گروهی در این بستر را هم معلم تعیین می‌کند. دیگر فعالیت‌های گروهی را که خارج از زمان آموزش اتفاق می‌افتند و نتایج آن‌ها در کلاس ارائه می‌شوند، بهتر است والدین مدیریت کنند. به این ترتیب که معلم از قبل درباره‌ی نحوه‌ی انجام فعالیت‌های گروهی با والدین گفت‌وگو کند، روش کار را به آن‌ها توضیح دهد و از آن‌ها برای پیشبرد موضوع کمک بگیرد. زیرا کنترل و مدیریت دانش‌آموزان در زمان‌های غیر درسی و خارج از شرایط کلاس دشوارتر است. اگر والدین بتوانند در این زمینه با معلم همکاری خوبی داشته باشند، می‌توان انتظار داشت کار گروهی در بیرون از کلاس هم با موفقیت پیش برود.

## فرصتی برای بحث‌های گروهی ایجاد کنید

لازم است بچه‌ها در قالب گروه‌های کلاسی با هم درباره‌ی موضوعات مطرح‌شده گفت‌وگو کنند. این کار باعث می‌شود آن‌ها مهارت ابراز عقیده و استدلال را بیاموزند. پس برایشان فرصتی ایجاد کنید که هم در درون گروه و هم با گروه‌های دیگر بحث کنند. دقت کنید که روند گفت‌وگوهای گروهی باید توسط معلم کنترل و هدایت شود تا بچه‌ها وارد مسائل فرعی و حاشیه‌ای نشوند.

## گروهی ارزشیابی کنید

یکی از مهم‌ترین کارهایی که معلم انجام می‌دهد ارزیابی فعالیت‌ها و آموخته‌های دانش‌آموزان است. این فرایند می‌تواند به صورت فردی باشد؛ مثلاً از تک‌تک اعضای گروه امتحان بگیرید و یادگیری آن‌ها را بسنجید، یا اعضای گروه از همدیگر آزمون بگیرند. در شکل سوم هم می‌توان از اعضای گروه برای بررسی آزمون و نمره‌دهی کمک گرفت، به این ترتیب که کلید سؤالات را در اختیارشان قرار دهید و از آن‌ها بخواهید آزمون را تصحیح کنند که گرفته شده است. البته ارزشیابی گروهی می‌تواند شکل‌های دیگری هم داشته باشد؛ مثلاً یک گروه از گروه دیگر امتحان بگیرد. یا دانش‌آموزان برای سؤالات مطرح‌شده پاسخ‌نامه‌ی گروهی تهیه کنند که در این صورت نمره‌ی کسب‌شده در کارنامه‌ی گروه درج می‌شود.

## بروز مشکلات و راه‌حل آن

خب، در زمان انجام فعالیت‌های گروهی بروز برخی مشکلات طبیعی است. بچه‌ها وقتی دچار مشکل می‌شوند، بی‌درنگ از والدینشان کمک می‌خواهند. ورود والدین ممکن است با جانب‌داری و قضاوت یک‌طرفه‌ی آن‌ها همراه باشد که این امر تشنج و بحران درون گروه را بیشتر می‌کند. در این مواقع بهترین کار این است که دو طرف مسئله را با معلم در میان بگذارند و از ایشان بخواهند که تصمیم نهایی را اتخاذ کنند. راه دیگر این است که گروه بر اساس برنامه‌ریزی، جلساتی را برای حل مشکلات و ابهامات تشکیل بدهند. بهتر است دو طرف اصلی ماجرا دست از بهانه‌جویی و مخالفت بردارند و به حرف‌ها و توصیه‌های دیگران خوب گوش بدهند. به این ترتیب با کمک معلم و گفت‌وگوهای گروهی ابهامات و مشکلات به‌وجودآمده برطرف خواهند شد.

## سخن پایانی

به هر حال، تمام آنچه گفته شد، تنها بخشی از ظرافت‌های کار گروهی بود و قطعاً کار گروهی باید از جنبه‌های زیادی بررسی شود، اما در هر صورت مهم این است که انجام فعالیت‌های گروهی در کلاس سازنده و کارآمد است و بچه‌ها در طی فعالیت‌های گروهی مهارت‌های زیادی را کسب می‌کنند؛ از جمله سخنوری، انتقاد کردن، استدلال آوردن، مشارکت و مشورت، کسب اعتمادبه‌نفس، مسئولیت‌پذیری، صبوری، قانون‌مداری و دوری از منفعت‌طلبی. معلمان عزیز باید توجه داشته باشند که با برقراری نظم، کنترل و هدایت دقیق بچه‌ها، تشکیل جلسه و گفت‌وگوهای مفید با گروه‌ها، می‌توانند فرایند کار گروهی را برای خودشان و دانش‌آموزان جذاب‌تر کنند.

# کی فکرش را می کرد؟

## تغییر راهبردهای یاددهی یادگیری

### از ۱۵ به ۳۳۰ تکنیک بانگاه آینده پژوهانه

همه چیز، از جمله روش های تدریس و راهبردهای یاددهی یادگیری برگرفته از همین روش ها، در شرف تغییرند. در سال ۱۳۷۰، یعنی اندکی بعد از دهمین سال ورود به آموزش و پرورش که از دولتی سر آموزش های همان استادان، ابتدا در مقام مسئول دوره ی آموزشی و سپس به عنوان معاون آموزشی، به اداره فرا خوانده شده بودم، در مطالعه ی گزارشی پژوهشی، متوجه شدم تعداد راهبردهای یاددهی یادگیری به بیش از ۱۰۰ مورد رسیده است و این در حالی بود که از ابتدای دهه ی ۱۳۸۰، تعداد این راهبردها به ۳۰۰ و اکنون به ۳۳۰ مورد افزایش پیدا کرده است، یعنی لاقلاً ۳۳۰ طرح و راهکار برای ارائه ی درس به دانش آموزان پدید آمده و به طور قطع بعد از دوران کرونا، با توجه به توسعه ی آموزش های مجازی، این تعداد به بیش از این نیز خواهد رسید. بی شک پشت پرده ی این اتفاق ها مسیر آینده پژوهی گسترده ای گشوده شده و اندیشمندان در صددند که راه های جدیدتر تدریس به دانش آموزان را شناسایی و ارائه کنند. همه ی این روش های جدید، در مقایسه با ۱۵ روش زمان دانشجویی ما که قرار بود با آن ها معلم ابرقهرمان شویم، در پاسخ به این سؤال پدید آمده است: **آیا روش هایی که ما به کار می بریم، آن چنان تأثیر گذارند که همه ی دانش آموزان بتوانند همه ی درس های ما را یاد بگیرند؟** به عبارت دیگر، اینکه بگوییم دانش آموزان نمی توانند یاد بگیرند، فقط در مورد حداکثر ۲/۵ درصد آنان که آموزش ناپذیرند، مصداق دارد. بنابراین، باید گزاره ی خودمان را با طرح سؤال بالا عوض کنیم.

این ۳۳۰ راهبردی که حدود ۷۰ مورد آن ها مختص دوره های پیش دبستان و ابتدایی هستند، می توانند یاریگر ما در آموزش کودکان باشند. تأکید بر روش های قدیمی که البته بسیاری از آن ها کامکان اثربخش اند، سنگ یادنگرفتن را گردن دانش آموزان خواهد انداخت و آن ها مقصران عرصه ی یادنگرفتن خواهند بود.

معلم بودم، در درس های فن معلمی و کارورزی، استادانی داشتیم که به تمام معنا در تربیت معلم ها خبره بودند. این استادان و در رأس آن ها استاد زنده یاد سهیلی که کلاس هایش را به شیوه ی کارگاه های میکروتیچینگ (تقسیم تدریس به قطعه های کوچک) اداره می کرد، در پایان دوره به ما گفتند وقتی به مدرسه رفتید، اگر با این ۱۵ روش تدریس کنید که به شما یاد دادیم، در مدت کوتاهی به معلمی خبره تبدیل می شوید که مدیران برای نگهداشتن شما سرودست خواهند شکست. در عمل این گونه شد و به غیر از معدودی از هم کلاسی هایمان که روش معلمان غیرخلاق را برگزیدند، بقیه درخشیدند. این استادان بزرگوار، بر اساس روشی که از سال ۱۳۴۴ در پیش گرفته بودند، فکر نمی کردند



مرتضی مجدفر  
پژوهشگر مسائل آموزشی

#### از عرش به فرش

از اول بنا نداشتیم در سلسله مطالب آینده پژوهی در عرش بمانیم، بلکه قصدمان این بود که با مثال هایی از حیات روزمره ی آموزگاران و مدیران مدرسه ها، تا حد ممکن این مطالب را به شکلی پذیرفتنی ارائه دهیم؛ ولی ذکر برخی نکته های علمی و تاریخیچه ای درباره ی آینده پژوهی ضروری است. در این شماره، این قبیل مطالب را در ستونی جداگانه، در صفحه ی روبه رو، می خوانید.

#### فقط در طول چهل سال

چهل سال پیش که دانشجوی تربیت



عکاس: اعظم لاریجانی



## تمرین ۱

با جست‌وجو در منابع و سایت‌های معتبر، کتاب‌هایی را به دست آورید که در زمینه‌ی روش‌های یاددهی‌یادگیری حرف نویی برای گفتن دارند. بدیهی است همه‌ی منابع جهانی را، قبل از ۱۵۰۲، در این زمینه باید کنار بگذارید و در مورد آثار فارسی هم با احتیاط بیشتری روبرو شوید. برخی از منابع شناخته‌شده‌ی فارسی تدریس، به دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی مربوط هستند و برخی از آن‌ها هم که بعد از سال ۲۰۰۰ چاپ شده‌اند، حرفی برای گفتن ندارند.

حال با آینده‌پژوهی چند راهبرد یاددهی‌یادگیری ابداع کنید که در فهرست در دسترس شما نیست و مناسب اوضاعی است که دانش‌آموزان در مدرسه حضور ندارند (تدریس از راه دور). این به معنای آن نیست که روش تدریس ابداعی شما، وجود خارجی ندارد، بلکه ممکن است شما چیزی درباره‌ی آن ندانید.

## تمرین ۲

**مارشال مک لوهان** آینده‌پژوهی بود که در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، در حالی که هنوز رایانه‌های خانگی به وجود نیامده بودند و خبری از اینترنت نبود، اصطلاح «جهان: پیش به سوی دهکده‌ی جهانی» را به کار برد. منظور او به‌طور ساده این بود که در آینده‌ی نزدیک، کل دنیا مثل دهکده‌ی خواهد شد که اگر خروس یکی از همسایه‌ها قوقولی قوقو کند، در کمتر از چند ثانیه، همه صدای این خروس را خواهند شنید و اگر اراده کنند، از پنجره‌ی خانه‌ی خود، این خروس را خواهند دید. آن موقع خیلی‌ها به اندیشه‌ی مک لوهان خندیدند، ولی پیش‌بینی او در کمتر از ۲۰ سال بعد عملی شد.

● با جست‌وجو، کتاب یا مقاله‌هایی را از مک لوهان به دست آورید و بخوانید.  
● در مقام معلمی آینده‌پژوه، فکر می‌کنید کلاس‌های درس در ۱۰ سال آینده چگونه خواهند بود.



## برای ثبت در تاریخ

### تاریخچه‌ی آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی در مقام فعالیتی عمومی از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد. **برتراند دوژوئل** نخستین پژوهش نظری در مورد آینده را به نام «هنر گمان» نوشت. او گفت: «هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد» و نتیجه گرفت که یافتن مدرک‌ها و بهره‌وری‌هایی برای آینده، نیازمند روش‌هایی غیرمتداول است. هوشیاری نسبت به آینده نقطه‌ی عطفی برای آغاز آینده‌پژوهی است. **هاریسون براون**، در کتاب خود به نام **چالش پیش روی آینده‌ی بشر**، در ۱۹۵۴ بسیاری از مسائل بوم‌شناسی و مسائل مربوط به توسعه را که انسان در حال حاضر با آن روبروست، پیش‌بینی کرد. **راشل کارسون** با نوشتن کتاب «بهار خاموش» در ۱۹۶۲، با تصویر کردن دنیایی بدون سینه‌سرخ (نوعی پرنده)، آغازگر جنبش زیست‌محیطی بود. واکاوی مسائل مربوط به آینده‌ی جمعیت بشر نیز در کتاب «مبجم جمعیت» اثر **پاول ارلیش** صورت پذیرفت. انتشار این آثار و پیش‌بینی فروپاشی جامعه‌ی صنعتی، دنیای آن زمان را دچار شوک روحی کرد. بعدها، رویدادهایی نظیر ترور برادران کندی و مارتین لوتر کینگ، جنگ ویتنام، بحران نفتی و رسوایی واترگیت نشان داد آینده‌پژوهان در پیش‌بینی این موضوع درست عمل کرده‌اند.

آینده‌پژوهان مثبت‌اندیش نیز در دهه ۱۹۶۰ به‌سختی مشغول بودند. **دانیل بل**، جامعه‌شناس، برای نخستین بار اصطلاح «جامعه‌ی فراصنعتی» را در کتابی به همین نام به کار برد. بل سرآغاز تعداد زیادی از آینده‌پژوهان نظیر **مارشال مک لوهان** و **آلوی تافلر** بود که آینده‌ی پیش‌بینی‌شده‌ی آن‌ها کمی دیر محقق شد، ولی دنیا دیدارگر تحولات بنیادین در زمینه‌ی ارتباطات و کسب‌وکار، از طریق ظهور رایانه‌های شخصی، در دهه‌ی ۱۹۸۰ و ظهور اینترنت در دهه‌ی ۱۹۹۰ بود.

در دهه‌ی ۱۹۶۰، آینده‌پژوهی به‌عنوان یکی از رشته‌های نوین پایه‌ریزی شد. نخستین دوره‌ی آموزشی را **جیم دیتور** در ۱۹۶۳ در بنیاد پلی‌تکنیک ویرجینیا تدریس کرد. پس از آن، **وندل بل** مجموعه‌ی دوره‌های آموزشی خود را در دانشگاه ییل آغاز کرد. پس از انتقال **دیتور** به گروه علوم سیاسی دانشگاه هاوایی، وی دوره‌های متمرکزی در آن دانشگاه برای دانشجویان دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترا ایجاد کرد.

در ۱۹۷۴، **جیب فاولز و کریس دید** نخستین دوره‌ی تخصصی فوق‌لیسانس را در دانشگاه هوستون برپا کردند. بعدها مشابه این دوره در دانشگاه‌های ماساچوست، آکرون، مینه‌سوتا، یواس‌سی و دانشگاه ایالتی پورتلند نیز دایر شدند. هم‌اکنون به‌جز دانشگاه‌های هاوایی و هوستون، بقیه‌ی دوره‌ها تعطیل شده‌اند. دو سازمان پراعتبار یعنی «انجمن آینده‌ی دنیا و فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی» به‌ترتیب در ۱۹۶۷ در آمریکا و ۱۹۷۳ در پاریس تأسیس شدند. انتشار مجله‌ی «آینده‌پژوه» کار انجمن آینده‌ی جهان است.



# مدیر معاون آموزگار دفتر دار خدمت گزار

## چرا چندپایه؟

- پایین بودن تعداد دانش‌آموزان در مناطق روستایی و کمبود معلم؛
- دور بودن کودکان از شرکت در کلاس درس، آن هم در سنین آموزش؛
- رفع مشکل ترک تحصیل. البته تعدادی هم دوست ندارند در کلاسی شرکت کنند که بچه‌های کوچک‌تر از خودشان در آن درس می‌خوانند؛
- فراهم کردن امکان دسترسی بیشتر کودکان روستایی به کلاس درس. هرچند تدریس در این کلاس‌ها نیازمند برخورداری از مهارت‌های ویژه و روش‌های مناسب سازمان‌دهی کلاس است.
- به‌روز کردن شیوه‌های تدریس؛
- کارآمد کردن بهره‌گیری از منابع؛
- افزایش مشارکت جمعی؛
- توسعه‌ی سواد.

فاطمه تمری

کارشناس آموزش ابتدایی شهرستان ایوان، استان ایلام



یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش، به‌خصوص در کشور ما، به‌کارنگرفتن روش‌های نوین تدریس در آموزش است. به همین سبب کیفیت آموزشی سطح مطلوبی ندارد و دانش‌آموزان علاقه‌ی زیادی به تحصیل نشان نمی‌دهند. این موضوع، یعنی آشنانبودن معلمان با روش‌های نوین تدریس، به‌ویژه در کلاس‌های چندپایه، نمود بیشتری پیدا می‌کند و اثرات نامطلوبی بر جای می‌گذارد. مقاله‌ی پیش رو مزیت‌ها و عیب‌های کلاس‌های چندپایه را برمی‌شمارد و برخی از مشکلات این نحوه‌ی آموزش را بررسی می‌کند.

## تعریف چندپایه

تدریس چندپایه به‌نوعی از تدریس در آموزش ابتدایی اطلاق می‌شود که در آن دانش‌آموزان چند پایه در یک کلاس و توسط یک معلم آموزش داده می‌شوند. یا این‌گونه می‌توان تعریف کرد که منظور از آموزش چندپایه، موقعیت‌هایی است که در آن‌ها دانش‌آموزانی که از نظر سن و توانایی متفاوت هستند، همه در یک کلاس آموزش می‌بینند.



## مشکلات

در مجموع مشکلاتی همچون کمبود وقت، نقصان تجربه و کمبود اطلاعات معلمان مدرسه‌های چندپایه در تدریس و کلاس‌داری حرفه‌ای، نامناسب بودن فضای آموزشی، کمبود کلاس درس، هماهنگ نبودن مدرسه و خانواده، و کمبود تجهیزات آموزشی از جمله مواردی هستند که نارضایتی معلمان را سبب می‌شوند؛ به‌خصوص در جاهایی که معلم به‌عنوان مدیر، دفتردار، خدمتگزار، معاون و نام‌رسان هم ایفای نقش می‌کند و در کلاس نیز باید بیش از معلم تک‌پایه مهارت، توانایی و اطلاعات داشته باشد.



## عیب‌ها

- معلمان غالباً از کار در این مدرسه‌ها، به‌دلیل دوری از مرکز تصمیم‌گیری و اثر منفی آن در پیشرفت و رشد خود، نگران هستند؛ ● معلمان از همکاری و اقوام خود دورند؛ ● حقوق و دستمزد معلمان برای جبران کار سخت و ارزشمندشان در مناطق محروم کافی نیست؛ ● معلمان از امکانات و رفاه عمومی دورند؛ ● دانش‌آموزان از بهداشت و تندرستی پایینی برخوردارند؛ ● آموزش‌های ویژه‌ای برای تدریس در این کلاس‌ها نیست؛ ● این مدرسه‌ها از نظر تسهیلات (دستگاه فتوکپی، رایانه و چاپگر) مجهز نیستند؛ ● مردم و مسئولان نسبت به تدریس در کلاس‌های چندپایه نگرش منفی دارند؛ ● کتاب‌های درسی متناسب این مدرسه‌ها نیستند؛ ● سطح تحصیلات اولیا پایین است؛ ● و...

## مزیت‌ها

در هر کلاس چندپایه، دانش‌آموزان طیف سنی متفاوتی دارند. این دانش‌آموزان دوره‌های متفاوت رشد جسمی و فکری را با نیازهای متفاوت می‌گذرانند. از این رو تعامل بین آن‌ها تأثیر زیادی در یادگیری دارد.

در این کلاس‌ها می‌توان بعضی از عقب‌ماندگی‌های دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر را با قراردادن آن‌ها در جریان آموزشی پایه‌های پایین‌تر جبران کرد. برای مثال، در پایه‌ی دوم، دانش‌آموزی نمی‌تواند صداها را کاملاً تشخیص دهد. ما می‌توانیم در هنگام تدریس صدای جدید به پایه‌ی اول، به‌صورت غیرمستقیم، این دانش‌آموز را نیز در جریان آن آموزش قرار دهیم.

آموزش پایه‌های پایین‌تر توسط پایه‌های بالاتر و همکاری افراد قوی‌تر در یادگیری افراد ضعیف‌تر از دیگر محاسن کلاس‌های چندپایه است که دو اصطلاح روان‌شناسی سازنده‌گرا (یادگیری در حوزه‌ی مجاور رشد و یادگیری به‌وسیله‌ی همسان‌خبره) را تأیید می‌کند. استفاده از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر به‌عنوان معلم‌یار، حس همکاری و نوع‌دوستی را بین آن‌ها و سایر دانش‌آموزان تقویت می‌کند. دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر در جریان تکرار درس‌های سال‌های قبل خود قرار می‌گیرند و این درس‌ها برایشان تکرار و یادگیری آن‌ها عمیق‌تر می‌شود و برعکس، دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر، تا حدودی با درس‌های سال‌های بالاتر آشنا می‌شوند و این خود پیش‌زمینه‌ای برای یادگیری وسیع‌تر آن‌ها خواهد بود.

## مدیریت مؤثر در کلاس‌های چندپایه

- معلم کلاس چندپایه باید با روش‌ها، فنون و راهبردهای متعدد و مؤثر برای تدریس آماده باشد و به‌طور اثرگذاری آن‌ها را برای جلب رضایتمندی دانش‌آموزانی با سنین متفاوت و توانایی‌های گوناگون به کار گیرد؛
- معلم باید طرح درس روزانه‌اش را به‌گونه‌ای آماده کند تا دانش‌آموزان پایه‌های متفاوت را به انجام انواعی از فعالیت‌های یادگیری سودمند وادارد؛
- به‌کارگیری راهبردهای تدریس باید با انعطاف‌پذیری همراه باشد. در برخی مواقع نیاز است برای اثرگذاری بیشتر، راهبردهای تدریس با توجه به نوع محتوا و نیازمندی دانش‌آموزان بازنگری شوند؛
- گروه‌بندی بر پایه‌ی توانمندی دانش‌آموزان صورت گیرد. این روش راهکاری را برای تدریس دوسویه و انجام تدریس جبرانی فراهم می‌کند. گروه‌بندی بر اساس پایه‌های تحصیلی غیریکسان در کلاس‌های چندپایه، فرصت مناسبی برای فعالیت‌های مشارکتی و پویاست؛
- گاهی فعالیت یکسان برای همه‌ی دانش‌آموزان کلاس ارائه شود. می‌توان شمار زیادی از فعالیت‌ها را طراحی کرد که دانش‌آموزان پایه‌های اول تا پنجم، همگی با یکدیگر، در آن‌ها شرکت کنند؛
- معلم شرایطی ایجاد کند تا دانش‌آموزان از همدیگر یاد بگیرند. در بسیاری موارد یادگیرندگان بزرگ‌سال الگوی یادگیری بسیار خوبی برای یادگیرندگان تازه‌کارند؛
- معلم در گروه‌های یادگیری به‌مثابه‌ی یک عضو فعال گروه مشارکت کند. برای مثال، معلم می‌تواند در گروه یادگیری دانش‌آموزان پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی عضو شود و همچون دانش‌آموزانش فعالیت کند.

# کلاس بیمار

## پیشینه‌ی پژوهش

فردگرایی نگران‌کننده در ایران عبارت‌است از تأکید بر ارزش‌های خودخواهانه و کاهش احساس مسئولیت. فردگرایی گاهی جنبه‌ی خودخواهانه دارد که باید به آن فردزدگی گفت. در این میان فردگرایی رایج علت‌های متفاوتی دارد: خودخواهی فرد، ترجیح منافع خود بر مصالح جمع، نبود تفاهم در فرهنگ‌های دو طرف (برای مثال، وجود ولنگاری در فرهنگ یک گروه) و پرهیز از قبول هرگونه مسئولیت اجتماعی، برخی از این دلایل را شکل می‌دهند. در کار جمعی، هر کس مسئولیت قسمتی از کار را بر عهده می‌گیرد تا کار به‌شکل مشارکتی انجام شود. بنابراین، در درجه‌ی نخست مسئولیت‌پذیری و شناخت افراد از جمله عواملی است که آن‌ها را از فردگرایی جدا و به جمع‌گرایی تشویق می‌کند. وقتی چگونگی کار گروهی آموزش داده نشود، اعتمادبه‌نفس کافی وجود ندارد و هر شخص حرف خود را می‌زند. بنابراین، طرح‌ها به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسند (فیض‌اله نوروزی، ۱۳۸۷).

**هدف اصلی:** جایگزینی روحیه‌ی مشارکت‌پذیری به‌جای فردگرایی نامطلوب.

**گردآوری اطلاعات:** برای گردآوری اطلاعات از روش‌های ترکیبی کیفی و کمی نظیر مشاهده‌ی رفتار دانش‌آموز در محیط آموزشی، مصاحبه با مدیر، والدین و معلم سال قبل، پرسش‌نامه‌ی مهارت اجتماعی ماتسون و پرسش‌نامه‌ی فردگرایی یوسف و نوردین، منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌های علمی و سایت‌های اینترنتی استفاده شد.

**تجزیه و تحلیل تفسیر داده‌ها:** با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده و تفکیک آن‌ها، رفتار فردگرایانه‌ی دانش‌آموز را تجزیه و تحلیل کردم. عمده‌ی دلایل بروز این رفتار، تنهایی کودک به‌علت اشتغال والدین، حمایت بی‌رویه‌ی مادر از رفتار فردگرایانه در جهت برتری‌طلبی، تک‌فرزندی، تمکن بالای مالی، خودخواهی و ارتباط‌نداشتن با دیگران بود.

دکتر نامدار اعتمادی

مدرس دانشگاه فرهنگیان

ویدا حسن پورسیاهکی

دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان

با دانش‌آموزی مواجه شدم که به‌هیچ‌عنوان در فعالیت‌های گروهی مشارکت نمی‌کرد و برای مطرح کردن خویش به‌صورت تکی، از ایجاد تعامل با دیگران خودداری می‌کرد. هم‌کلاسانش نیز با مشاهده‌ی رفتار خودمحورانه‌ی وی از هم‌گروه‌شدن با او پرهیز می‌کردند. شرایطی به وجود می‌آمد که سایر دانش‌آموزان هم به تکراری و پرهیز از مشارکت گروهی تمایل داشتند. در نتیجه دانش‌آموز فردگرا باعث به‌هم‌ریختن محیط کلاس می‌شد. این مورد انگیزه‌ای شد تا در این باره اقدام پژوهی انجام دهم.

## آزادپای سند برنامه‌ی درسی ملی

در راهکار ۲-۱۶ از سند برنامه‌ی درسی ملی، «رعایت اقتضانات هویت جنسیتی (پسران و دختران) و ویژگی‌های دوران بلوغ دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی و روش‌ها و برنامه‌های تربیتی، ضمن توجه به هویت مشترک آنان»، تأکید شده‌است.



آزمایشی  
ابتدایی

آذرماه

دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۱۴۰۲

۱۸



### محدودیت‌ها

- کمبود منابع علمی مستقیم در خصوص هویت و هویت‌یابی از جنس شرقی، ایرانی و بومی. در کشورهای مدرن و توسعه‌یافته، ما با فراوانی یافته‌های دانشگاهی به زبان انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و... روبه‌رو هستیم؛ ولی چون ابزارها، تئوری‌ها و دستگاه‌هایی نظری که آن‌ها در جوامع خود استفاده می‌کنند، از الگوی فکری (پارادایم) و انگاره‌های دیگری هستند، کاربرد و بهره‌گیری مستقیم آن‌ها در جامعه‌ی ما بی‌معنی خواهد بود؛
- نبود زمان کافی، بودجه‌ی مناسب، پژوهشگران کارآزموده، پرسنل باتجربه و...؛
- همکاری‌ناداشتن و پذیرفته‌نشدن ایده‌ها توسط دانش‌آموز در ابتدای طرح.



### پیشنهادها

- به رفتار دانش‌آموزان، مشکل افرادی با اختلال‌های رفتاری و درسی را شناسایی کنید و برای برطرف کردن آن‌ها بکوشید؛
- برای یافتن دلایل و عوامل به‌وجودآورنده، از یاری دیگران نظیر معاون، والدین و مشاور استفاده کنید؛
- در شروع کار، قوانین و ضوابطی روشن و اجرایی مشخص کنید؛
- با ایجاد ارتباط مثبت بین دانش‌آموزان و دیگر هم‌کلاسانشان، از خود آن‌ها در روند حل مشکل بهره‌گیری کنید؛
- رفتار و رفتارکننده را از هم جدا کنید. هنگام روبه‌روشدن با رفتار نامناسب، انتقاد متوجه رفتار باشد نه خود شخص؛
- از راهکار جایگزین استفاده کنید. در صورت جواب‌ندادن یک روش، روش دیگری را امتحان کنید؛
- شتاب‌زده عمل نکنید؛
- برای بالا بردن انگیزه‌ی دانش‌آموزان، از تشویق‌های کلامی و حتی جایزه‌های کوچک غافل نشوید.

### شیوه‌ی اجرا

#### فعالیت معلم

- در آغاز، با جلب حمایت و نزدیک‌شدن به او، تلاش کردم رابطه‌ی دوستانه بین ما شکل گیرد؛
  - جلسه‌های آموزشی آگاهی‌بخشیدن به مادران را به‌عنوان «هسته‌های اصلی کانون خانواده»، با مدرسان مجرب و مشاور برگزار کردیم؛
  - به او برجسب نزدیم تا از خودش تصویر ذهنی نامناسبی نسازد؛
  - چیدمان نیمکت‌های کلاس را به‌شیوه‌ای تغییر دادم که دانش‌آموزان روبه‌روی هم قرار می‌گرفتند. سپس آن‌ها را به گروه‌های کوچک سه یا چهارنفره تقسیم کردم تا دانش‌آموزان طوری در کلاس بنشینند که از نزدیک با هم تعامل و ارتباط آسان داشته باشند.
  - از روش آموختن به شیوه‌ی جانسون بهره‌جستم. در این روش، دانش‌آموزان در گروه‌های ناهمگن «تند، کند و میانی» مشغول انجام تکالیف خود می‌شوند سپس. نتایج کار گروهی روی ورقه‌ای منعکس می‌شود و مبنای دریافت نمره، همین کار مشترک است؛
  - اصول و ضوابطی برای گروه در نظر گرفتم تا به آن پایبند باشند؛
  - به‌صورت گروهی وسایلی کمک‌آموزشی ساختیم؛
  - از وسایل کمک‌آموزشی مثل فیلم، کارت‌تون و اسلاید با محتوای مشارکت استفاده کردم؛
  - با به‌کارگیری گروه در فعالیت‌های غیردرسی نظیر نمایش، سرود و هماهنگی مراسم و اردو، جذابیت مشارکت ایجاد کردم.
- #### فعالیت والدین: از والدین خواسته شد:
- به مشاور مراجعه کنند؛
  - ارتباط خود را با دوستان و اقوام گسترش دهند؛
  - فعالیت‌هایی را به‌صورت گروهی در منزل انجام دهند؛
  - فرزندشان را به هم‌گروه‌شدن با دوستانش تشویق کنند.

# بازی درمانی تضمینی در ده جلسه!

## اهمیت آموزش از طریق بازی



صغرا حسینی  
آموزگار خمین

تا در آخر، با گروه گواه مقایسه شوند. نتیجه‌های حاصل از بررسی این فرضیه‌ی پژوهشی نشان داد: بازی درمانی اختلال‌های خواندن، نوشتن و ریاضی را در دانش‌آموزان کاهش می‌دهد.

### جلسه اول

شرح حالی جزئی از گروه هدف می‌گیریم و پرسش‌نامه را برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر کامل می‌کنیم. هدف را برای اولیا بیان و تأکید می‌کنیم که به همکاری بیشتر آن‌ها برای پیشرفت دانش‌آموزان و بالارفتن اعتماد به نفسشان نیاز داریم.

**تکلیف:** تکلیف جلسه اول برای والدین بیان و از آن‌ها خواسته شد با ایجاد رابطه‌ی عاطفی‌تر و بدون سرزنش، به درمان دانش‌آموزان کمک کنند. تکلیف چنین بود: تهیه‌ی خمیریازی،

تجربه‌ی پیش رو خلاصه‌ی پژوهشی است که آن را با هدف تعیین اثربخشی بازی درمانی در کاهش اختلال‌های یادگیری دانش‌آموزانم انجام دادم. این پژوهش روی ۳۰ دانش‌آموز مبتلا به این اختلال صورت گرفته است. دانش‌آموزان در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و گواه، به مدت یک ماه و به صورت ده جلسه و هر جلسه چهل دقیقه، در بازی شرکت کردند. این جلسه‌ها با همکاری مدیر، آموزگاران و والدین آن‌ها برگزار شد. پرسش‌نامه‌ی گروه آزمایشی را معلم کامل کرد و کار سنجش اختلال‌های خواندن، نوشتن و ریاضی نیز انجام شد

جورچین (پازل) تصویر و مهره‌های رنگی.

### جلسه دوم

• با مشخص شدن اشکال‌های خواندن و نوشتن دانش‌آموزان در زمینه‌ی حافظه‌های دیداری و شنیداری، دقت و مشکلات آموزشی، کار درمان در راستای برطرف کردن این مشکلات آغاز می‌شود (دانش‌آموزان گروه‌بندی می‌شوند).

• بازی جورچین و همچنین بازی عوض کردن جای چیزی در کلاس برای بالابردن دقت آن‌ها انجام می‌شود.

**تکلیف:** کتاب داستانی به آن‌ها داده شد که تا شب با نظارت خانواده بخوانند و روز بعد خلاصه‌ای از آن را بیان کنند.

### جلسه سوم

بازی با کلمات را شروع می‌کنیم. متن کوتاه یا کلمه‌هایی که بچه‌ها در آن‌ها بیشتر اشکال دارند یا نوشتن ناقص کلمه روی مقوا و درست آن در پشت مقوا، ما را در این قسمت یاری می‌کند.

**تکلیف:** پیدا کردن هم‌خانواده و هم‌معنی برای کلمه‌هایی که بچه‌ها در آن‌ها بیشتر اشکال دارند.

### جلسه چهارم

• دیدن تکلیف جلسه قبل و رفع اشکال‌ها.  
• با استفاده از کارت بازی جدول عددنویسی نوشته می‌شود و بچه‌ها در سه گروه قرار می‌گیرند. با شروع مسابقه باید اعدادی را که روی کارت نوشته شده‌اند، به کمک مهره‌های رنگی، درست بنویسند. هر گروه که زودتر نوشت، تشویق می‌شود و امتیاز می‌گیرد.  
**تکلیف:** تمرین کلماتی که دانش‌آموزان در آن‌ها مشکل دارند.

### جلسه‌های پنجم و ششم

• دیدن تکلیف‌های جلسه قبل و رفع اشکال آن‌ها.  
• روی در شیشه‌ی نوشابه و مقوا چند عدد نوشته می‌شود. دانش‌آموزان در گروه با کمک این رقم‌ها می‌توانند ضرب، تقسیم، جمع، کسر



تصویرگر: حسین یوزباشی

آیندگان

آذرماه  
دوره بیست و پنجم  
شماره ۳ | ۱۴۰۰

۲۰



دبستان «زنده یاد رامین نازکتبار» مدرسه‌ای دولتی است که در منطقه‌ی بندپی غربی روستای میاندره و در استان مازندران قرار دارد. مدرسه ۲۱ دانش‌آموز دارد و دو کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس هم ۱۰ نفر است. آقای حسن غلامعلی تبار آموزگار پایه‌های اول، دوم و سوم این دبستان است.

## دقیقه‌شماری



حسن غلامعلی تبار فیروزجائی  
مدیر آموزگار، بندپی غربی، بابل



تدریس کلاس چندپایه (اول، دوم و سوم) را بر عهده داشتم. موقع تدریس ریاضی متوجه شدم دانش‌آموزان پایه‌ی سوم در بیان دقیقه‌ی ساعت مشکل دارند. با توجه به چندپایه‌بودن کلاس باید راهی را در پیش می‌گرفتم که هم مشکل یادگیری دانش‌آموزان پایه‌ی سوم حل شود و هم دانش‌آموزان پایه‌ی دوم که تازه می‌خواستند مفهوم دقیقه در ساعت را یاد بگیرند، با آن‌ها هماهنگ شوند و این‌گونه به مدیریت زمان نیز کمک شود.

به دانش‌آموزان گفتم، وقتی در منزل فعالیت‌های درسی را انجام می‌دهند، زمان شروع و پایان آن را در دفترشان یادداشت کنند. در اوایل دانش‌آموزان برای خواندن ساعت و یادداشت کردن آن به کمک بزرگ‌ترهای خانه نیاز داشتند. برای هماهنگی با اولیای آنان، موضوع را در جلسه‌ی آموزش خانواده مطرح کردم. بدین صورت آن‌ها با کمک اولیایشان زمان شروع و پایان انجام فعالیت را در دفتر یا کاربرگ تکلیف می‌نوشتند و تصویر ساعت با عقربه‌های ساعت‌شمار و دقیقه‌شمار را هم رسم می‌کردند. این کار تا حدود دو هفته ادامه یافت.

این فعالیت از آنجا که شکل کاربردی به خود گرفت، برای دانش‌آموزان جالب بود و سرگرمی تلقی می‌شد. این روش کمک کرد آن‌ها در خواندن ساعت بسیار پیشرفت کنند.

و اعشار را یاد بگیرند.

مفهوم کسر روی کارت مقوایی نوشته می‌شود و اعدادی که بر آن کسر بخش پذیرند، به‌عنوان جواب در پشت کارت نوشته می‌شوند. هر فردی که درست گفت، کارت را برای خودش بر می‌دارد.  
**تکلیف:** نمونه‌ی تمرین‌های کارشده به‌عنوان تکلیف در نظر گرفته شود.

### ← جلسه‌ی هفتم

- دیدن تکلیف جلسه‌ی قبل و رسیدگی به اشکال‌های بچه‌ها و تشویق پیشرفت آن‌ها؛ هر چند ناچیز باشد.
- آموزش نسبت و تناسب از راه کشیدن دایره یا مربع با خود بچه‌ها و قرار گرفتن آن‌ها در این روند آموزش و خواندن اعداد. تکلیف: به‌عنوان تکلیف، روی مقوا جدولی می‌کشیم تا در منزل آن را کامل کنند

### ← جلسه‌ی هشتم

- بررسی تکلیف جلسه‌ی قبل.
- مسابقه‌ی متن‌خوانی با کمترین اشکال و رعایت علائم نگارشی بین گروه‌ها. بیشترین اشکال دانش‌آموزان در خواندن متن در این سن، رعایت نکردن نکات نگارشی و کلمه کلمه خواندن آن‌هاست که باید به کمترین حد برسد. در این تکلیف، دانش‌آموزان باید زمان جمله‌ها را عوض کنند، جمله‌های ناقص را کامل کنند و...  
**تکلیف:** نقاشی‌های ناقص را کامل کنند و با نقطه‌ها شکل بسازند.

### ← جلسه‌ی نهم

- بررسی کارهای کامل‌شده‌ی جلسه قبل.
- روی کارت‌ها کلماتی بنویسیم که دندانه، تشدید، نقطه یا برخی از حرف‌ها جا افتاده باشند. سپس از بچه‌ها بخواهیم آن‌ها را کامل کنند و بعد گروهی دیگر آن را تصحیح کنند. برای هم املا بگویند و خودشان تصحیح کنند.
- تکلیف: با نظارت خانواده، مطالب کارشده در این چند جلسه مرور شوند.

### ← جلسه‌ی دهم

گرفتن آزمون از مطالب ریاضی، املا، کامل‌کردنی، خواندن متن کوتاه ارزشیابی از برگه‌ها با جابه‌جایی بین گروه‌ها؛ یعنی ارزشیابی توسط خود دانش‌آموزان.

# شیرینی انار ترش



محمدعلی بابائی فرد

راهبر آموزشی منطقه بندپی غربی

صبح پاییزی قشنگی، در اولین روز هفته، به سمت مدرسه حرکت کردم. مدرسه‌ای چندپایه که در روستایی کوچک و در حاشیه‌ی جنگل و دشت قرار داشت. بعد از یک ساعت پیاده‌روی به دانش‌آموزانم رسیدم که در مسیر، آرام در حال حرکت بودند. دروازه را گشودم و به اتفاق هم وارد حیاط سبز و به نسبت بزرگ مدرسه شدیم؛ حیاطی که چندی قبل به کمک یکدیگر و به یاری اولیای دانش‌آموزان آماده شده بود و تک درخت اناری، در ضلع شرقی ساختمان قدیمی مدرسه، نمای زیبایی به آن داده بود. قبل از به‌صدا آمدن زنگ و تا آماده شدن برای مراسم صبحگاه با تعداد کمتر از بیست نفر، ناگهان هیاهویی بین بچه‌ها ایجاد شد. چند نفر سراسیمه به دفتر آمدند. گویا اتفاق مهمی افتاده بود!

- آقا اجازه!

- چه خبره؟ چی شده بچه‌ها؟

- آقا اجازه! انار، انار!

- انار چی شده؟

- اجازه! انارها را چیده‌اند!

با بچه‌ها به کنار درخت انار رفتیم. بله، انارها را روز جمعه چیده بودند. همکارم تأسف می‌خورد که کاش زودتر می‌چیدیم. در پی این بودم که چه کسی این کار را کرده است. بچه‌ها می‌گفتند کار مردمی بوده که در روز تعطیل برای چیدن سبزی و انار می‌آیند. حسرت و افسوس در چهره‌هایشان نمایان بود. هر کدام حرفی می‌زدند و عکس‌العملی نشان می‌دادند، اما یکی از دانش‌آموزان مرزی و دیرآموزم که در درس پیشرفت چندانی نداشت، با حساسیت و عکس‌العمل جالبی از من تقاضا کرد عامل این کار را دستگیر کنم. تعجب کردم. این دانش‌آموز خیلی در بحث کلاس شرکت نمی‌کرد، ولی این بار با علاقه و اشتیاق درخواست کرد: «آقای مدیر، اجازه بده من بعد از ظهر به مدرسه بیایم و در گوشه‌ای نگرهبانی بدهم تا آن‌ها را دستگیر کنیم.»

بچه‌ها را آرام کردم و بعد از اجرای مراسم به کلاس رفتم، در حالی که به جای فکر کردن به انارهای ترشی که شاخه‌های درخت را خم کرده بودند، به عکس‌العملی می‌اندیشیدم که دانش‌آموز دیرآموزم بعد از دیدن آن ماجرا از خود نشان داده بود. در زنگ تفریح، با همکارم در خصوص حرف‌های او صحبت کردم. مدتی این موضوع ذهنم را مشغول کرده بود که چگونه می‌توانم او را بیشتر به درس و مدرسه علاقه‌مند کنم. علاقه‌ی این دانش‌آموز به تک‌درخت انار مدرسه و اشتیاقی که از خود نشان داده بود، در ذهن من جرقه‌ی خوبی ایجاد کرد.

با مشورت همکارم و جلسه‌ی انجمن تصمیم گرفتیم برای هر دانش‌آموز، با توجه به فضای موجود مدرسه، یک نهال در نظر بگیریم. با مشخص کردن مکان نهال‌ها و آماده کردن و کندن جای آن‌ها در زنگ‌های تفریح، تا چند هفته مشغول بودیم. مشارکت همه‌ی دانش‌آموزان و علاقه‌ی آن‌ها ذوق در مدرسه بودن را دوچندان می‌کرد. هدفم از انجام این کار برانگیختن اشتیاق دانش‌آموزان به یادگیری بیشتر بود. همه‌ی آن‌ها به درس خواندن رغبت نشان می‌دادند، ولی بعد از این کار، به‌طور ویژه، دانش‌آموز موردنظرم بسیار تغییر کرد و در رفتارش شادمانی، ذوق یادگیری و شرکت در بحث و گفت‌وگوی کلاسی خاصی نمایان بود. اولیای او نیز از این تلاش وی در تعجب بودند. مدتی گذشت تا دانش‌آموزان او را به‌عنوان فردی پرتلاش در کلاس پذیرفتند. در این مدت، نهال‌ها نیز کاشته شده بودند. محافظت، نگهداری و همکاری این دانش‌آموز با دیگر بچه‌ها در این زمینه هم بسیار چشمگیر بود. این‌گونه شد که تک‌درخت انار ترش، شیرینی یادگیری و مشارکت دانش‌آموز گریزان از مدرسه را در کام همه‌ی ما نشاناند.



تصویرگر: حسین یوزباشی

آیندگان

آرژامه

دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۳ | ۱۴۰۰

۲۲





تجربه‌ها بیان را برای مطالعه بفرستید



این شعار دیگر ورد زبانش شده بود: «خوب ببین، خط را دنبال کن، حالا ببر.»

### بازی توپ و قاشق

این بازی هیجان‌انگیز بود و همه مشتاق به انجامش بودند.

توپ تخم‌مرغی را درون قاشق قرار می‌دادم و از بچه‌ها می‌خواستم تا با قاشق‌ها حرکت کنند و مواظب باشند تا توپ از قاشق نیفتد. همه بچه‌ها دست می‌زدند و بازیکن تمام تلاشش را می‌کرد. رضا در این بازی مهارت خوبی به دست آورده بود.

آموزش زمانی برای کودکان جذاب می‌شود که بازی چاشنی آن باشد و در این صورت آموزگار به اهداف خود به‌صورت غیرمستقیم دست می‌یابد.

غیر از بازی که با همه‌ی بچه‌ها صورت می‌گرفت، تجربه‌ی دیگری نیز با رضا داشتم تا او را در این امر یاری کند. همیشه در دیوار سمت راهرو مدرسه طنابی می‌بستم و فعالیت‌های برجسته‌ی فرزندان کلاس را با گیره وصل می‌کردم تا در دید دانش‌آموزان مدرسه قرار گیرد. در جایی خوانده بودم یکی از راه‌های هماهنگی چشم و دست، وصل کردن گیره‌ها به بند در زمان مشخص است. از این رو، برای اتصال فعالیت‌ها به طناب، از رضا کمک می‌گرفتم. این کار گذشته از اینکه در تقویت اعتمادبه‌نفس مؤثر بود، در هماهنگی چشم و دستش هم به نتیجه می‌رسیدم.

آنچه به قلم آمد بخشی از فعالیت‌های من با رضا بود. غافل از این نکته نشوم که مادر رضا هم همکاری خوبی با ما داشت.

شوق سراسر وجودم را می‌گرفت وقتی پیشرفت و عملکرد فرزندم را می‌دیدم و آن هنگام که رضا پر از سلام‌های تازه بود.

### آرشیو پای سند برنامه‌ی درسی ملی

در هدف عملیاتی ۱۶ در سند برنامه‌ی درسی ملی تأکید شده است بر موضوع: «تنوع‌بخشی در ارائه‌ی خدمات آموزشی و فرصت‌های تربیتی متناسب با مصالح جامعه، نیازها و علاقه‌های دانش‌آموزان در راستای شکوفایی استعدادهای آن‌ها.»



نمونه‌ای از چندبازی آموزشی کلاسی

## چشم‌ها باز، دست‌ها دراز

الهام دیمی، آموزگار پایه‌ی دوم شهرستان کوار، استان فارس



دوستانش به سمت او پرتاب می‌کنند. گرفتن توپ‌های کوچک به مهارت بیشتری نیاز داشت. ناگفته نماند که این بازی با همه‌ی بچه‌ها انجام می‌شد، اما هدف رضا بود.

### بازی نخ کردن مهره

تعداد زیادی مهره را که در خانه داشتم، در جعبه‌ی فانتزی به کلاس بردم و با دادن نخ و مهره به هر کدام از بچه‌های کلاس از آن‌ها خواستم، در یک زمان مشخص، مهره‌ها را نخ کنند، متوجه شدم که رضا با همه‌ی تلاشی که از خودش نشان می‌دهد، تعداد مهره‌های کمتری را نخ می‌کند، مشوقش شدم، با حمایت اوج می‌گرفت، حتی اگر یک مهره بیشتر از روز گذشته نخ می‌کرد، او خوش حال می‌شد و من خوش حال‌تر.

### بازی بریدن و چسباندن

روزنامه و مجلاتی را که خوانده بودم به کلاس بردم و از بچه‌ها خواستم قسمتی از آن را با قیچی برش بزنند و روی مقوایی رنگی بچسبانند. اوایل قیچی کردن روی کادری مشخص برای رضا سخت بود، اما در گروه هم‌سالانش آموخت که با تمرکز می‌تواند از عهده‌ی این کار برآید. مرتب به او می‌گفتم و به‌طور عملی انجام می‌دادم: «پسرم! نگاه کن، دنبال کن و با قیچی ببر.»

پایه‌ی دوم تدریس می‌کردم، اوایل سال برای تقویت حافظه‌ی دیداری دانش‌آموزانم حروف و کلمات را مرور می‌کردم. رضا از آن دست بچه‌هایی بود که زمان می‌خرد برای نوشتن شش کلمه‌ای که روی تخته با گچ نوشته بودم. چند روزی به همین شیوه گذشت. چون در آغاز سال تحصیلی بودیم، احتمال می‌دادم به‌دلیل وقفه‌ای که در آموزش به وجود آمده بود، دچار فراموشی شده باشد، اما این روند کندنویسی ادامه داشت. به‌دنبال راه‌حلی بودم. باید علت آن را پیدا می‌کردم. حرکات رضا را با دقت بیشتری زیر نظر گرفتم. مدام احساس خستگی می‌کرد یا از نوشتن سسر باز می‌زد. در هنگام نوشتن هم پیوسته گردن خود یا صفحه را کج می‌کرد. مشکل رضا در هماهنگ نبودن چشم و دست بود. پیش از این مطالعاتی در مورد اختلال یادگیری کودکان داشتم و برای حل این مشکل بازی‌هایی در ذهنم بود. بنابراین، از آن بازی‌ها برای کمک به رضا استفاده کردم.

### بازی پرتاب کردن و گرفتن توپ

چند توپ با سایزهای مختلف تهیه کردم و در قالب بازی از رضا خواستم توپی را بگیرد که

آرشیو پای

آذرماه

دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۲ | ۱۴۰۰

۲۳

## قابلمه‌ی چوبی

کبری محمودی

تصویرگر: سام سلماسی



آب‌چینی

آذرماه  
دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۳ | ۱۴۰۰

۲۴





**دو کلام حرف حساب!**  
مدرسه محل بحث است و آموختن؛ محل حل کردن مسئله های زندگی. اگر بچه ها مسئله داشته باشند و اگر مسئله به زندگی آن ها مربوط باشد، خودشان دنبال جواب می گردند. لازم نیست معلم جواب را به بچه بدهد یا مسئله را برایش حل کند، مسئله را ایجاد هم نباید کرد. فقط کافی است محققانه به موضوعات زندگی واقعی بچه ها اندیشید و آن ها را با خود بچه ها مطرح کرد.



# در ارتباط باشیم

## مهارت‌های مشاوره‌ای



دکتر لیلا سلیقه‌دار  
مشاور آموزشی

### مهارت‌های مشاوره‌ای معلم

هنگامی که از مهارت‌های حرفه‌ای معلمان سخن به میان می‌آید، موضوع مهارت‌های مشاوره‌ای معلمان نیز مطرح می‌شود. همان توانایی‌هایی که هر معلمی، نه بر حسب لزوم، در جایگاه مشاور و نه برای ارائه‌ی

خدمات تخصصی مشاوره‌ای، بلکه برای تأثیرگذاری ارتباط در جهت تربیت بدان نیازمند است. شاخص‌ترین نقش معلم، نقش آموزشی است، اما تأثیرهای آشکار و پنهان شخصیت معلم بر دانش‌آموزان انکارناپذیرند. در اجرای نقش مشاوره‌ای معلم، انجام وظیفه‌های رسمی مشاوره مدنظر نیست. به عبارت دیگر، قرار نیست معلم جای مشاور را بگیرد، بلکه منظور این است که معلم بتواند از روش‌های مشاوره برای بهبود روابط خود با دانش‌آموزان و والدین سود جوید و همچنین کیفیت و کارایی آن دسته از مهارت‌های معلمی را افزایش دهد که ماهیت مشاوره‌ای دارند. به عبارت دیگر، معلم با به‌کارگیری این روش‌ها باید مهارت و آداب زندگی را در حرفه‌ی خود به کار بندد.

### فنون مشاوره‌ای معلمان در یک نگاه

در مهارت‌های مشاوره‌ای معلمان حوزه‌های گوناگونی مدنظرند که به‌صورت کلی و برآمده از منابع و مراجع، به چند نکته‌ی زیر می‌توان اشاره کرد:

آنچه در نهایت می‌توان به‌عنوان تکیه‌گاه اصلی در مهارت‌های مشاوره‌ای معلمان در نظر گرفت، ارتباط مؤثر است.

### اجزای توانایی ارتباط مؤثر

در ایجاد ارتباط معلم و دانش‌آموزان گزینه‌هایی همچون ارتباط کلامی و غیرکلامی مؤثر، ابراز وجود، مذاکره، امتناع، غلبه بر خجالت و گوش دادن موجب می‌شوند از آن با عنوان ارتباط مؤثر یاد کنیم. برای تقویت مهارت ارتباط مؤثر که به‌نوعی قلب و اساس مهارت‌های مشاوره‌ای معلمان و نیز از جمله مهارت‌های زندگی است، پیمودن این گام‌ها توصیه می‌شود:

### گام اول: گوش دادن

گوش دادن فقط شنیدن کلامی نیست طرف مقابل به زبان می‌آورد، بلکه شامل این موارد است:

- شناخت گوینده: آگاهی از اینکه گوینده چه ویژگی‌هایی دارد و در چه موقعیتی قرار گرفته است؛
- شناخت دیدگاه گوینده: دانستن این

### ارتباطات انسانی را تسهیل کند

مشاهده‌گری خوب و نسبت به رفتار دانش‌آموزان حساس باشد

خوب گوش بدهد و به‌موقع سکوت کند

والدین را هدایت و راهنمایی کند

مسائل دانش‌آموزان را همه‌جانبه در ابعاد جسمانی، عاطفی، اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی تشخیص دهد

بداند چه وقت دانش‌آموزان به متخصص بهداشت روانی نیاز دارند و آن‌ها را ارجاع دهد

برای ایجاد جو مطلوب در مدرسه بکوشد

فنون مشاوره‌ای



مهارت‌های ارتباطی در کلاس درس

## اجزای توانایی ارتباط مؤثر

گوش دادن



موضوع که گوینده بر اساس چه میزان اطلاعات و مهارتی سخن می‌گوید؛  
 ■ شناخت احساس گوینده: توجه به اینکه چه مسائلی گوینده را نگران می‌کنند، احساساتش چگونه است و انتظارش چیست.

#### تجربه‌ی کلاسی

هنگامی که دانش‌آموزان کلاس در مورد فیلمی که دیده بودند، ابراز ناراضی‌گری کردند و با کلمات و صداهایی مانند «اه...»، «چقدر بد بود»، «حالم بد شد» حرف زدند، به یاد آوردم که آن‌ها تنها کودک کلاس اولی هستند که در ماه‌های اول سال به سر می‌برند و تجربه‌ی چندانی در مورد قرارگیری در موقعیت‌های این‌چنینی ندارند. بنابراین، سعی کردم با صبوری و تأمل بیشتری در آموزش آن‌ها برای بیان واکنش‌های مؤثر کلامی اقدام کنم.

#### گام دوم: صریح و صادق بودن

بدان معنا که معلم باید روشن، واضح و به‌دور از پیچیدگی یا تظاهر صحبت کند.

#### تجربه‌ی کلاسی

وقتی صحبت دانش‌آموزم تمام شد، احساس کردم باید در پاسخ به‌ناراحتی و گریه‌ی زاری‌اش واکنشی نشان دهم تا حالش کمی بهتر شود. به همین دلیل گفتم: «تو یکی از بهترین دانش‌آموزان من هستی و تصور می‌کنم به‌راحتی می‌توانی این کار را انجام دهی.» داشتم همچنان باحرارت صحبت می‌کردم که گفتم: «اما شما دفعه‌ی قبل گفتید که من توانایی زیادی در این زمینه ندارم و بهتر است به‌جای شرکت در این مسابقه به موقعیت دیگری فکر کنم.» متوجه شدم که اشتباه کرده‌ام و تظاهرکردن به چیزی که واقعی نیست، از اعتماد او به من کاسته‌است.

#### گام سوم: همدلی و همدردی

معلم تلاش می‌کند خود را جای مخاطب بگذارد تا بتواند از دریچه‌ی نگاه او به مسئله بنگرد.

#### تجربه‌ی کلاسی

یکی از اتفاق‌های پرتکرار در دوره‌ی

ابتدایی، شکایت دانش‌آموزان از یکدیگر است. برای این منظور گاهی ناچار به مداخله هستیم، چون راه دیگری باقی نمی‌ماند. در یکی از کلاس‌های آموزشی معلمان آموخته بودم چطور با شنیدن احساس و بیان آن، رفتار همدلانه‌ای نشان دهم. در یکی از این مداخلات، وقتی دانش‌آموزم حرف‌هایش را گفت و شکایت کرد، گفتم: «از دست او خیلی عصبانی هستی، این‌طور نیست؟» برقی در چشمان او دیده شد. با خودم فکر کردم چقدر عالی جواب دادم، اما ادامه‌ی کارم اشتباه شد، وقتی گفتم: «حق داری...»، مثل اینکه این نوع قضاوت موجب شد او انتظار داشته باشد برخورد جدی‌تری صورت گیرد و رو به دانش‌آموز دیگر گفتم: «معلم هم با من موافق است...»، در حالی که اصلاً قصد من موافقت و تأیید احساس او نبود، فقط می‌خواستم نشان دهم که حسش را درک می‌کنم. این هم درسی عملی برای موقعیت‌های همدلانه‌ی من شد.

#### گام چهارم: حفظ آرامش

##### و احترام به طرف مقابل

در این ارتباط، به‌جای ارزیابی طرف مقابل و تحمیل نظرات خود، تلاش برای حل مسئله رخ می‌دهد.

#### تجربه‌ی کلاسی

در روزهای دانش‌آموزی خودم تجربه کرده بودم که معلمان غالباً تمایل داشتند در هر زمینه و موقعیتی فقط حرف خودشان را بزنند و اصلاً توجهی نکنند طرف مقابل چه می‌گوید. به همین دلیل، تصمیم گرفته بودم به‌عنوان معلم، دیگر چنین رفتاری نداشته باشم. روزی بسیار شلوغ که کلی فعالیت‌های متنوع داشتیم، از حیاط به آزمایشگاه و از آنجا به کلاس رفته بودیم و حسابی خسته شده بودم، یکی از بچه‌ها گفت: «خانم، من هم می‌توانم بیایم!» آن روز درباره این صحبت کرده بودیم که چه کسانی می‌توانند برای جمع‌کردن وسایل آزمایشگاه مسئولیت بگیرند و چون تصمیم‌گیری صورت گرفته بود، عصبانی شدم و گفتم: «مگر خوابی؟ مسئولان این کار انتخاب شده‌اند.»



دانش‌آموزم کمی مکث کرد و گفت: «برای اینکه بتوانید وسایلتان را تا دفتر مدرسه ببرید، کمک کنم.» از خودم خجالت کشیدم که این‌طور عجولانه و بدون تأمل در اینکه او قصد بیان چه چیزی را داشته قضاوت کرده بودم. متوجه شدم گاهی خستگی و شلوغی کار هم می‌تواند موجب شود به آنچه عقیده و تصمیم داری عمل نکنی، در حالی که تأمل می‌تواند مانع آن شود.

### کام پنجم: مخالفت کردن به شیوهی مناسب

ابراز مخالفت بدون بحث و جدل مخرب که غالباً با بلند کردن صدا، داد و فریاد، خشم و غضب همراه است، نشان از این توانایی دارد.

### تجربه‌ی کلاسی

در کلاس من دانش‌آموزان غالباً به بحث کردن تمایل دارند. می‌دانم که این یکی از بازه‌های رشدی آنهاست، اما برای اینکه بتوانم در مواقع لازم، ابراز مخالفت کنم، روش «خلع سلاح» را در پیش گرفتم. در این روش، ابتدا به بحث و نظر آن‌ها گوش می‌دهم و اگر نکته‌ی درستی بگویند، همان را در ابتدای حرفم قرار می‌دهم. سپس بدون اینکه حس منفی و ناخوبی را

به آن‌ها منتقل کنم، نظرم را بیان می‌کنم. برای مثال وقتی می‌خواستیم برای برنامه‌ی روز بعد تصمیم بگیریم و به‌دلایلی، برنامه‌ی اردو به هم خورده بود، از حرف خودشان استفاده کردم که: «درست می‌گویید، نیاز داریم برنامه‌ای تفریحی و آموزشی داشته باشیم، اما حالا که دیگر امکان برگزاری اردو نیست، چاره‌ای نداریم جز اینکه به دیگر شکل‌های برنامه فکر کنیم و پیشنهاد دهیم.» در ادامه هم همراهی خوب دانش‌آموزان را مشاهده کردم.

### کام ششم: خودشناسی و افزایش آگاهی

شناسایی دنیای ذهنی دیگران، همدلی و همدردی کردن با آن‌ها یا به نتیجه‌رسیدن بحث با دیگران نیازمند خودشناسی و تلاشی برای افزایش اطلاعات و آگاهی‌های خود برای شناسایی دیگران و محیط است تا بتوانیم ویژگی‌های دیگران را واقع‌بینانه‌تر ببینیم و آن‌ها را بپذیریم.

### تجربه‌ی کلاسی

برای اینکه بتوانم با تکیه بر آنچه درباره خودم می‌دانم، انتظاراتی را تعیین کنم، یاد گرفتم نیازمند صرف

وقت، صبوری و تلاش برای تغییر ویژگی‌های منفی خودم هستم. به همین دلیل، وقتی همکار هم‌پایه‌ام به من گفت درباره‌ی نظم کاری، آن‌چنان همراهی لازم را ندارم، به جای اینکه عصبانی شوم و به هم بریزم، کمی فکر کردم، می‌دانستم این ویژگی از جمله نقاط ضعف من است. به همین دلیل تلاش کردم تغییراتی در این زمینه ایجاد کنم.

### کام هفتم: شناسایی افکار تحریف‌شده

گاهی ممکن است افکار کلیشه‌ای مانع از فهم درست دیگران شود و دست‌خوش خطای حسی شویم. شناخت تحریف‌های شناختی در ارتباط‌های انسانی و پیشگیری از آن‌ها بسیار ضروری است.

### تجربه‌ی کلاسی

دانش‌آموزی دارم که هر بار پس از تمام‌شدن کلاس، با ابراز دوست‌داشتن فراوان، به‌سختی از من جدا می‌شود. چون برنامه‌ی این مدرسه به‌صورت شناور ارائه می‌شود، من هفته‌ای یک بار، با این کلاس و این دانش‌آموز درس دارم. در فاصله‌ی بین دو کلاس متوجه شدم همان دانش‌آموز، وقتی مرا می‌بیند، نه‌تنها واکنش احساسی نشان نمی‌دهد، بلکه همانند غریبه‌ها رفتار می‌کند و گاهی اصلاً به من سلام هم نمی‌کند!

در تصور من این بود که چقدر بچه‌ی بی‌عاطفه و سودجویی است (تله‌ی پیش‌داوری) که تا کارش با من است تظاهر می‌کند. اصلاً همه‌ی بچه‌ها همین‌طور هستند (تله‌ی تعمیم)، شاید هم تقصیر خودم است که زیادی به آن‌ها رو می‌دهم (تله‌ی شخصی‌سازی) و حالا بهتر است به‌طور کلی با او رفتار سرد و حساب‌شده‌ای داشته باشم (تله‌ی تصمیم‌گیری شتاب‌زده). اما در گفت‌وگویی که با مشاور مدرسه داشتم، متوجه شدم من اطلاعات صحیح و کاملی درباره‌ی این دانش‌آموز ندارم و از اختلالی که او را رنج می‌دهد نیز اطلاعی نداشته‌ام. این ویژگی کودک که برآمده از موقعیت نامطلوبی در خانواده است، به هیچ‌عنوان ناشی از سودجویی یا بی‌اعتنایی و بی‌احترامی او نیست. از آن مهم‌تر اینکه شامل حال همه‌ی بچه‌های امروزی نمی‌شود.





### پایبندی را فراموش نکنید

مثلاً ورزش کردن را به عادت روزمره تبدیل کنید و به‌طور منظم آن را انجام دهید. روشی عالی برای پایبندی مکرر و همیشگی به ورزش، انجام دادن آن در ساعت و روز مشخص است. به‌طور مثال، می‌توانید طوری برنامه‌ریزی کنید که هر روز بعد از برگشتن از سر کار ورزش کنید.

### به اندازه‌ی کافی بخوابید

سعی کنید در طول روز کارهای خود را سریع‌تر انجام دهید تا شب زودتر بخوابید. خواب برای سلامتی و بهره‌وری مغز مهم است. هیچ جایگزینی برای خواب باکیفیت وجود ندارد. به‌غیر از آشفتگی شیمی مغز، کمبود خواب می‌تواند اشتباه‌های شما را تحریک کند و همچنین استرس را افزایش دهد، بنابراین، هر کاری که می‌کنید، مهم نیست که چقدر سرتان شلوغ باشد. چیزی را با خواب شب عوض نکنید.

### آب فراوان و غذای کافی بخورید

نوشیدن مایعات در طول روز برای حفظ سطح آب بدن ضروری است، پس آن را فراموش نکنید. نوشیدن دو لیوان آب وقتی صبح از خواب بیدار می‌شوید به سلامت شما و بی‌اثر کردن اسید در سیستم گوارشی کمک کند. از طرف دیگر برای حفظ سطح انرژی و کسب بهترین نتیجه، مواد غذایی را از گروه‌های متنوع غذایی بخورید. سعی کنید در برنامه‌ی غذایی خود سبزی را بگنجانید.

### زیست‌بوم خود را دریابید

به منطقه‌ی زیستی خود توجه کنید و سعی کنید ورزش، تغذیه‌ی سالم و سبک زندگی درست را با توجه به آب‌وهوا، جغرافیا و زیست‌بوم محل زندگی‌تان پیش ببرید. اگر در منطقه‌ای پر باران زندگی می‌کنید، در ساعت ورزش، ورزش کردن در کلاس را ترک نکنید، حتی بازی‌های بومی و محلی را اجرا کنید.

**نکته‌ی پایانی:** زندگی سالم به آن اندازه که شما باور دارید سخت نیست. بنابراین، اگر به دنبال بهبود ساحت زیستی و تربیتی بدن خود هستید، از جای خود بلند شوید. لازم نیست با سرعت شروع کنید، فقط کافی است شروع کنید، به یاد داشته باشید که کارهای بزرگ در یک روز اتفاق نمی‌افتند.



## مشق سلامت

توجه به ساحت تربیت زیستی و بدنی

فاطمه دولتی

کارشناس تعلیم و تربیت



سلامتی و نشاط روحی از ضروریات است. معلم نمونه باید برای حضور در کلاس درس و تربیت دانش‌آموزان هم روح و روانی سالم داشته باشد و هم جسمی کارآمد. ورزش بدن را نیرومند و سالم می‌سازد و سلامتی جسم به سلامتی روح انسان کمک می‌کند. حفظ بدن و تأمین سلامتی آن در دین اسلام جزو وظایف اولیه‌ی هر مسلمانی شمرده شده و آن‌قدر ارزش دارد که امام حسین (ع) می‌فرماید: «در تمامی عمر برای سلامتی و حفظ تندرستی بدن‌های خود کوشا باشید» (تحف‌العقول، ص ۲۲۲). پس:

### وضعیت سلامتتان را بررسی کنید

بدن خود را بشناسید و سطح سلامت خود را بررسی کنید. اگر لازم می‌دانید با یک پزشک مشورت کنید تا آزمایش‌های لازم را انجام دهد و مواد مورد نیاز بدن‌تان را بشناسید. اگر قصد دارید ورزش را شروع کنید، از یک مربی تربیت بدنی کمک بگیرید تا بیشتر از سطح توان بدنی خود فعالیت نکنید.

### اهداف واقع‌بینانه داشته باشید

زمانی که تصمیم گرفتید زندگی سالم داشته باشید، برای خودتان برنامه‌ای طراحی کنید که در آن تمام مراحل و اهداف مشخص شده باشند. برای مثال بهتر است تمرینات ورزشی با مراحل آسان شروع شوند. به‌مرور که توان فیزیکی بدن‌تان افزایش یافت، می‌توانید میزان سختی مراحل را بیشتر کنید. مثلاً برنامه‌ی ۳۰ روزه بریزید که هر روز هفته به باشگاه یا پارک یا حداقل تا محل کار خود پیاده بروید.

صبح، وقتی صدای هشدار بیدارباش بلند می‌شود، به‌سختی خود را از رختخواب می‌کنند. همیشه همین‌طور بود، از دوران مدرسه تا حالا که خودش معلم شده بود، صبح‌ها انرژی نداشت، دلش می‌خواست بخوابد، با کسی حرف نزنند و توی خودش باشد. در دوران مدرسه می‌توانست، اما الان که خودش معلم بود و الگوی بچه‌ها، ممکن نبود. چشم دانش‌آموزان به او بود، اگر او بانشاط و سرزنده پا به کلاس می‌گذاشت، شور در کلاس جاری می‌شد و اگر او خسته و نزار به کلاس می‌رفت، دانش‌آموزانش هم شادابی را از دست می‌دادند.

### سلامت را جدی بگیرید

«سلامت»: از مواهب عظیم الهی است که مبنای همه‌ی کمالات بشری و دربرگیرنده‌ی سلامت جسمانی، معنوی، روحی و عاطفی است. توجه به ساحت تربیت زیستی و بدنی از مهم‌ترین عوامل تأمین، حفظ و ارتقای سطح سلامت و برقراری توازن و تعادل قوای بدنی به شمار می‌رود. کسی که می‌خواهد موفق باشد، باید به بدن خود توجه کند، ورزش و توجه به تربیت بدنی در راستای مراقبت از



مریم کیابی  
کارشناس ارشد رفتار حرکتی

راهنمای تور: «اضافه بار داری؟»  
گردشگر: چطور؟

راهنما: «داری به سختی ادامه می‌دهی. به این حالتی که داری، در روان‌شناسی ورزش می‌گوییم «واماندگی». این حالت نمی‌گذارد نتیجه‌های عملکردت حفظ شوند و...»  
کلمه‌ی «اضافه بار» مرا در افکار خودم غرق کرد. اولین تصویری که در ذهنم آمد، خبر رسانه‌ای کامیون چپ‌شده در جاده بود که به خاطر ترکیدن لاستیک بر اثر بار اضافی منجر به خسارت‌های زیاد شده بود. بعد از آن، یاد آتش‌سوزی مغازه‌ی الکتریکی محله‌مان افتادم که بار اضافی از یک هادی عبور کرده و منجر به تولید گرمای بیش از حد شده و آتش‌سوزی وحشتناکی راه انداخته بود... یک خاطره‌ی مهم‌تر یادم آمد. کلاس پرورش‌اندام که می‌رفتم، مربی روی دو مورد

# اضافه بار

نگاه تلفیقی (روان‌شناسی  
و تربیت بدنی) به ورزش

آیندازی

آذرماه

دوره‌ی بیست و نهم

شماره‌ی ۳ | ۱۴۰۰

۳۰





### عامل استرس‌زای جسمانی

در صورتی که علت فشار و بار اضافی، استرس‌های جسمانی هستند، در حالت جدی (ناراحتی‌های مفصلی، مشکلات دستگاه‌های حیاتی) حتماً به پزشک مراجعه کنید. در غیر این صورت، سه راهبرد بازگشت به حالت اولیه وجود دارد:

۱. تغذیه و آب‌رسانی
  - آب بدن را تأمین کنید؛
  - کربوهیدرات مفید بخورید (جوانه‌ها، حبوبات، سیب، کفیر، قازچ، بروکلی و...)
۲. استراحت
  - استراحت بدون فعالیت: شامل ریلکس کردن در آب یا خشکی، بدون هر گونه فعالیت ذهنی و جسمی (حرکت ساواشانا یا جسد به‌روی شکم و پشت)؛
  - استراحت فعال: شامل راه‌رفتن در آب یا در مسیرهای سبز و درختکاری‌شده (پارک‌ها)، تاب‌دادن دست‌ها و پاها در حالت آویزان. در استراحت فعال می‌توان فعالیت ذهنی داشت، ولی هر گونه فعالیتی که استرس و فشار روی عضلات و قلب و ریه ایجاد کند، ممنوع است.
۳. خواب عمیق و کافی
  - استفاده از چشم‌بند، خاموش کردن زنگ تلفن، نوشیدن کمی مایعات ولرم، و رهاسازی عضلات در تخت‌خواب.

### عامل استرس‌زای روان‌شناختی و اجتماعی

۱. آرام‌سازی و حمایت اجتماعی
  - ماساژ، سونای بخار؛
  - کاهش زمان فعالیت رسمی و جدی روی هدف (محدود کردن ساعت کار)؛
  - استراحت ذهنی از طریق سرگرم شدن با یک توانمندی متفاوت (نقاشی، شیرینی‌پزی، گل‌کاری، تغییر چیدمان منزل یا محیط کار و...)
  - هم‌نشینی با خویشاوندان یا دوستان غیر مرتبط با حرفه؛
  - حضور در کلاس‌های ورزشی گروهی.
۲. مدیریت فکر
  - ایجاد گسستگی (تماشای فیلم سینمایی)؛
  - جایگزین کردن فکر مثبت به جای فکر منفی؛
  - حفظ دورنمای مثبت؛
  - یادگیری مهارت‌های خودنظم‌دهی.

خیلی تأکید داشت: اول اینکه برای موفقیت باید از چارچوب راحت‌طلبی خارج شد؛ دوم اینکه سرعت‌دادن سرخود به روند برنامه‌ی تمرینی باعث آسیب‌دیدگی جبران‌ناپذیر می‌شود. مربی تأکید داشت برنامه‌ی تمرینی هر کدامان را بر اساس ظرفیت عملکردی و رعایت اصول اضافه‌بار مربوط به هر فرد نوشته است و هیچ‌کس نباید خودش را با دیگری مقایسه کند و در پایان هر دوره‌ی تمرین، هر کس با توانایی‌های قبل خودش سنجیده می‌شود. من هم واقعاً پیشرفت خودم را در هر دوره‌ی تمرین درک می‌کردم. برایم جالب بود که علم یادگیری و رفتار حرکتی آمده است از یک کلمه با این همه بار منفی، استفاده‌ی علمی و عملی مثبت کرده و روان‌شناسی ورزش هم چقدر خوب از این اصل بهره گرفته است. بار اضافی به‌همان اندازه که می‌تواند صدمه‌زننده باشد، اگر درست بهره‌برداری شود، مفید و چاره‌ساز است.

برای معلم استرس‌ها و فشارها بار اضافی محسوب می‌شوند که آن‌ها را می‌توانیم به چند دسته تقسیم کنیم:

**استرس‌های جسمانی (پرکاری)؛** استرس‌های تدارکاتی (مطالبات مربوط به زمان و موقعیت)؛  
**استرس‌های اجتماعی و بین‌فردی** (نارضایتی از زندگی اجتماعی و اثرگذاری‌های منفی والدین و محیط کاری)؛  
**استرس‌های روان‌شناختی** (انتظارات نابجا از خود یا دیگران، لذت‌نبردن از روند برنامه).

این استرس‌ها در فرد حالتی به وجود می‌آورند که به آن واماندگی می‌گوییم. محصول این حالت روان‌شناختی دو حالت دیگر به نام‌های «تحلیل‌رفتگی و دل‌زدگی از ادامه‌ی مسیر و هدف» است.

از آنجا که معلم با توجه به هدفش، در حال سعی و تلاش وافر است، کمتر متوجه حالت واماندگی در خود می‌شود. در چنین اوضاعی، خودش یا سرگروه کاری، باید رفتار حرفه‌ای او را بازبینی و به‌سمت بهینه‌شدن هدایتش کند. بر اساس نوع بار اضافی (استرس و فشار)، باید راهکارهایی برای برگشت به حالت اولیه به فرد توصیه شود. به عبارت دیگر، فعالیت برگشت به حالت اولیه باید با منبع استرس و بار اضافی هم‌خوان باشد؛ هر چند، به‌طور معمول دلایل واماندگی ترکیبی از عوامل استرس‌زای جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی هستند. به‌عنوان یک همکار تربیت بدنی می‌خواهم چند راهکار برای برگشت به حالت اولیه (کسب مجدد انرژی و انگیزه برای ادامه‌ی برنامه و مسیر هدف) خدمتتان پیشنهاد بدهم:

**قدم اول:** منبع واقعی بار اضافی (استرس) را تشخیص دهید؛

**قدم دوم:** راهبرد مناسب را برای بازگشت به حالت اولیه (ریکاوری) در پیش بگیرید.



# کلاس بدون دیوار



گفت‌وگواز: الهام فراستی  
عکاس: امیرحسین عباسی

گاهی معلم فقط معلم نیست، جریانی فرهنگی است؛ جریانی که به تنهایی می‌تواند نمونه و الگویی برای بسیاری از انسان‌ها، و نه فقط فرهنگیان، قرار گیرد. کسانی که شیرینی این جریان را با تمام وجود حس کنند، همراه آن می‌شوند و این همراهی انقلابی فرهنگی به وجود می‌آورد.

در این شماره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، با شما همراه این جریان فرهنگی می‌شویم.

قاسم کاویانی ۲۸ سال سن دارد. ساکن شهرستان جاجریم از استان خراسان شمالی است. دیپلم ریاضی فیزیک دارد، اما تحصیلات دانشگاهی خود را

در رشته‌ی علوم تربیتی ادامه داده و از دانشگاه فرهنگیان فارغ‌التحصیل شده است. اکنون با ۹ سال سابقه‌ی تدریس، آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی از دبستان امام رضا (ع) در شهرستان جاجریم است. در دو سال اخیر در اداره بوده، اما دلتنگی بچه‌ها را تاب نیاورده و از مهر امسال دوباره به مدرسه برگشته است.

## ■ چه شد که آموزگار شدید؟

ریاضی فیزیک خواندم و دوست داشتم مهندس شوم. از طرف دیگر به مشاوره و روان‌شناسی نیز علاقه داشتم. یکی از برادرانم معلم بود و در روستا تدریس می‌کرد. قبل از کنکور، روزی همراه او به روستا رفتم. وقتی از نزدیک صمیمیت و رفاقت او با دانش‌آموزان روستا را دیدم، خیلی حس و حالم عوض شد. همان‌جا تصمیم گرفتم معلم شوم. از همان موقع هم به داشتن سبک خاص و متفاوت در معلمی فکر می‌کردم. بنابراین، رشته‌ی علوم تربیتی را انتخاب کردم و در دانشگاه فرهنگیان قبول شدم.

## ■ چرا دوره‌ی ابتدایی را برای تدریس انتخاب کردید؟

بچه‌ها در دوره‌ی ابتدایی مثل لوح پاک و سفیدی هستند که شخصیت و هنجارهای اجتماعی در آن‌ها از همین دوران شکل می‌گیرد. تربیت‌پذیر هستند. من دنیای بچه‌ها را خیلی دوست دارم و تمایلم به دوره‌ی ابتدایی بیشتر است. از طرف دیگر، دوره‌ی ابتدایی زمان شکوفایی استعدادهاست. بچه‌هاست. اگر ما فرصت و امکان شکوفایی استعدادها را در اختیارشان قرار دهیم و به آن‌ها اعتماد کنیم، آن موقع است که می‌بینیم چه استعدادهایی دارند.

به نظر من معلم نقش هدایتگری را دارد که دانش‌آموزان را به یادگیری علاقه‌مند می‌کند. از نگاه من، معلم مهمانی در کلاس بچه‌هاست. این نگاه معلم را متفاوت می‌کند.

ما باید به دانش‌آموزان اعتماد کنیم. بچه‌ها آن قدر درونشان پاک است که وقتی ببینند معلم برایشان ارزش و احترام قائل است و به آن‌ها اعتماد دارد، آن‌ها هم با معلم ارتباط صمیمانه برقرار می‌کنند. من موقعیت را برای رسیدن بچه‌ها به شناخت از خودشان فراهم می‌کنم. حتی در این راه از شغل‌های متنوع دعوت می‌کنم در کلاس حضور پیدا کنند و دانش‌آموزان را با حرفه‌های خودشان آشنا کنند.



کلاس بدون دیوار





باشند؛ چراکه الگوی بچه‌ها هستند. همیشه آماده وارد کلاس شوند و اطلاعاتشان را به‌روز کنند. شناخت کافی از وضعیت خانوادگی هر دانش‌آموز داشته باشند. با اهداف کتاب درسی آشنا باشند. انعطاف‌پذیر باشند و بتوانند خودشان را در جایگاه دانش‌آموز قرار دهند. آموزگاران باید با هوش‌های چندگانه آشنا باشند تا بتوانند استعداد‌های دانش‌آموزان را کشف کنند.

دانش‌آموزان کلاس بدون دیوار دانش‌آموزان مرتب و منظمی هستند که منتظر معلم نمی‌مانند تا وارد کلاس شود و درس را شروع کند. آن‌ها مطالب درس جدید را روز قبل پیش‌خوانی می‌کنند و با آمادگی وارد کلاس می‌شوند.

این دانش‌آموزان در برنامه‌های مدرسه نیز فعال‌اند. آن‌ها به آینده و مسیر شغلی خود فکر می‌کنند؛ چون با شغل‌های متنوع آشنا هستند.

دانش‌آموز کلاس بدون دیوار از سؤال کردن نمی‌ترسد. دوستانش را مسخره نمی‌کند. دوست دارد به هم‌کلاسی‌هایش کمک کند و اگر مطلبی را یاد نگرفته است، به او یاد دهد. دانش‌آموز کلاس بدون دیوار می‌داند چه زمانی موقع درس و چه موقع وقت بازی است.

قرار دادم. اسم کلاس بچه‌ها را «کلاس بدون دیوار» انتخاب کردم؛ به معنی کلاس باز و بدون محدودیت.

در این مسیر، به‌طور معمول، دو ماه اول شروع سال تحصیلی برای من سخت می‌گذرد؛ چون باید تفکرات قبلی بچه‌ها را نسبت به کلاس عوض کنم. همچنین، از بچه‌ها نظرسنجی می‌کنم و نظر آن‌ها را در مورد انتظارشان از معلم می‌پرسم. بعد در مورد نظراتشان با هم صحبت می‌کنیم و در نهایت به توافق می‌رسیم. این نظرسنجی در طول سال خیلی به من کمک می‌کند. تئاتر، نمایش و بازی باعث می‌شود روحیه‌ی کار تیمی در بچه‌های کلاس بدون دیوار بسیار بالا رود. من زنگ تفریح‌ها هم کنار بچه‌ها هستم. وقتی دیر وارد کلاس می‌شوم، از بچه‌ها عذرخواهی می‌کنم. وقتی کلاس طولانی می‌شود، از آن‌ها به دلیل اینکه وقتشان را زیاد گرفتم، عذر می‌خواهم.

ما اجازه نداریم خواسته‌ای از دانش‌آموزان داشته باشیم، در حالی که خودمان آن را انجام نمی‌دهیم. من گاهی، از روی عمد، کاغذی روی زمین می‌اندازم و بعد آن را برمی‌دارم و در سطل زباله می‌اندازم. گاهی می‌گویم کلاس چقدر کثیف شده و خودم آن را جارو می‌زنم. بچه‌ها وقتی این رفتارها را ببینند، یاد می‌گیرند و کلاس را از خودشان می‌دانند.

### ■ در دوران کرونا چه کردید؟

بعد از تجربه‌های موفق‌تری که در کلاس بدون دیوار داشتیم، بالاخره تصمیم گرفتم به اداره‌ی آموزش و پرورش استان بروم تا تجربه‌های خود را از طریق سرگروه‌های آموزشی یا دیگر آموزگاران به اشتراک بگذارم. در دو سال اخیر اداره بودم و تجربه‌ی تدریس در ایام کرونا را نداشتم. از مهر امسال دوباره به مدرسه برگشتم.

### ■ آموزگار ابتدایی باید چه خصوصیتی داشته باشد؟

باید خیلی مراقب رفتار، گفتار و ظاهر خود

### ■ کلاس بدون دیوار چگونه است؟

آموزش در کلاس بدون دیوار به کلاس فیزیکی محدود نیست. ما گاهی در کلاس موکت پهن می‌کنیم؛ چون بچه‌ها دوست دارند راحت باشند. گاهی یادگیری در حیاط مدرسه و از طریق بازی اتفاق می‌افتد. گاهی به پارک نزدیک مدرسه می‌رویم و یادگیری در آنجا اتفاق می‌افتد. دانش‌آموزان کلاس بدون دیوار موقع زنگ تفریح عجله‌ای برای بیرون رفتن ندارند؛ چون در کلاس تفریح می‌کنند. گاهی موقع زنگ تفریح من از کلاس می‌روم، اما بچه‌ها می‌مانند و به هم درس یاد می‌دهند.

در کلاس بدون دیوار اگر دانش‌آموز گرسنه باشد، می‌تواند غذایش را در کلاس بخورد. من دانش‌آموزانم را برای دیررسیدن به کلاس بازخواست نمی‌کنم؛ چراکه هر کسی حتی خود من ممکن است دیر برسم و عذر موجهی هم داشته باشم. اگر من شناخت کافی از وضعیت خانوادگی دانش‌آموز داشته باشم، او را برای دیررسیدن به کلاس مؤاخذه نخواهم کرد.

من همیشه دوست داشتم سبک خاصی در معلمی داشته باشم و از دوران دانشگاه به آن فکر می‌کردم. از این رو، خانم توران میرهادی و کلاس فرهاد را الگوی خودم



# آقا معلم

می‌شود: می‌رم برات نبات بسوزونم. شکمتو جمع می‌کنه.

خیلی هم دروغ نگفته‌ام. هم دل پیچه دارم و هم حال تهوع؛ تهوع از گندی که زده‌ام، تهوع از خودم، از این زندگی.

راستش حالا دیگر حالم از زمین و زمان به هم می‌خورد. حتی از یاسمن. اصلا فکر می‌کنم مقصر اصلی اوست. با متلک‌ها و توقع‌های بی‌جایش حسابی اعصابم را به هم ریخت. دل پیچه هم از فردای همان روز آمد سراغم. همان لحظه که وارد کلاس شدم و جای خالی سلیمانی را دیدم. هیچ‌کدام از بچه‌ها هم خبر نداشتند که چرا نیامده. زنگ تفریح طاقت نیاوردم. رفتم ابدارخانه و برای خودم چای ریختم تا عادی باشم و همین‌طور که چای را سر می‌کشیدم، جوری که مشکوک نباشم، از ناظم، تنها همکار مردی که دارم، سؤال کردم.

- سر صبحی پدرش زنگ زد و گفت امروز نمی‌یاد. بعد هم گفت احتمال داره یکی دو

نه، نترس. فقط یه کم دل‌م درد می‌کنه... بیرون‌روی دارم. نمی‌شه که سر کلاس‌هی راه بیفتم برم توالی. دست روی موهایم می‌کشید و می‌گوید: بمیرم برات. گمون کردم... حالا... خیلی شله؟ - چی شله؟

چپ‌چپ نگاهم می‌کند. از نگاه‌های سی سال پیش. همان موقع که درس می‌پرسید و من تو عالم هیروت بودم. دست روی زانوهایش می‌گذاردم و بلند



سالومه اسماعیلی

مامان پتو را از روی سرم می‌کشد.

- پاشو پسر، مدرسه‌ات دیر شد.

پاهایم را مچاله می‌کنم. جرئت ندارم حتی به کلاس و مدرسه فکر کنم. بی‌آنکه چشم‌هایم را باز کنم، با دست دنبال پتو می‌گردم و می‌گویم: مامان امروز نمی‌رم.

- بچه‌جون تو که دیروزم نرفتی!

چشم‌هایم را باز می‌کنم و نگاهش می‌کنم. شانس من انگار امروز حافظه‌اش بگیر شده! دیروز که گفتم بهت، خودشون تعطیل کردند. تعمیرات داشتند. اما الان حال خودم خوش نیست.

دروغ‌های پشت‌سرهم حالم را به هم می‌زنند. مامان دستش را روی پیشانی‌ام می‌گذارد و می‌گوید: تب که نداری، چته پس؟

بعد دوباره پتو را می‌کشد.

- پاشو خودتو نزن به مریضی بچه‌جون. باز درستو نخوندی؟

حالا حافظه‌اش نگیر می‌شود. پرده را کنار می‌زند. آفتاب می‌ریزد روی تختم.

- امشب به بابات می‌گم تکلیفت رو روشن کنه، مگه خونه خالته که هر وقت دلت خواست بری مدرسه!

بلند می‌شوم و روی تخت می‌نشینم. دلشوره‌ام هزار برابر شده. کاش می‌شد تا شب بخوابم!

فکر و خیال سلیمانی دارد دیوانه‌ام می‌کند.

- اگه تو امسال رفوزه نشدی بچه!

- دارم بالا میارم مامان.

پتوی تاشده را بغل می‌گیرد و می‌نشیند کنارم. خاک بر سرم! راست‌راستی می‌گی؟

گونه‌اش سرخ می‌شود. دست لاغر و چروکیده‌اش را تو دست می‌گیرم و می‌گویم:



با خشونت هرگز





روز دیگه هم نیاد.

- نگفت چرا؟ چیزی شده؟

آقای جدی شکلاتی تعارف کرد و گفت:

راستش نپرسیدم دوستی جان. اصل پدر

و مادرش که خبر داشتن. اگه پدرش

می خواست، می گفت دیگه، نه؟

حالا دو روز است مدام فکر می کنم چه

خاکی باید بر سرم بریزم. اگر بلایی سرش

آمده باشد، اگر باز هم خون دماغ شده باشد،

نکند ضربه‌ی مغزی... شاید بستری شده

بیمارستان یا... شاید پدر و مادرش قضیه را

فهمیده‌اند و حالا تو کلاتتری دارند از من

شکایت می کنند و... .

کاش می توانستم بالا بیاورم. دلم می خواهد

انگشتم را ته حلقم بگذارم و استفراغ کنم.

بوی کراهی سوخته می آید. می دوم تو

آشپزخانه. مامان تابه‌ی کوچکی را از دسته‌ی

کوتاهش، بدون دستگیره، گرفته و پرت

می کند روی میز.

- اووووف! دستم سوخت... .

بعد انگشتمش را تو دهان می برد و بیرون

می آورد و فوت می کند. کراهی آب شده را تو

فنجان می ریزد. رنگش به قهوه‌ای می زند.

- بخور. نیاته. اسهالتو خوب می کنه.

کنار گاز، کاغذ دو تا کراهی صد گرمی

افتاده. خدا کند یکپهو همه چیز یادش برود

و برود پی کاری، و گرنه مجبورم می کند دو

تا کره را بخورم.

می نشیند روی صندلی و یک تکه نان بربری

را تو چای می زند و به دهان می گذارد. زل

می زند به چشم‌هایم: د... بخور.

فنجان را بر می دارم.

- داغ داغ بخوری بهتره. یه ذره فوت کن که

نسوزی فقط.

لحنش ملایم شده. باور کرده مریض هستم

و کلک نمی زنم. فنجان را به لبم نزدیک

می کنم و پایین می آورم. چایش را سر

می کشد و می گوید: می دونم بدمزه‌اس. یهو

سر بکش. آب رو آتیشه.

باید بخورم. می ترسم مثل آن روز که

نتوانستم قورمه‌سبزی را که با حنا پخته

بود بخورم، بزند زیر گریه و یادش بیاید

که خیلی چیزها دیگر یادش نمی آید. گریه

برایش سم است. دل را به دریا می زنم و با

خودم می گویم: این زهرمار را که بخورم، باید

زنگ بزنم به مدرسه و یک جور از سلیمانی

خبر بگیرم. یکپهو سر می کشم. بوی کره

دماغم را پر می کند. پایین نرفته عق می زنم.

جلوی دهانم را می گیرم و می دوم سمت

دستشویی و هرچه تو معده‌ام هست را بالا

می آورم. صدای مامان از آشپزخانه می آید،

بلند می گوید: سختی‌اش همین سه چهار ماه

اوله، منم شکم اول همین طوری بودم. آب

هم می خوردم بالا می آوردم.

صدای زنگ تلفن را می شنوم. دهانم را

می شویم. آب خیلی گرم غرغره می کنم. تف

می کنم تا هیچ مزه‌ای از کره تو دهانم نماند.

دل پیچ‌هام بیشتر شده.

از توالت که بیرون می آیم، مامان نشستته روی

کاناپه و پاهایش را دراز کرده. روی پاهایش





بالش گذاشته و تکان تکان می دهد و آرام لالایی می خواند. بغضم می گیرد. کاش می شد سرم را روی پاهایش بگذارم. تلفن دوباره زنگ می زند. مامان عصبانی می گوید: برو ببین کیه! با هزار بدبختی خوابوندمش. آکه بابات بود بگو برای شام سه تا سنگگ بگیره.

آرام و زیر لب می گویم: بابا دوازده ساله مرده مامان... عروس گلته، می خواد باز متلک بارونم کنه. سلام آقای دوستی. کی می رسید ایشالله؟ این روروجها کلاسو گذاشته اند رو سرشون. به تته پته می افتم. صورتم گر می گیرد. چرا این قدر مطمئن بودم یاسمن است که آن طور محکم و طلبکارانه بله گفتم. لحنم را شل می کنم و گوشه را از دهانم کمی دور می کنم: سلام جناب جدی، شرمنده، حالم از دیروز بدتر شده. احتمالاً مسموم شده ام. حالت تهوع و... گلاب به روتون... .

تلفن را که قطع می کنم، باز پشیمانی سراغم می آید. نتوانستم خبری بگیرم. باز هم تلفن زنگ می زند. این بار دیگر یاسمن است. صدبار هم زنگ بزند جوابش را نمی دهم. آخرین بار که با هم حرف زدیم، آن قدر نیش و کنایه زد

و این چهار سال عقد را کوبید تو سرم و ذهنم را آن قدر درگیر کرد که نفهمیدم چه بلایی سر بچه‌ی مردم آوردم. آخرش هم یک خرج بزرگ دیگر گذاشت روی دستم.

بعد چهار سال عقد، امسال دیگه برای عید یه تیکه طلا رو برام می خری دیگه؟ ها؟ دیگه نمی شه با چهار تا شاخه گل و شیرینی سر و تهشو هم بیاری آقا معلم!

مثل خیلی وقت‌ها که دعویمان می شود، قاف آقا معلم را با تشدید گفتم. من بیزارم از این لحن. به خاطر همین وقتی سلیمانی هم آقا را با تشدید گفتم، یاد یاسمن افتادم. هیچ فکر نکردم شاید بچه‌ی بیچاره زبانش گرفته مثلا. مدرسه که تعطیل شد، با کتاب ریاضی اش آمد نزدیکم و گفت سؤال دارد. تبدیل درصد به کسر را بلد نبود. چند تا مثال برایش زدم. نفهمید. دوباره توضیح دادم. این بار برایش شکل هم کشیدم. چیزی نگفتم. کسی تو کلاس نبود. گفتم: فهمیدی دیگه! جوری گفتم که نگوید نه. دیگر حوصله نداشتم، اما گفتم: نه آقا. تشدید گذاشت روی قاف. یاسمن آمد جلوی چشمم؛ قیمت بی حساب و کتاب طلا، قسط عقب افتاده‌ی پراید و عیدی

که یک ماه ونیم دیگر می رسید. پول جور نشده‌ی عروسی... باور هم نکردم مبحث به آن سادگی را که همه‌ی بچه‌ها بلد بودند، یاد نگرفته. کتاب را محکم بستم و با شیرازه اش زدم تو سر بچه‌ی مردم. چشمش پر شد. از دماغش خون آمد. دلم هری ریخت. پاهایم لرزید. بعد تمام تنم و بعد دست‌هایم. زود از جیبم دستمالی درآوردم. خون را پاک کردم. دستمال را مچاله کردم که خودش نبیند. صدایم گرفت.

– عه... چی شد؟ سلیمانی دردت اومد؟ من... می خواستم بگم... که یعنی فرو رفت تو کله‌ات... شوخی کردم پسر... چه ناز نازی هستی... .

دوسه تا دستمالی را که تو کیفم داشتم بیرون آوردم و یکی را چپاندم داخل سوراخ دماغش. – من که محکم نزد... تو آفتاب زیاد بودی؟ سرش را بالا گرفته بود. خون می رفت تو حلقش، قورت می داد. نشاندمش. یک شکلات گذاشتم تو دهانش.

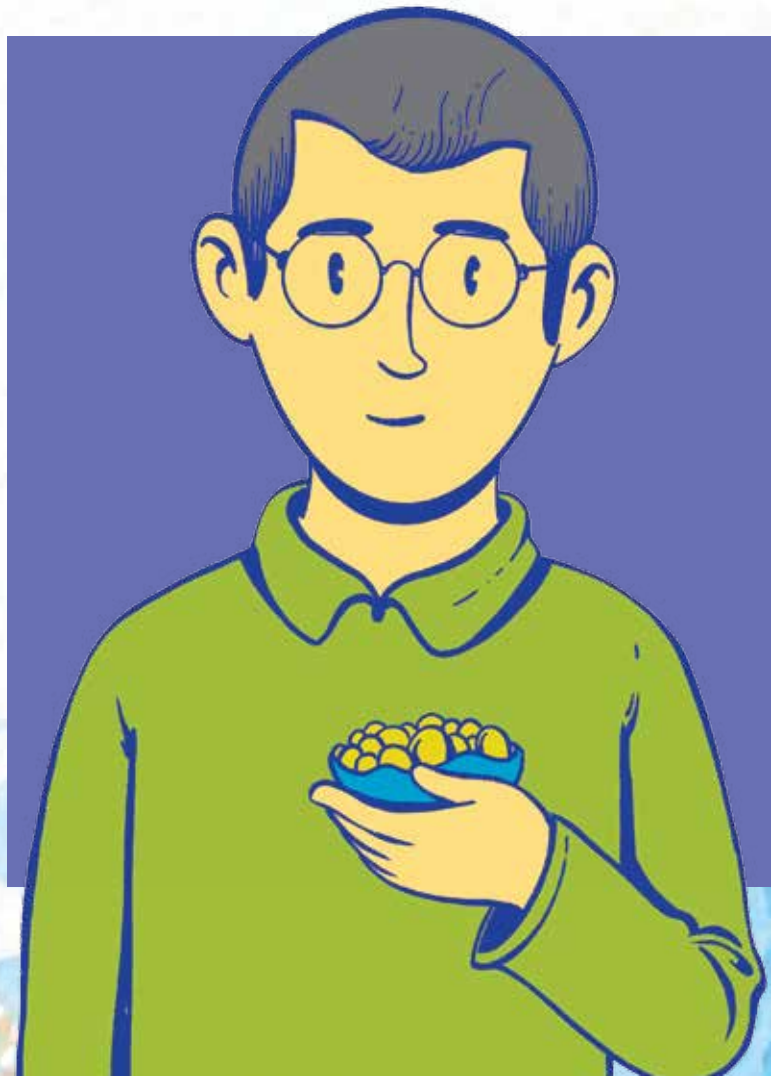
ده دقیقه بعد از جان کندن من خون بند آمد. – خودم می رسونمت.

توی راه چقدر دلم می خواست خواهش کنم به کسی چیزی نگوید! نفهمیدم چطور رانندگی کردم. از یک دقیقه بعد وحشت داشتم. فکر کردم هر اتفاقی که بیفتد، می تواند فاجعه شود. وقتی رسیدیم آدرس و شماره‌ام را نوشتیم: سلیمانی جان، هر وقت خواستی زنگ بزن به گوشیم یا بیا خونمون... هم برای تبدیل درصد به کسر هم هر سؤال دیگه اگه داشتی.

حس یک جنایتکار قاتل را دارم که نشانی اش را جار زده. چشم‌هایم تار شده. تا ته ماجرا را می بینم: میله‌ی زندان. طناب دار... مامان چی می شه؟

– پاشو مامان، ببین این پسره کیه اومده دم در؟ هر چی گفتم نیومد تو. به ساعت نگاه می کنم، از سه گذشته. نگفتم کیه مامان؟

یکی از همین سرتق‌ها که نمی‌ذاره درس بخونی دیگه... چه می‌دونم! کاپشنم را می‌اندازم روی دوشم و پایین می‌روم. در نیمه باز است. چیزی معلوم نیست. فکر می‌کنم مأمور آب یا برق است. بیرون می‌روم. سلیمانی کنار در ایستاده. حس می‌کنم دهانم کج شده! چشمم می‌پرد. نفس نمی‌کشم. منتظر پلیس و دستبند می‌مانم. منتظر پدرش که بیاید و مشت بزند







در تقدیر از پرستاران

زهرای نظام‌الدینی

تو دماغم یا مادرش که چنگ بزند به صورتم.  
- سلام آقا، خدا بد نده.  
چشم می گردانم، تنه‌است. با هیچ کس نیامده.  
نفس می کشم.  
- سلیمانی جان!  
- امروز جاتون خیلی خیلی خالی بود آقا. بچه‌ها  
گفتن دیروزم نیومده بودید.  
زبانم می گیرد.  
- آ... آره. گمونم... م... مسموم شده‌ام.  
- بله آقا. با بچه‌ها سراغتونو گرفتیم از آقای  
جدی.

دستش را دراز می کند و پاکت کوچکی را  
می دهد به من.  
- قابلتونو نداره آقا. تبرکه. از امامزاده‌ی  
شهرستانمون آوردیم براتون.  
پاکت را می گیرم. پر از آب‌نبات‌های  
زنجبیلی پیچ‌پیچ است. لب پاینم  
می لرزد. دندان‌هایم را رویش فشار  
می دهم. مطمئنم آمده خیال من را  
راحت کند. سوغاتی بهانه است. چقدر  
دل‌م می خواهد دست‌هایم را ببوسم!  
چقدر دل‌م می خواهد عذرخواهی کنم،  
گریه کنم!

آب دماغم را بالا می کشم. یکی از آب‌نبات‌ها  
را بیرون می آورم و بو می کنم.  
- به‌به! چه عطری دارند این آب‌نبات‌های  
زنجبیلی.  
- قابل شما رو نداره آقا. ایشالا فردا خوب شید  
بیاید مدرسه.  
تا ته کوچه که می‌رود نگاهم را از  
کوله‌پشتی‌اش بر نمی‌دارم. یکهو داد می‌زنم  
و صدایش می‌کنم. بر می‌گردد. هر دو  
می‌دویم و به هم می‌رسیم. دستم را روی  
شانه‌اش می‌گذارم.

- دیگه خون دماغ نشدی؟  
لیخند می‌زند. انگار چند سال از من بزرگ‌تر  
است. لیخندش آرامم می‌کند.

- نه آقا، اون روز هم شما درست گفتید. زنگ  
تفریح زیاد تو آفتاب بودیم با بچه‌ها.  
آقا را با تشدید می‌گوید. دماغم تیر می‌کشد.  
چشم‌هایم می‌سوزند. بغلش می‌کنم. سرش  
را می‌بوسم. اشکم موهایم را خیس می‌کند.  
دستش را روی لب‌هایم می‌گذارم و می‌گویم:  
بخش منو سلیمانی.

صدای مامان می‌آید که سرش را از پنجره  
بیرون کرده، داد می‌زند: باز تا غروب نمونی تو  
کوچه. زود بیا خونه به درس و مشقت برس.  
الان بابات می‌رسه.

در این واقعه شهید شدند.  
به همین مناسبت، هر سال در ۱۶ آذر،  
با گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهدای  
آن روز و بزرگداشت مقام دانشجو، بر  
جایگاه و نقشی حیاتی که این گروه  
می‌توانند در کشور داشته باشند نیز  
تأکید می‌شود.

**۱۹ آذر؛ ولادت حضرت زینب(س)؛ روز پرستار**  
در میان افراد غیرمسلمانی که در  
رابطه با زینب‌کبری(س) مطالعه و  
تحقیق کرده‌اند، کشیشی ایتالیایی  
مسیحی به نام **پروفیسور کریستوفر  
کلوهسی** است که مذهب وی کاتولیک  
و تحصیلاتش زبان عربی و دین اسلام  
است. این پژوهشگر ایتالیایی، کتابی با  
این عنوان دارد: «نیمی از قلبم؛ زینب،  
دختر علی».

او در کتاب خویش زینب را نمونه‌ی  
تمام‌عیار حقیقت‌جویی و گام‌برداشتن  
در مسیر عدالت‌ورزی معرفی می‌کند.  
تولد حضرت زینب (س) بهانه‌ای است  
تا از این طریق مقام فرشتگانی را ارج  
نهمیم که در پوششی سفید، عشقی از  
جنس ایثار را بی‌هیچ چشمداشتی در  
میان مردم می‌پراکنند.  
در کشور ما تولد حضرت زینب(س)  
به‌عنوان روز پرستار شناخته شده است  
تا بدین‌وسیله بودنشان را سپاس‌گزاریم.

**۳۰ آذر؛ شب یلدا**  
سال‌هاست ما ایرانی‌ها در بدرقه‌ی پاییز  
و استقبال از زمستان گرد هم می‌آییم  
تا با مهر، غم خزان را از دل‌هایمان  
بزدااییم و با گرمای بودنمان سرمای  
زمستان را به سخره بگیریم؛ مبادا که  
دلی بلرزد و آه سردی از نهاد برآید.  
به‌گرد بزرگ‌ترهایمان می‌نشینیم  
تا به کوچک‌ترهایمان ادب و احترام  
بیاموزیم. با مدد از «قرآن کریم»،  
دور هم شعر حافظ می‌خوانیم  
تا اصالت‌مان را به یاد بیاوریم.  
سال‌هاست دقیقه‌ای را بهانه کرده‌ایم  
تا به خودمان یادآوری کنیم:  
زندگی چیزی نیست که سرطاقچه‌ی  
عادت از یاد من و تو برود.



**۴ آذر؛ درگذشت جبار باغچه‌بان**

جبار باغچه‌بان، معلم دنیای سکوت،  
بنیان‌گذار نخستین کودکستان و  
نخستین مدرسه‌ی ناشنوایان ایران،  
اولین مؤلف و ناشر کتاب کودک در  
ایران بود.

**۵ آذر؛ سالروز تشکیل بسیج مستضعفین**

بسیج مستضعفین با فرمان امام خمینی (ره)  
در ۵ آذر ۱۳۵۸ تشکیل شد و پس از  
تصویب مجلس شورای اسلامی در دی  
۱۳۵۹، به‌صورت قانونی رسمیت پیدا کرد.

**۱۰ آذر؛ روز مجلس**

شهید مدرس روحانی مبارزی بود که  
جمله‌ی معروف «دیان‌ت ما عین سیاست  
ماست» از او به یادگار مانده است.

**۱۲ آذر؛ روز جهانی معلولان**

طبق منشوری که سازمان ملل در  
رابطه با سوم دسامبر، مصادف با ۱۲  
آذر، منتشر کرده است، معلولان،  
صرف‌نظر از علت، کیفیت و شدت  
نقص و ناتوانی‌شان، همان حقوقی را  
دارند که سایر هم‌وطنان هم‌سنشان از  
آن‌ها برخوردارند. بهره‌مندی از خدمات  
آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن،  
اشتغال، امکانات تفریحی، حقوق مدنی،  
سیاسی و حفظ حیثیت انسانی معلولان،  
حق ذاتی آن‌هاست.

**۱۶ آذر؛ روز دانشجو**

آذرماه ۱۳۳۲، دانشگاه تهران میزبان  
مردمی بود که برای اعتراض به دیدار  
رسمی **ریچارد نیکسون**، معاون  
رئیس‌جمهور وقت آمریکا، و همچنین از  
سرگیری روابط ایران و انگلستان، در کنار  
هم جمع شده بودند تا در محیط دانشگاه  
اعتصاب و تظاهرات کنند که با برخورد  
شدید نیروهای حکومتی مواجه و سه  
تن از دانشجویان، **مصطفی بزرگ‌نیا** و  
**احمد قندچی** و **آذر شریعت‌رضوی**

# کسی، کج

وقتی با خبر مواجه می‌شویم، ابتدا باید بررسی کنیم آیا خبرنگار به همه‌ی عناصر خبری پاسخ داده یا خیر. بیا بید در ادامه با این عناصر شش‌گانه‌ی خبری بیشتر آشنا شویم:

## که (چه کسی)؟

هر کسی با خواندن خبر باید به‌طور دقیق متوجه شود چه کسی/کسانی یا چیزی، در موضوعی که روایت می‌شود دخالت داشته‌اند. عنصر خبری «که» به‌طور معمول با ارزش خبری «شهرت» در ارتباط است. این عنصر نه‌تنها افراد، بلکه اشیا، گیاهان، حیوانات و بناهای تاریخی را نیز شامل می‌شود. حال با توجه به این توضیحات مختصر، گزینه‌ی مناسب را در جدول انتخاب کنید.

نکته: برای پاسخ‌دادن به جدول‌ها، رمزبندی پاسخ‌سریع این صفحه را پویش (اسکن) کنید و کار را ادامه دهید. به خاطر بسپاریم، هرگاه با یک خبر مواجه شدیم، در چارچوب عنصر خبری «که»، از خود پرسیم: چه کسی یا کسانی به عمد یا سهو در خبر نادیده گرفته‌شده یا حذف‌شده‌اند؟

## چه (چه چیزی)؟

عنصر خبری «چه» بر ماهیت رویدادی متمرکز است که قرار است به خبر تبدیل شود. به‌بیان‌دیگر، موضوع و نوع رویداد با پرسش «چه» مشخص و وقایعی مانند کشف علمی، افتتاح مجتمع آموزشی، بحران خشک‌سالی و نظایر آن از یکدیگر تفکیک می‌شوند. حال لطفاً عنوان‌های

سید غلامرضا فلسفی

ارتباط پژوه



در سومین بخش از سلسله مطالب آموزش سواد خبری، به دومین پرسش کلیدی این سواد نوین می‌پردازیم: «آیا در خبر به تمامی عناصر خبری پاسخ‌داده‌شده است؟»

فرض کنید در تاکسی حضور دارید و از رادیو این خبر را می‌شنوید که: «قرص کرونا آمد». در همین حین به مقصد می‌رسید و بقیه‌ی خبر را نمی‌شنوید. اما شنیدن آن تیترا خبری، ذهنتان را درگیر پرسش‌هایی کرده است؛ پرسش‌هایی مانند اینکه چه کسی و چگونه آن دارو را تولید کرده و یا چه زمانی داروی مذکور در دسترس بیماران قرار می‌گیرد؟

بدیهی است پاسخ این قبیل پرسش‌ها در همان لحظه‌ی اول و پس از شنیدن تیترا خبر دریافت نمی‌شود. لذا فعالان حوزه‌ی خبر تلاش می‌کنند در پی وقوع حوادث و رویدادهایی از این دست، به پرسش‌های شهروندان پاسخ دهند. شش پرسشی که خبرنگاران در مواجهه با رویدادها و برای اطلاع‌رسانی به ما موظف‌اند به آن‌ها پاسخ دهند، «عناصر خبری» نام دارند که در دیگر کشورها به سؤال‌های W&H شهره‌اند. عنوان‌های این شش عنصر خبری را در پایین ملاحظه می‌کنید:

●	چه کسی؟
●	چه چیزی؟
●	کدام مکان؟
●	چه زمانی؟
●	چرا؟
●	چطور؟

آزمایش  
ابتدایی

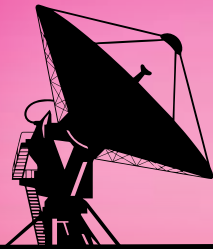
آزمایش  
دوره‌ی بیست و نهم  
شماره‌ی ۳ | ۱۴۰۰

۳۸



# ا، چ، را؟

# ا، چ، را؟



عناصر خبری

رویدادهای جدول ۲ را ملاحظه و سپس جدول را کامل کنید.

### کجا (کدام مکان)؟

به واسطهٔ عنصر خبری «کجا» تلاش می‌شود به پرسش درباره‌ی محل وقوع رویداد پاسخ داده شود. اهمیت و حساسیت پاسخ به کجایی محل وقوع رویداد، زمانی بیشتر می‌شود که پای ارزش خبری «مجاورت» به میان آید. به‌طور مثال، به محض اینکه از خبر وقوع زلزله آگاه می‌شویم، اگر بدانیم این حادثه در نزدیک‌ترین فاصله از محل زندگی ما، بستگان و آشنایمان رخ داده‌است، جزئیات مربوط به خبر برایمان مهم‌تر می‌شود. حال با این شرح مختصر و پس از مطالعه‌ی تیتراهای مندرج در جدول ۳، لطفاً قسمت‌های خالی را کامل کنید.

### کی (چه زمانی)؟

یکی از عنصرهای مهم خبری، «کی» است. تازگی خبر اهمیت فراوان دارد. رسانه‌ها همواره به اخبار تازه می‌پردازند و حتی برای انعکاس سریع‌تر خبر با هم رقابت می‌کنند. رسانه‌ها می‌کوشند همیشه تازه‌ترین اخبار را منتشر کنند و در مورد اخبار مربوط به رویدادهای قدیمی نیز زمانی به‌طور مجدد اقدام به خبررسانی می‌کنند که جزئیاتی تازه در مورد یک رویداد قدیمی یافت شده باشد: مانند پیداشدن جعبه‌سیاه هواپیمای سانحه‌دیده‌ی مسیر تهران- یاسوج در سال ۱۳۹۶ که یک ماه پس از سقوط در ارتفاعات دنا پیدا شد. حال عنوان‌های اخبار جدول ۴ را

ملاحظه و سپس جدول را کامل کنید.

### چرا (علت)؟

عنصر خبری «چرا» سبب وجود رویداد را اعلام می‌کند. خبرنگار پاسخ این عنصر خبری را نمی‌دهد، بلکه برای پاسخ به آن، به سراغ منابع اصلی خبری، از جمله متخصصان، کارشناسان یا متولیان امر می‌رود. به‌طور مثال، اگر اعلام شود امتحانات نهایی دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم یک هفته به تأخیر افتاد، چرایی یا علت وقوع این اتفاق را مسئولان مربوط در حوزه‌ی ستادی یا اداره‌های کل باید توضیح دهند. در جدول شماره‌ی ۵ برخی عنوان‌های خبری را مشاهده می‌کنید. لطفاً پس از مطالعه‌ی آن‌ها، عنصر خبری «چرا» را بیابید و جدول را کامل کنید.

### چگونه (چطور)؟

عنصر خبری «چگونه» یا چطور، تلاش می‌کند نحوه‌ی وقوع یک رویداد را برای شهروندان تشریح کند. چرایی و چگونگی از جمله عناصر خبری محسوب می‌شوند که در همان لحظات اول وقوع رویداد ممکن است مشخص نشوند؛ مانند جزئیات سقوط هواپیما که نیازمند کارشناسی و بررسی است.

### تحلیل نهایی

حال که به نسبت با عناصر شش‌گانه‌ی خبری آشنا شدید، از میان انواع منابع خبری (روزنامه‌ها، برنامه‌های رادیویی یا تلویزیونی، محتوای ویدیویی برخط و مانند آن‌ها) یک خبر را انتخاب و پس

از دنبال‌کردن عناصر خبری بر اساس پرسش‌های مطرح‌شده در جدول ۶، آن را تحلیل کنید:

عنوان خبر: ...

نام خبرنگار: ...

تاریخ انتشار خبر: ...

نام منبع خبری / رسانه‌ی منتشرکننده: ...

### پرسش‌های خبری و یافته‌های شما

- خلاصه‌ای از موضوع خبر انتخابی خود را یادداشت کنید.
- کدام عناصر خبری در موضوع آمده‌اند؟
- چه کسی / کسانی (افراد یا سازمان‌ها) درگیر موضوع بوده‌اند؟
- خبرنگار به چه چیزهایی بیشتر پرداخته است؟
- موضوع در کجا اتفاق افتاده است؟
- رویداد چه زمانی به وقوع پیوسته است؟
- چرا این موضوع اتفاق افتاد؟
- چگونه این رویداد اتفاق افتاد؟
- خبرنگار کدام موارد مرتبط با موضوع را به سهو یا عمد ذکر نکرده است؟
- آیا خبرنگار به همه‌ی پرسش‌های پیرامون موضوع پاسخ داده است؟
- جمع‌بندی خود را از خبری که تجزیه و تحلیل کردید، بیان کنید.

# بازی در مدرسه‌ی خانگی

تمنا رستگار

پژوهشگر و طراح آموزشی

- نبود انگیزه‌ها و انگیزش‌های کافی در همه‌ی خانواده‌ها؛

- کمبود اوقات فراغت لازم والدین برای اختصاص بخش مفید و مؤثری در بازه‌های زمانی مشخص به همراهی و حمایت تحصیلی فرزندان.

این عوامل همچنین باعث محروم‌ماندن تعدادی ازدانش‌آموزان از سهم همگن و عادلانه‌ی حمایت آموزشی و پرورشی خانوادگی می‌شوند.

در این شرایط، نقش معلمان به مراتب بارزتر و حساس‌تر می‌شود، زیرا آن‌ها باید علاوه بر طراحی فعالیت‌های یادگیری با محوریت بازی، والدین را در تفهیم ارتباط اهمیت بازی در یادگیری دانش‌آموزان همراهی کنند.

ممکن است والدینی از حدود بهره‌وری کیفی و کمی تحصیلی فرزندشان در وضعیت آموزش از راه دور و غیر حضوری بی‌اطلاعی نسبت به آن بی‌انگیزه و گاهی نگران باشند و پرداختن به «بازی» راه به‌دلیل مفهوم سنتی آن، مُخل استفاده‌ی مفید از وقت فعال تصور کنند

اقامت و سکونت، به محیطی چندمنظوره بدل شده است. خانه به محل تحصیل تبدیل شده، «مدرسه‌ی خانگی» شکل گرفته و در نتیجه والدین در قالب «والدین - معلم» جایگاهی تازه یافته‌اند.

در این میان، عوامل مؤثری وجود دارند که شکاف فاحش تعلیم و تربیتی را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند، برخی از این عوامل عبارت‌اند از: - ناآشنایی اکثر قریب به اتفاق والدین با روش‌ها و رویکردهای جدید تعلیم و تربیت؛

- نبود سطح سواد و فرهنگ یکسان؛

همه‌گیری ویروس کرونا در تمامی جوامع بشری، در کنار انواع آسیب‌های جانی، اقتصادی و اجتماعی که پیامدهای آن زندگی انسان را در حوزه‌ها و عرصه‌های گوناگون، دستخوش دگرگونی‌ها و چالش‌های متعدد کرده است، به ظهور الگوی نوینی از کسب زندگی انجامیده که می‌توان آن را سبک زندگی «خانه‌محور» تعریف کرد.

در این سبک جدید زندگی، خانه، فراتر از مفهوم معمول و سنتی خود، به‌معنای محل



عکاس: مریم فرحی

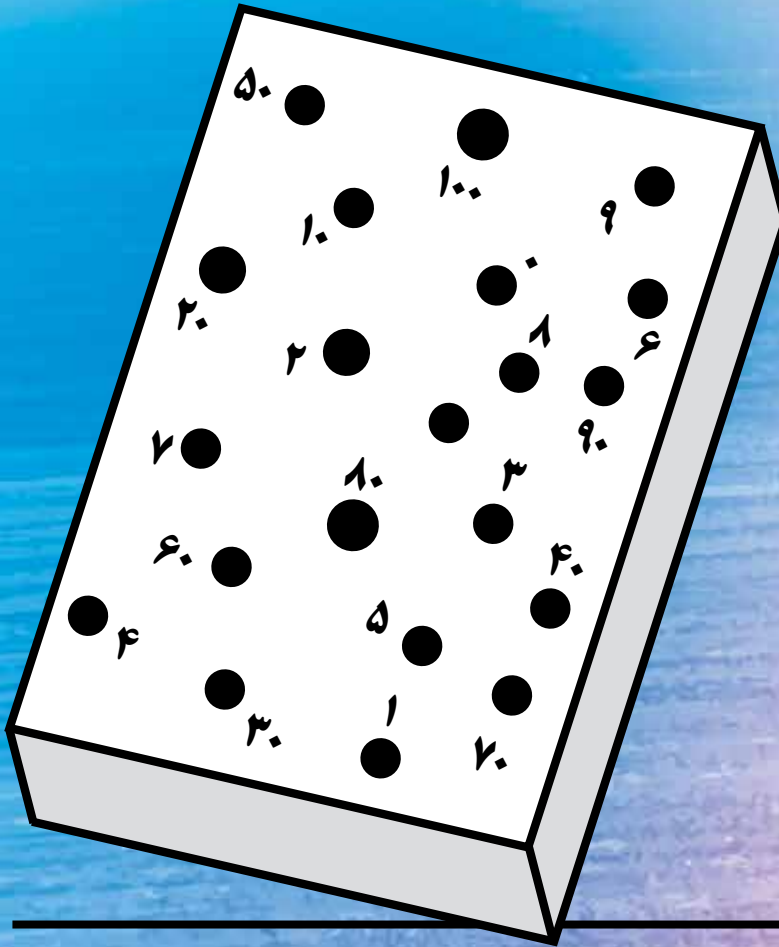
آیندپژوی

آذرماه

دوره‌ی بیست و نهم  
شماره‌ی ۱۴۰۰ | ۳

۴۰





و ترجیح دهند فرزند خود را با روش‌های ملموس و آشنای قدیمی که خود آموخته‌اند، آموزش دهند.

بنابراین، معلمان مجرب و کارآزموده می‌توانند از راهکاری غیرمستقیم، برای تثبیت «بازی آموزشی» در فرایند یاددهی و یادگیری استفاده کنند که آن همسوسازی والدین از طریق هدایت و راهنمایی آن‌ها در تهیه و تولید ابزار و وسایل بازی‌های آموزشی و فراهم کردن امکانات آن‌ها در قالب انجام «فعالیت‌های یادگیری (تکالیف درسی)» است تا والدین، فارغ از تمامی اختلافات ساختاری خود، «بازی» را جزو تفکیک‌ناپذیر فرایند تحصیلی فرزندشان بشناسند و بپذیرند.

با وجود اینکه باز هم چندگونگی سطوح اجتماعی، تحصیلاتی و فرهنگی، همین‌طور سطوح اقتصادی و سطح درآمد خانواده می‌تواند از موانع بازدارنده باشد، لیکن معلمان باتجربه به خوبی می‌دانند که در میان آسیب‌پذیرترین خانواده‌ها از نظر اقتصادی و محروم‌ترین آن‌ها از منظر علمی و فرهنگی، بارقه‌های درخشانی از مهارت‌های دستی و سازهای وجود دارد.

بنابراین، باز هم این هنر معلمی است که فعالیت بازی آموزشی را به‌گونه‌ای طراحی کند که بدون وارد آمدن فشار و محدودیتی به خانواده، والدین را به‌همراهی در این راهکار مهم آموزشی ترغیب کند.

قابل اندازه‌گیری بودن نتایج بازی و فراهم کردن امکان مشاهده‌ی پیشرفت دانش‌آموز، از مواردی هستند که باید در طراحی بازی‌های آموزشی خانگی مدنظر قرار گیرند که مشهودترین آن‌ها، مشخص شدن سیر صعودی کسب مهارت‌های مورد انتظار در دانش‌آموز است.

از این گروه بازی‌های آموزشی که می‌توانند به‌صورت تکالیف درسی خانگی با همکاری والدین و اعضای دیگر خانواده، دو یا چند نفری، انجام شوند، می‌توان به چند نمونه اشاره کرد:

### بازی جعبه‌ی ریاضی وسایل مورد نیاز:

- جعبه‌ی مقوایی یا کارتن خالی
- پنج عدد تیله‌ی معمولی
- ماژیک یا مداد سیاه
- مداد و کاغذ
- پشت جعبه‌ی مقوایی یا کارتن خالی،

دوم ابتدایی می‌توانند جمع عددهای تیله‌ها را به‌طور ذهنی محاسبه و عدد نهایی را یادداشت کنند. دانش‌آموز (بازیکن) باید سعی کند در هر دور از بازی که تعداد دورها بنا به توافق و تمایل تعیین می‌شود، با انداختن تیله‌ها در سوراخ اعداد بزرگ‌تر، به جمع بزرگ‌تری برسد.

دایره‌هایی به قطر کوچک‌تر از یک تیله ایجاد می‌کنیم، به‌طوری‌که تیله در آن‌ها بیفتد و از سوراخ‌ها نگذرد. اعداد ۰ تا ۹ و ۱۰ تا ۹۰ را به‌شکل پراکنده، کنار هر سوراخ می‌نویسیم. عدد ۱۰۰ در بالاترین قسمت جعبه قرار می‌گیرد و حفره‌ی بزرگ‌تر دارد که به مفهوم امتیازی است برای چندبار افتادن تیله‌ها در این حفره. هر بازیکن باید تیله‌ها را یکی‌یکی روی نقطه‌ی آغاز بگذارد و با تکان دادن جعبه، آن‌ها را به داخل سوراخ‌ها بیندازد.

خارج شدن تیله‌های افتاده در سوراخ‌ها به‌منزله‌ی از بین رفتن امتیاز عدد آن است و افتادن تیله در سوراخ ۱۰۰ بالاترین امتیاز را دارد. بازیکنان، پس از هر بار افتادن تیله در یکی از سوراخ‌ها، عدد به‌دست‌آمده را روی کاغذ می‌نویسند. به‌شکل گسترده (باز) عدد نهایی مجموع را که حاصل پنج بار افتادن تیله‌ها در سوراخ‌هاست، به دست می‌آورند. دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر از

### مهارت‌هایی که در این بازی تقویت می‌شوند

- دقت و توجه؛
- هماهنگی حواس و اندام‌ها؛
- کنترل هدفمند مهارت‌های جسمی و حرکتی؛
- محاسبه و عددنویسی؛
- تشخیص رابطه‌ی کوچک‌تر و بزرگ‌تر بین اعداد و جمع فرآیندی؛
- چابکی و سرعت واکنش.

# رمزیننه



مریم شهر آبادی



رمزیننه خوان رشد



<https://www.roshd.ir/qrcodeapp>



**تعریف رمزینسه:** رمزینسه پاسخ سریع (کیوارکد) روشی است برای کدگذاری مطالب متنوعی مانند نام، ایمیل، نشانی سایت، کد محصول، توضیحات و... که حاصل آن یک تصویر است. این تصویر با استفاده از اکثر گوشی‌های دوربین‌دار قابل فهم است. رمزینسه‌های داخل کتاب‌های درسی یا صفحات آن، دانش‌آموزان را به‌طور مستقیم وارد «شبکه‌ی ملی رشد» و محتوای مکمل کتاب شامل فیلم و غیره می‌کند.

همان‌طور که تا کنون متوجه شده‌اید، امسال تغییری در کتاب‌های درسی صورت گرفته که بی‌سابقه بوده است. کتاب‌های درسی، مثل مجلات رشد و همین مجله، به «رمزینسه‌های پاسخ سریع» مجهز شده‌اند. در کتاب درسی، برای هر یک از مباحث درسی، فیلم آموزشی متناسب تولید شده و در سامانه‌ی رشد وزرات آموزش و پرورش قرار گرفته است و لینک آن محتوا به‌صورت رمزینسه‌ی پاسخ سریع در کتاب چاپ شده است. دانش‌آموزان می‌توانند با اسکن آن‌ها محتوای تکمیلی درس خود را در اختیار داشته باشند؛ یعنی به‌غیر از متن کتاب و توضیحات معلم، از فیلم‌های آموزشی نیز بهره ببرند.

**شبکه‌ی ملی رشد:** شبکه‌ی رشد همانند یک بسته‌ی آموزشی است که نظام آموزشی کشور ایران را در رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی یاری می‌کند. محور اصلی آن تقویت، تکمیل و تعمیق تمام برنامه‌ها و همچنین فعالیت‌های مربوط به مدرسه است. این شبکه کاملاً آموزشی است. مطالب آن از نظر علمی صحیح هستند و متناسب با گروه‌های سنی دانش‌آموزی، طبقه‌بندی و سازمان‌دهی شده‌اند. صفحه‌ها ساده و متنوع هستند و البته تعاملی.

**نرم‌افزار رمزینسه‌خوان رشد**  
در شرایط آموزش غیرحضوری و شاید تلفیقی و در روزگاری که انواع روش‌های تعاملی و چندرسانه‌ای خودنمایی می‌کنند، چنین تحولی در کتاب درسی ضروری می‌نماید. هر چند که این راه تنها یکی از شیوه‌های تعاملی و چندرسانه‌ای شدن کتاب درسی است، اما آغاز راه قرار داریم و امید است در ادامه و در سال‌های آینده گام‌هایی بهتر و فناوریانه‌تر در این باره برداشته شود.

در طول همین مدت کوتاه بعضی معلمان و مدرسه‌ها از این امکان به‌خوبی استفاده کرده‌اند و بعضی نیز به آن بی‌توجه بوده‌اند. طبیعی است این رمزینسه‌ها و محتوای تکمیلی آن‌ها برای دانش‌آموزان بسیار جذاب هستند و معلمان خلاق می‌توانند با استفاده از آن‌ها کلاسی کارآمدتر داشته باشند. نظرات چند آموزگار از چند استان در این باره به دفتر مجله رسیده است. آن‌ها از تجربه‌های استفاده از رمزینسه‌ها گفته‌اند و آن را نقد کرده‌اند و مزایا و معایب آن را برشمرده‌اند. ان‌شاءالله در شماره‌های آینده این تجربه‌ها را مرور می‌کنیم. اما در اینجا می‌خواهیم درباره‌ی چیستی این رمزینسه‌ها بیشتر صحبت کنیم.

تمامی کسانی که با آموزش سروکار دارند، اعم از معلمان، دانش‌آموزان و اولیا و نیز کارشناسان، مخاطبان این شبکه محسوب می‌شوند. رمزینسه‌ی صفحه‌سمت راست را پوش (اسکن) کنید تا ضمن آشنایی مختصر با بخش‌های متنوع شبکه‌ی رشد، چگونگی استفاده از آن را نیز بیاموزید.

**دکتر حسن ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی**  
یکی از راهبردهای برنامه‌ی ما در ارتباط با کتاب‌های درسی، غنی‌سازی آن‌هاست. غنی‌سازی به این معنا که اعتقاد داریم کتاب درسی، ولو در مناسب‌ترین شکل خودش تدوین شود، به‌طور ذاتی دارای محدودیت است. یکی از راه‌حل‌های جبران این محدودیت، ایجاد امکان نصب رمزینسه‌های پاسخ سریع در کتاب‌هاست تا دانش‌آموزان بتوانند به محتواهای بیشتری دسترسی پیدا کنند؛ دانش بیشتر و متنوع‌تر، فیلم‌های مؤثرتر و سایر اجزای مؤلفه‌های تربیت و یادگیری مؤثر. برای حدود ۲۰۰ کتاب ابتدایی این کار انجام شده است.



# خاک شو تا گل بروی رنگ رنگ



فریبا مؤبدنبا

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، خوی

## تغییر کردن

یکی از کتاب‌هایی که به تازگی برای نورا، فرزند پایه‌ی اولی‌ام، خوانده‌ام، کتاب «مغز خمیری، مغز سنگی»، اثر جولیا کوک است. در کتاب آمده است: «مغز خمیری دوست دارد با ماجراجویی‌های مختلف خوش بگذراند، مطالب جدید یاد بگیرد و خیلی نگران اشتباه‌هایی نباشد که ممکن است پیش بیایند. اما مغز سنگی هر چیز را همان‌گونه می‌پذیرد که هست. او فکر می‌کند نمی‌شود هیچ کاری برای بهتر کردن آن انجام داد. در

ادامه‌ی داستان این کتاب، که نقاشی‌های کودکانی زیبایی هم دارد، مغز خمیری به مغز سنگی یاد می‌دهد چگونه پوشش سنگی‌اش را بردارد و خودش را آزاد کند. او به مغز سنگی می‌گوید: «مغز تو در ظاهر شبیه سنگ است، فقط کافی است آن را از بسته‌بندی‌اش در بیاوری که خیلی هم ضخیم نیست.» مغز سنگی پوشش سنگی‌اش را در می‌آورد و می‌بیند که می‌تواند رشد کند، کش بیاید، آرزوهایش را بزرگ‌تر کند، تغییر کند و یاد بگیرد که تغییر کردن بهتر از یکنواخت بودن است.

## انعطاف‌پذیری

در حال شنیدن یکی از سخنرانی‌های آقای دکتر عبدالرحمن نجل رحیم هستیم: «مغز کودکان در سنین کودکیستان، مدرسه و بلوغ، انعطاف‌پذیری و پتانسیل بسیار بالایی دارد تا به سمت‌وسوی هر آموزشی برود که به او داده می‌شود؛ اما از سوی دیگر، ضربه‌ها و آسیب‌هایی هم که در دوره‌ی کودکی به مغز انسان وارد می‌شوند، تبعات بیشتری دارند و هرچه در سنین کمتری اتفاق افتاده باشند، جبران ضایعاتشان سخت‌تر است.» این‌ها را که می‌شنوم، در نظرم محسوس می‌شود آسیب و تلاطمی که در درون ظرف کوچک آب، به دنبال انداختن قطعه‌سنگی، اتفاق می‌افتد، نسبت به آسیبی که انداختن همان سنگ در یک ظرف بزرگ ایجاد می‌کند، به مراتب بیشتر است. راستی، آیا یکی از بدترین و جبران‌ناپذیرترین آسیب‌های مغزی دوران کودکی، پروراندن مغزهای سنگی نیست؟

## معنادار کردن تجربه‌ها

در مغز حدود ۶۰ تا ۱۰۰ میلیارد سلول عصبی (نورون) وجود دارد که به‌گمان من به‌مثابه‌ی سیستم سخت‌افزاری کامل و مناسب برای هدایت بهینه‌ی رفتارها و فعالیت‌های زندگی انسان است. اما همین سیستم سخت‌افزاری پیچیده و کامل، در صورتی که به‌وسیله‌ی سیستم نرم‌افزاری قوی آموزشی- فرهنگی حمایت نشود، کارایی چندانی ندارد. چون به‌تعبیر خوب یکی از استادان، داشتن مغز کامل به‌مثابه‌ی این است که همه‌ی خانه‌های شهر دستگاه تلفن داشته باشند. اما آیا در صورتی که

سیم‌کشی شبکه‌ی مخابرات در میان آن‌ها وجود نداشته باشد، این همه تلفن در عمل کارایی خواهند داشت؟ متخصصان می‌گویند عامل مهمی که سیم‌پیچی‌های میان سلول‌های عصبی مغز را تولید می‌کند، توسعه می‌بخشد و توانمندی‌های مغز انسان را ارتقا می‌دهد، تجربه‌های غنی، متنوع و معنادار زندگی اوست.

## قابلیت تفکر

حال پرسش این است که در عصر ما، تجربه‌های غنی، متنوع و معنادار در زندگی کدام‌اند و نظام آموزشی و والدین چگونه می‌توانند زمینه و بستر این قسم تجربه‌ها را برای فرزندان خود فراهم کنند؟ آیا انباشتن اطلاعات و دانش صرف در مغز کودکان به پرورش و توسعه‌ی توانمندی‌های مغزی آنان کمک می‌کند؟ متأسفانه خیر. چون همچنان که حجم زیاد حافظه‌ی اشغال‌شده در رایانه باعث کاهش کارایی و سرعت بازیابی اطلاعات آن و در نهایت مختل شدن (هنگ کردن) سیستم می‌شود، انباشت انبوه اطلاعات و داده‌ها در فضای ذهنی انسان هم غالباً نه تنها موجب یادگیری بیشتر و عمیق‌تر نمی‌شود، بلکه به‌طور معمول خاموشی خلاقیت و نبوغ، فرسودگی فکر و ذهن و کاهش کارایی قابلیت‌های تفکر را نیز به دنبال دارد. شهید مطهری در این رابطه در تمثیل جالبی می‌گوید، معده‌ای که بیش از حد غذا واردش شود، فرصت هضم کردن نمی‌یابد، چراکه در این صورت اعمال گوارشی اختلال می‌یابند و عمل جذب هم در روده‌ها به‌خوبی صورت نمی‌پذیرد. مغز انسان هم همین‌جور است (مطهری، ۱۳۹۶: ۲۳).

## پر کردن یک کیگ حافظه

حالا لطفاً به نکته‌ای توجه کنید که آن را از آقای دکتر محمدرضا سرگلزایی شنیده‌ام: اخیراً دانشمندی توانسته است با روش‌هایی خاص، حجم حافظه‌ی انسان را در حدود نیم تا حد اکثر یک کیگ تخمین بزند. این در حالی است که رایانه‌های امروزی حداقل ۵۰۰ گیگ حافظه دارند و تازه حافظه‌ی رایانه از نظر بازیابی و طبقه‌بندی اطلاعات از حافظه‌ی انسان بسیار قوی‌تر است و علاوه بر این،

در صورت اتصال به اینترنت، به بی‌نهایت اطلاعات قابل ارتقاقت. بنابراین، در عصر ما دادن اطلاعات به دانش‌آموز آخرین کاری است که معلم باید انجام بدهد. سخنان دکتر سرگلزایی مرا به یاد سخن معروف آلبرت اینشتین می‌اندازد که گفته بود: من مغزم را با چیزهایی پر نمی‌کنم که می‌توان در کتابخانه‌ها و دایرةالمعارف‌ها پیدا کرد (مجیدی، ۱۳۸۰).

### پیوند یادگیری با زندگی

کنفوسیوس می‌گوید: «آنچه را می‌شنوم، فراموش می‌کنم. آنچه را می‌بینم، به خاطر می‌سپارم و آنچه را انجام می‌دهم، درک می‌کنم.» با این اوصاف، به نظر می‌رسد آنچه پدران و مادران و آموزشکاران باید بدانند این است که استفاده از روش‌های آموزشی غیرمستقیم، نوین و خلاق، در یادگیری فرزندانمان بسیار مؤثر است و آموزش‌ها و اطلاعاتی که ما به ایشان می‌دهیم، زمانی برای آن‌ها معنادار می‌شوند که بتوانند آن اطلاعات و آموزش‌ها را به خود و زندگی، شهر، مردم و جامعه پیوند بزنند و نحوه بهره‌گیری از آن‌ها را در زندگی بیاموزند. پس لازم است محتوای آموزشی را تا جای ممکن با عوالم شخصی، خانوادگی و اجتماعی فراگیرندگان مرتبط ساخت. در این صورت، می‌توان انتظار داشت همه‌ی درس‌های آموزشی به پیامدهای تربیتی منجر بشوند و آن‌گاه تعلیمات دینی به رغبت دینی، معلومات تاریخی به بینش سیاسی، بینش اجتماعی به مهارت‌های زندگی، هندسه و ریاضیات به تفکر منطقی، هنر و نقاشی به خلق و آفرینش ادبی و ادبیات فارسی به تأدیب و آراستگی وجود انسان خواهد انجامید (کریمی، ۱۳۸۴).



منابع

۱. عبدالعظیم کریمی (۱۳۸۴). تربیت طربناک. ج ۴. مؤسسه‌ی منادی تربیت. تهران.
۲. اردوان مجیدی (۱۳۸۰). نظام برتر. نشر ترمه. تهران.
۳. مرتضی مطهری (۱۳۹۶). تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا. قم.

آزمایش  
ابتدایی

آذرماه

دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۲ | ۱۴۰۰

۴۵



# TechSmith

## Snagit



## درس بده و فیلم بگیر



آموزش نحوه ترسیم اشکال  
در نرم افزار snagit

کار با این نرم افزار کاربردی و استفاده‌ی بهینه از امکانات و قابلیت‌های آن، به دانش تخصصی خاصی نیاز دارد.

نرم افزار Tech Smith Snagit در ویرایشگر خود این امکان را برای شما فراهم می‌کند که به راحتی تصویرهای خود را ویرایش کنید. شما می‌توانید عناصری مانند متن، شکل و کادر و نیز جلوه‌های متنی و تصویری زیبایی به آن بیفزایید. برخی از ویژگی‌ها و قابلیت‌های این نرم افزار به شرح زیر است:

- محیط کاربری بسیار آسان و کاربر پسند؛
- امکان اضافه کردن انواع عناصر مختلف و متنوع مانند متن، شکل، آیکون، یا حتی تصویرهای دیگر به عکس یا فیلم مورد نظر؛
- امکان درج انواع جلوه‌ها روی تصویرها و فیلم‌ها؛
- امکان تغییر اندازه و کیفیت تصویرها و بوم طراحی؛
- امکان ذخیره‌ی تصویرها با قالب‌های GIF, JPG, BMP, PNG, TIF
- امکان ذخیره‌سازی فیلم‌ها با قالب‌های PPT, AVI, WMV, SWF, MPEG, MPG

این نرم افزار در محیط رایانه قابل استفاده است و ساخت افزار مورد نیاز آن نیز چندان بالا نیست. اگر با این نرم افزار تدریس کردید، تجربه‌ی تدریس‌تان را به دفتر مجله انتقال دهید تا همکاران هم در جریان چگونگی کار قرار بگیرند.

محمد نیک افروز  
متخصص تولید محتوا



گاهی اوقات می‌خواهید از صفحه‌نمایش خود تصویری بگیرید یا از فعالیت‌های خود هنگام کار با رایانه فیلم برداری کنید. برای این کار لازم است از نرم افزارهای ویژه‌ی فیلم برداری و تصویر برداری از صفحه‌نمایش استفاده کنید. در این حوزه، نرم افزارهای کاربردی بسیاری ارائه شده‌اند. یکی از این نرم افزارها، نرم افزار Tech Smith Snagit است. این نرم افزار به شما کمک می‌کند با چند کلیک و به آسانی تصویرها و فیلم‌های با کیفیتی از صفحه‌نمایش خود تهیه کنید. پس از اینکه کار فیلم برداری و تصویر برداری از صفحه‌نمایش را انجام دادید، این نرم افزار بلافاصله آن را در محیط ویرایشگر خود باز می‌کند و می‌توانید به راحتی تصویر یا فیلم خود را ویرایش کنید.

از طرف دیگر، ممکن است بخواهیم فایل تصویری را که از منبعی دیگر تأمین یا با نرم افزار دیگری تولید کرده‌ایم، در ادامه‌ی کار ویرایش یا زیباتر کنیم. برای مثال، ممکن است بخواهیم عناصری به تصویر اضافه یا جلوه‌هایی روی آن اعمال کنیم. برای این کار به نرم افزار ویرایشگر گرافیکی نیاز داریم. شاید اولین گزینه‌ای که در ابتدا به ذهن شما خطور می‌کند، نرم افزار فتوشاپ باشد. فتوشاپ یکی از نام‌آشنا‌ترین و قدرتمندترین نرم افزارها در گروه ویرایشگرهای تصویری است. ولی

## کتاب آموزشی

مهرماه شهر آبادی

### همه می توانی زرنگ باشی

سال چاپ: ۱۳۹۸

ناشر: شرکت نشر فراروان

مؤلف: نرگس تبریزی



اغلب فعالیت‌های آموزشی مستلزم همکاری و هماهنگی دو نوع مهارت و توانایی هستند. تمرین‌هایی می‌توانند این توانایی را پرورش دهند که لازمی آن‌ها به‌کارگیری هم‌زمان و هماهنگ چشم و دست باشد؛ تمرین‌هایی مثل ترسیم خطوط صاف و منحنی و زاویه‌دار بین شکل‌های مختلف و یا ترسیم خط از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر. این کتاب شامل تمرین‌هایی است برای ارتقای سطح یادگیری و توانمندسازی بیشتر کودکان.

### تفکر خلاق

سال چاپ: ۱۳۹۷

ناشر: یار مانا

مؤلف: مهدیه عابدی درچه، منیره کشانی



بازی یکی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری و راه‌های ارتباط با کودکان است. کتاب حاضر شامل بازی‌های آموزشی برای پرورش تفکر خلاق کودکان ۷ تا ۱۲ ساله است. در ابتدای هر بازی، توضیحی کلی در باره‌ی آن و سپس هدف از آن آمده است. پس از آن، گروه سنی بازی، تعداد بازیکنان، وسایل موردنیاز، موارد مورد توجه پیش از شروع بازی، روش بازی، چگونگی ایجاد تغییراتی در بازی و نکته‌ها شرح داده شده‌اند. بعضی بازی‌های این کتاب عبارت‌اند از: وسط کاغذ چه خبره؛ بازی با بازی؛ زندانی بطری؛ اینجا و آنجا.

### چگونه معلم شدم

سال چاپ: ۱۴۰۰

ناشر: مؤسسه فرهنگی و هنری شناخت و تربیت انگاره

مؤلف: حمزه بهرامی



در این کتاب صدای معلمی شنیده می‌شود که می‌کوشد از تجربه‌ها و مواجهه‌های خود سخن بگوید و خواننده را در گفت‌وگوی درونی خود سهیم سازد. او در پی اثبات درستی یا نادرستی باور یا تفکری نیست، صرفاً چیزی را که در مسیر توسعه مهارت‌های شغلی در دیگران دیده یا جایی خوانده، یا از تجربه‌های زیسته‌اش به آن‌ها رسیده، نگاشته است؛ از خلق فرصت‌های یادگیری و همراهی علم و عمل تا ابزار طلایی معلم حرفه‌ای و مهارت‌های ارتباطی و تعامل گروهی. از اخلاق حرفه‌ای تا نظم و انضباط و از پیچیدگی‌های آموزش ابتدایی یا ترغیب بچه‌ها به مطالعه. در نهایت نیز به شرح چگونگی معلم و خودباوری پرداخته است.

آموزشی

آزمایش

دوره بیست و پنجم  
شماره ۲ | ۱۴۰۰

۴۷





عکاس: اعظم لاریجانی

## تو بگو، من می شنوم



اعظم لاریجانی

«گوش سپردن» یک فعالیت دوطرفه است. همان قدر که انتظار داریم دانش آموز خوب گوش کند، خودمان هم باید شنونده‌ی خوبی باشیم. گوش دادن راهی قدرتمند برای برقراری ارتباط است، چرا که هر ارتباط خوب نه تنها پیام می‌دهد، بلکه پیام نیز دریافت می‌کند. معلم خوب فقط سخنران نیست. دانش‌آموزان زمان زیادی را به ما گوش سپرده‌اند و حالا نوبت ماست.

درس مؤثر حاصل گفت‌وگویی خوب است: گفتن و شنیدن. من می‌گویم تو بشنو. تو بگو من می‌شنوم؛ شنیدن از آن گونه که دانش‌آموز احساس امنیت کامل داشته باشد و بتواند بی‌ترس، دلپره‌ی خود را بگوید. چنین گوش‌سپردنی، یعنی همدلی و در پی آن درک دانش‌آموزان و سپس ارزیابی اینکه: آیا آنچه را آموخته‌اید، درک کرده‌اند؟

مهم‌تر از همه، چنین رویه‌ای به رشد و حفظ امنیت عاطفی دانش‌آموز کمک فراوان می‌کند. این قدرتمندترین راهبرد است، زیرا وقتی به آن‌ها گوش فرا می‌دهیم، آنان را می‌شناسیم. سخنان آن‌ها بهترین راهنما برای شناختشان است و شناخت همیشه بهترین نتیجه را دارد.

آیندازی

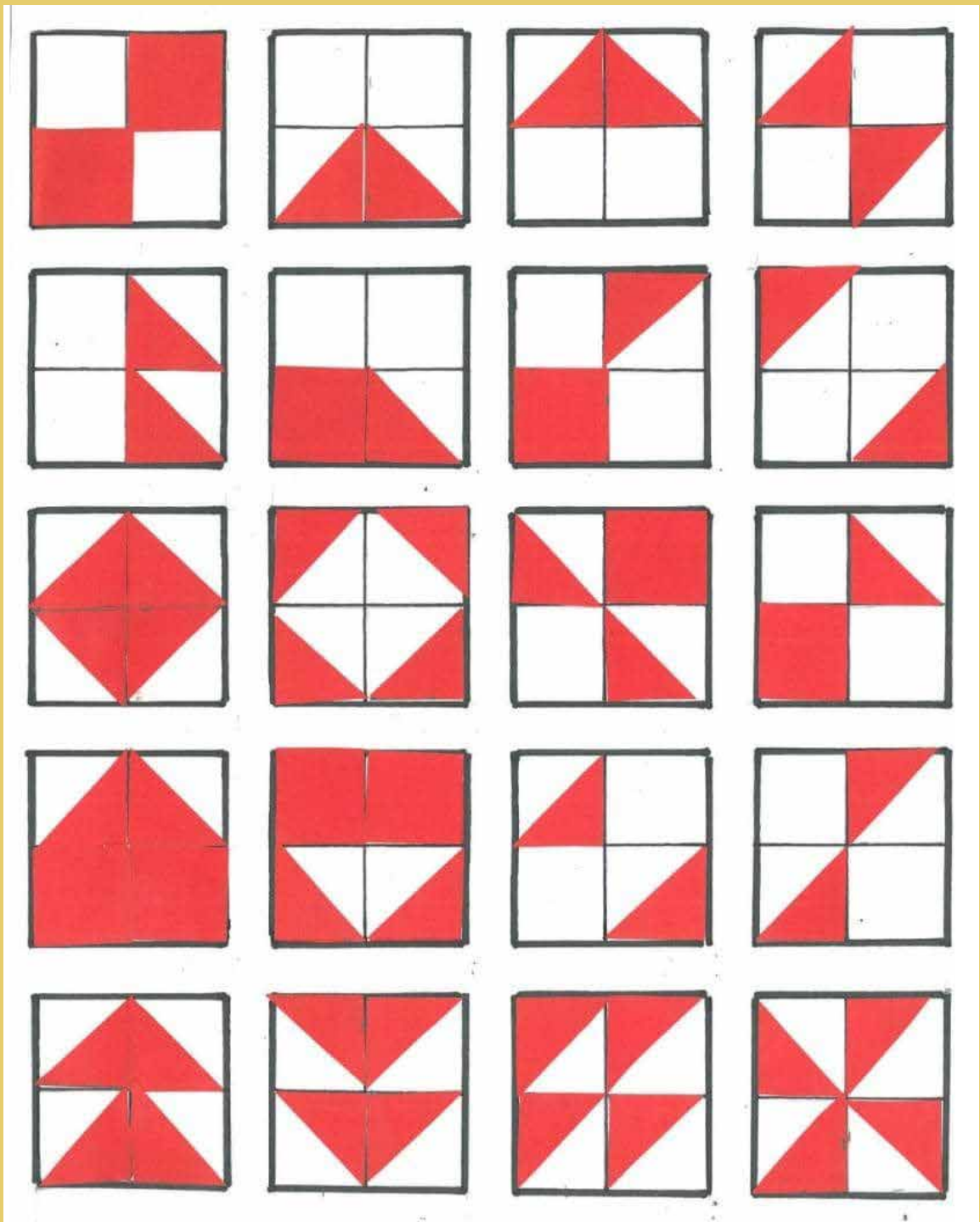
اژرمه‌ها

دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۳ | ۱۴۰۰

۴۸







بازی مربع‌ها